ماوراء الطبیعه در هنر و فیلم

ابراهیم رحیمی بندرآبادی

بسم الله الرحمن الرحیم

ماوراءالطبیعه در هنر و فیلم

نویسنده:

رحیمی بندرآبادی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ماوراءالطبیعه در هنر و فیلم

مشخصات کتاب

سرشناسه : رحیمی بندرآبادی، ابراهیم، ۱۳۵۱ -

عنوان و نام پدیدآور : ماوراءالطبیعه در هنر و فیلم/ ابراهیم رحیمی بندرآبادی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۶۹ ص.؛ ۱۴ × ۲۱ س م.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۳۱۹.

شابک : ۲۱۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۵۵-۵

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۶۷]- ۱۶۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : ماوراءالطبیعه در هنر

موضوع : اساطیر در سینما

موضوع : سینما -- جنبه های مذهبی

موضوع : معنویت در سینما

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : NX۶۵۰ /م۲ ر۳ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۷۰۰/۴۱۵

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۳۴۶۵۴

ص:۱

اشاره

ماوراءالطبیعه در هنر و فیلم

کد: ۱۳۱۹

نویسنده: ابراهیم رحیمی بندرآبادی

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۸۷

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۲۱۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.ir

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰-۰۲۵۱ نمابر: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۵-۵۵-۲۷۶۱-۹۶۴-۵-۵۵-۲۷۶۱-۹۶۴-۹۷۸ :ISBN: ۹۷۸ \

فهرست مطالب

دیباچه

دیباچه

امروزه هنر یکی از کارآمـدترین و مؤثرترین ابزارهای نشـر و ترویـج انـدیشه های بشـری است که به مـدد آن می توان اهداف متفاوتی را در قالب های گوناگونی انتشار داد.

در طول دهه های اخیر، دستگاه های تبلیغاتی غرب از جمله هالیوود، با به خدمت گرفتن هنر تصویری، تلاش مضاعفی را برای بر کرسـی نشاندن سـیاست های اسـتعمارگرانه خود در عرصه های مختلف سـیاست، فرهنگ، اقتصاد و... به کار گرفته اند. در این میان، جذابیت های تصویری همچون خشونت، سکس، هیجان، ترس و... با الهام از مضامین ماورایی، سهم مهمی در تولید این آثار دارند. به همین دلیل است که برخی صاحب نظران، سـینمای امریکا را دینی ترین و ماورایی ترین سـینمای دنیا دانسته اند و چون از چاشـنی مضامین ماورایی و دینی صرفا بری عملیاتی ساختن راهبردهای تخریبی پنهان و جنگ ایدئولوژیک بهره می گیرد، آن را غیردینی ترین سـینمای معاصـر قلمداد می کنند. در این راسـتا یکی از محورهای اصـلی تهاجم هالیوود، اسلام ستیزی و القای پیام های یهودی گرایی و سکولاریته کردن مخاطب است

که در سرتاسر فیلم های آنها به چشم می خورد.

پژوهش حاضر ضمن درآمدی بر موضوع ماوراءالطبیعه و برخی از موجودات آن عالم همچون فرشته، جن، شیطان، روح و... تلاش می کند از منظر دینی، به بررسی چگونگی حضور این موجودات در آثار سینمایی غرب بپردازد. این پژوهش، تهیه کنندگان و برنامه سازان محترم سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را در تهیه و تدوین مضامین ماورایی برای تولید و ساخت فیلم و سریال یاری می رساند.

در این میان، شایسته است از تلاش های پژوهشگر محترم، جناب آقای ابراهیم رحیمی بندرآبادی در تهیه و تدوین این اثر سپاس گزاری کنیم.

گروه ارتباطات و رسانه

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

ایران اسلامی، کشوری است که بیشترین موضوع ها و عنوان های ماورای طبیعی در تاریخ آن مطرح بوده است که از نظر ملی شامل اساطیر، موجودات اهورایی و اهریمنی در آیین زردشت و پیش تر از آن و عرفان و فلسفه خاص ایرانی می شود. از نظر دینی نیز بسیاری از مقولات ماورایی از جمله خدا، پیامبران الهی، شیطان، فرشتگان، بهشت و دوزخ، عالم برزخ روح، جن و... را دربرمی گیرد. حتی بحث از موجودات ماورایی خیالی نظیر اژدها، دیو، سیمرغ، کوه قاف و مانند آن نیز که جز در کنار مقولات ماورای طبیعی در جایی دیگر نمی توان مطرح کرد، در حافظه علمی و فرهنگی این آب و خاك جای دارد.

با این همه شاهدیم که پژوهش ها و آثار علمی بسیار اندك و انگشت شماری در این زمینه در کشورمان انجام شده که همین امر دو پی آمد داشته است: نخست آنکه به سبب فقر شدید منابع تحقیقی، پژوهش بسیار سخت و طاقت فرسا می شود. افزون بر آن، فقر منابع و کم توجهی به این مقوله، سبب شده است آثار هنری دیداری و نوشتاری اندکی در این زمینه تولید شود.

توجه به این نکته که دشـمنان این مرز و بوم در بیشتر آثـار تصویری خود، از این مقوله ها اسـتفاده و به تعبیر بهتر، سوءاسـتفاده می کنند، باید عزم ما را برای انجام پژوهش های بنیادین و گسترده در این زمینه راسخ تر سازد.

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. مفهوم شناسی

۲. پیشینه توجه بشر به ماوراءالطبیعه

۳. نظر علما و فلاسفه اسلامی درباره هنر و نسبت آن با دین

۴. پیشینه ماوراءالطبیعه در آثار خوش نویسی، نگارگری، معماری و تئاتر(ایرانی، اسلامی، جهانی)

۵. پیشینه ماوراءالطبیعه در فیلم

۱. مفهوم شناسی

۱. مفهوم شناسی

به تعداد فرهنگ و ادیان، تعریف های گوناگونی از ماوراءالطبیعه و موجودات ماورای الطبیعی وجود دارد. برای شناخت واژه «ماوراءالطبیعه»، ابتدا باید واژه «طبیعت» را معنا کنیم.

در لغت نامه دهخدا، بیش از بیست معنا برای طبیعت آورده شده است که مهم ترین آنها عبارتند از: سرشت، نهاد، آب و گل، خوی، گوهر، سلیقه، فطرت، خلقت، طبع ذات، طینت، ضمیره، غریزه، سجیّه و خُلق. طبیعت به معنای عنصر نیز آورده شده است. مثلاً طبیعت پنجم، همان جواهر افلاک است که با چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش فرق می کند.

در فرهنگ فلسفی آندره لالاند، این معانی برای طبیعت آمده است: «اصل، ماهیت یک جنس، فطری، غریزی و خودرو، مزاج.»(۱) همچنین در این فرهنگ، معانی اصطلاحی زیر برای طبیعت آمده است.

۱. طبیعت، مجموع چیزهایی است که نظمی را ارائه می دهند و انواعی را

۱- آندره لالاند، فرهنگ علمی و انتقادی فلسفه، ترجمه: غلام رضا وثیق، تهران، شرکت چاپ فرشیوه، ۱۳۷۷، چ ۱، واژه «Nature».

تحقق می بخشند و بر اساس قوانینی تولید مثل می کنند. ارسطو در این معنی، طبیعت را در مقابل اتفاق و تصادف می گذارد.

۲. دنیای قابل رؤیت، در تقابل با صور ذهنی، احساسات و ماننـد آن. «کلمه طبیعت، دو معنای گوناگون دارد. اول اینکه جهان و دنیای مادی را نشان می دهـد. در این معنا می گویند: زیبایی طبیعت، ثروت طبیعت؛ یعنی چیزهایی آسـمانی و زمینی که در مقابل دیدگان ما قرار گرفته اند...».(۱)

۳. گسـترش مفهـوم آنچه مـا بـدان عـادت کرده ایم؛ موضوع هـا و حوادث، آن گونه که معمولاً ـ در برابر مـا قرار گرفته است. طبیعت در این دو معنا، در مقابل فوق طبیعت است.(۲)

برای ماوراءالطبیعه به معانی اصطلاحی زیر می توان اشاره کرد:

۱. عالم ذهنی در مقابل عینی (بر مبنای دیدگاه مادی گرایانه)؛

۲. عالم غیر حسی در مقابل عالم محسوس؛

۳. عالم احساسات در مقابل عالم غیراحساساتی و غیرعاطفی (بر مبنای دیدگاه مادی گرایانه)؛

۴. عالم غیرمُدرک در مقابل عالم ادراکی؛

۵. عالم مجرد و غیرمادی در مقابل عالم مادی؛

۶. عالم آخرت در مقابل عالم دنیا؛

۷. عالم خارق العاده در مقابل جهان عادی (مورد عادت).

۱- آنـدره لالانـد، فرهنـگ علمی و انتقـادی فلسـفه، ترجمه: غلام رضا وثیق، تهران، شـرکت چاپ فرشـیوه، ۱۳۷۷، چ ۱، واژه «Nature».

۲- آنـدره لالانـد، فرهنـگ علمی و انتقـادی فلسـفه، ترجمه: غلام رضا وثیق، تهران، شـرکت چاپ فرشـیوه، ۱۳۷۷، چ ۱، واژه «Miracle».

معانی یادشده، جامع، مانع و اتفاقی نیستند. بنابراین، برای پی ریزی بنیان بحث، باید تعریفی شاخص و مطابق با نظر اسلام ارائه دهیم که بر اساس دسته بندی فلاسفه و عرفای اسلامی، از عوالم چهارگانه وجود است.

بنا بر این دیدگاه، عالم «طبیعت»، عالم «غیر مجردات» است و عوالم بالاتر از آن، ماوراءالطبیعه هستند که عبارتند از:

۱. عالم مثال یا برزخ؛

۲. عالم ملکوت یا فرشتگان یا عقول یا عالم مجردات یا غیب؛

۳. عالم لاهوت یا الوهی یا عالم مجردنامه یا غیب مطلق.

بر این اساس، جز ذات اقدس خدا، فرشتگان، قیامت و برزخ، همه موجودات دیگر، طبیعی هستند. حال اگر گروهی، جن را هم از موجودات ماورای الطبیعی می دانند، به سبب اثرپذیری از فرهنگ های دیگر است. بنابراین، موجودات وهمی، افسانه ای و خرافی همچون: سیمرغ، هما، قفنوس، غول، اژدها، دراکولا و پری معدومات هستند و در هیچ عالمی از عوالم وجود نمی گنجند.

۲. پیشینه توجه بشر به ماوراءالطبیعه

۲. پیشینه توجه بشر به ماوراءالطبیعه

آوازه ماوراءالطبیعه در برخی کشورهای جهان نیز پیچیده است. ریشه برخی طلسم ها و اعتقادهای ماورای الطبیعی به ویژه مسائلی مانند طلسم ها، احضار ارواح، جواهرات و اعداد را تا مصر باستان، بین النهرین، یونان و روم می توان جست وجو کرد. در طول قرون وسطا (قرن پنجم تا قرن پانزده میلادی) علوم دینی و جادو به راحتی از هم تشخیص داده نمی شد. وجود

نظام سرّی یهودی که قبالا(۱) نامیده می شد و پیش از مسیحیت باقی مانده بود، در این امر نقش مهمی داشت و به سهم خود، طیف گسترده ای از طلسم ها، افسون ها، رسوم و عقاید را وارد دین کرد. در دوره رنسانس (قرن پانزده تا قرن هیجدهم میلادی) که دوره اصلاحات و روشن فکری نامیده شد، رابطه سنتی میان علم و ماوراءالطبیعه از میان رفت و به وسیله جوامع غربی، نظام جدیدی برای آن به وجود آمد.

در ابتدا به نظر می رسید که رنسانس، به ماوراءالطبیعه امکان زندگی دوباره را داده باشد. برای نمونه، دانشمندانی همچون پیکور لامیراندو،(۲)فیلسوف ایتالیایی، فلسفه سنتی را بازیابی کردند. این فلسفه شامل جادوگری، علوم خفیه و طلسم های جادویی بود. دانشمندانی مانند پاراسلوس،(۳)فیزیک دان آلمانی نیز اثبات کردند که این طلسم ها با تعصب مذهبی قرون وسطا در تقابل بوده اند. به هر حال، کلیساهای کاتولیک رم و پروتستانیسم جدید، بیش از پیش با جادو و فنون خفیه به مقابله پرداختند.

یکی از نتایج این تغییر نگرش، شکنجه و سوزاندن زنان متهم به جادوگری (طلسم های جادویی) بود. در همان روزها، علوم، مدل هایی برای فهم دنیا بنا می کرد که از ریشه، بنیان جادو را می خشکاند. در پایان قرن ۱۸

---

۱ - cabala: قبالا را اوج عرفان یهودی می شناسند. این مکتب، در قرن های اولیه پس از میلاد به وجود آمد و در قرن دوازدهم میلادی به اوج خود رسید. آنها بین خدای نامتعین این سوف و خدای متجلی یا متعین، تفکیک قائل بودند. نظریه های قبالا در اسپانیا در کتاب زُهر جمع آوری شده است.

۲ - ۲.Ricodela Mirandola.

۳ - ۳.Paracelsus

میلادی، جادو جاذبه خود را در میان تحصیل کردگان کلاسیک از دست داده بود. با این حال، جادوی سنتی و جادوی پنهانی ادامه داشت. برای مثال، در امریکا، شکل های سنتی دین که با جادو هم خوانی داشت، با طلسم های آفریقای غربی آمیخته می شد. این درهم آمیختگی، نهادهای فعالی همچون ودوو(۱) و سانتریا را تولید می کرد که هر دو آنها، جهان بینی دینی و طلسم های جادویی را تلفیق می کردند. جامعه شناسان و روان شناسان بر این عقیده اند که جادو معمولاً با کمک عواملی مانند دین، همواره باقی می ماند. بنابراین، مسائل ماوراءالطبیعی، گرایش های عمیق ذهن بشر را باز می تاباند. البته این نظریه، در ظاهر با تفکر علمی ناسازگار است.(۲)

از منظر اسلامی، وجود ماوراءالطبیعه به پیش از خلقت انسان باز می گردد. خداوند، در رأس موجودات ماورائی، قدیم است؛ یعنی موجودی ازلی و ابدی است. خلقت جن و ابلیس پیش از خلقت انسان بوده است. ارواح معصومین علیهم السلام چهارده هزار سال پیش از خلقت آدم علیه السلام آفریده شده است و خلقت برخی فرشتگان، حتی به پیش از خلقت انس و جن می رسد.

انسان از منظر برخی فلاسفه و عرفای اسلامی، جسمانیه الحدوث و

۱- Vodou آئینی در هائیتی، برزیل، شمال امریکا و مناطق دیگر است که از عناصری از کلیسای کاتولیک رم و آیین های قبیله ای در غرب آفریقا تشکیل یافته است. آئین وودو بر مبنای پرستش خدای بزرگ بن دیو Bon Dieu اجداد یا ارواح بزرگان و ارواحی که لوا (loa) نامیده می شوند قرار گرفته است.

۲- مطالب این بخش تا اینجا با تلخیص و تصرف بود. برگرفته از دایره المعارف اینکارتا تولید شرکت مایکروسافت باتلخیص و تصرف.

روحانیه البقاست. بنابراین، ازلی نیست، ولی ابدی است و سرشتی دوگانه دارد. جسم وی طبیعی و روح ابدی او ماورای طبیعی است. بنابراین، نگاه دانشمندان غربی به تاریخچه ماوراءالطبیعه، ازمنظر اسلامی مردود خواهد بود. آنان، زمانی، دین را آمیخته به جادو و مسائل ماورایی می دانستند و پس از دوره رنسانس که آن را غلبه بشر بر خدا می دانند، مسائل ماوراءالطبیعی را جزو خرافات و موهومات به شمار آورده اند. گروهی از آنان نیز اگرچه این گونه مسائل را خرافی نمی دانند، ولی بر این باورند که درزندگی بشر اومانیست و مادی گرا هیچ اثری ندارد. از نظر اسلام، انسان به عنوان موجودی دو سرشتی با غلبه ماوراءالطبیعه، از ابتدا با عوالم بالا ارتباط داشته که از مأوای خود؛ یعنی بهشت، به خاکدان طبیعت تبعید شده است. او می گوید انسان سرانجام نیز باید به ماوراءالطبیعه باز گردد.(۱)

البته هم اکنون نیز با همه دین ستیزی جهان امروز به ویژه با ماوراءالطبیعه، انسان از لحظه ای و ارتباط با ماوراءالطبیعه جدا نیست. اگر ماهی، وجود آب را درک نکند، هرگز از وجود حقیقی آبی که او را در برگرفته و به او زندگی بخشیده است و ارتباط و نیاز ماهی به آب، چیزی نمی کاهد.

۳. نظر علما و فلاسفه اسلامی درباره هنر و نسبت آن با دین

۳. نظر علما و فلاسفه اسلامی درباره هنر و نسبت آن با دین

امام محمد غزالی می نویسد:

۱- «انا لله و انا الیه راجعون».

عالم علوی حسن و جمال است و اصل حسن و جمال، تناسب هر چه متناسب است، نمودگاری است از جمال آن عالم؛ چه هر جمال و حسن و تناسب که در این عالم محسوس است، همه، ثمرات جمال و حسن آن عالم است. پس آواز خوش و صورت زیبای متناسب هم، شباهتی دارد از عجایب آن عالم.(۱)

ابن خلدون بیشتر هنرها و صنایع را مانند درودگری، ظریف کاری، منبت کاری روی چوب، گچ بری، آرایش دادن روی دیوارها با تکه های مرمر آجر یا سفال، نقاشی تزیینی و حتی قالی بافی که از هنرهای ویژه جهان اسلام است، منسوب به معماری می داند. بی شک، هنر خوش نویسی را نیز می توان از این گروه دانست. پس تنها مینیاتور از این محدوده خارج می شود.(۲)

۱- امام محمد غزالی، کیمیای سعادت، تهران، کتاب خانه مرکزی، ۱۳۵۵، چ ۱، ص ۳۵۸.
۲- ابن خلدون، مقدمه، ترجمه: محمدپروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،۱۳۷۵، ج ۲، صص ۸۰۶ _ ۸۰۹.

شهرستانی در کتاب ملل و نحل می نویسد:

آدم اختصاص یافت به اسماء و نوح به معانی این اسماء و ابراهیم به جمع بین آن دو. پس خاص شد موسی به تنزیل (کشف ظاهر صور) و عیسی به تأویل (رجوع به باطن و معنا) و مصطفی به جمع بین آن دو که تنزیل و تأویل است.

دکتر محمد مددپور در کتاب تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، درباره گفته شهرستانی چنین آورده است:

اسلام، جمع بین ظاهر و باطن است و تمام و کمال اسلام بدین معناست. چنین وضعی (اختصاص پیامبر مکرم اسلام به تنزیل موسوی و تأویل عیسوی) در اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی، سبب می شود که هنر اسلامی برخلاف هنر مسیحی، صرفا بر باطن و عقبی تأکید نکند، یا چون هنر یهودی تنها به دنیا بپردازد، بلکه جمع بین دنیا و عقبی کند و در نهایت، هر دو جهان را عکس روی حق تلقی کند.

دو جهان از جمال او عکسی

عالم از روی او نموداری است(۱)

ایشان درباره هنر دینی می نویسد:

بی تردید، هنر اسلامی در مقام هنر دینی، جلوه گاه حقیقت اسلام است. حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله انسان کاملی است؛ یعنی جامع جمال و جلال الهی و صاحب مقام ولایت است که می توان او را به تعبیری خردمند خواند. خردمندی که هنرمندی اش به ذات احدیت و دریافت اسرار قدسی نسبت

۱- محمد مددپور، تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۴، چ ۱، ص ۱۳۷.

بی واسطه دارد.(۱)

بنابراین، از منظر این اندیشمند هنر دینی، هنر و دین، نه تنها کوچک ترین منافاتی باهم ندارند، بلکه رابطه ای مستحکم دارند و هر کس تدین و رتبه دینی اش بالاتر باشد، او هنرمندتر است. پس هنرمندترین هنرمندان، ذات مقدس پیامبر اسلام است که بی پرده، جلوه باطن هستی را دید. او جلوه وجود خدا در عالم بود. دکتر غلام رضا اعوانی در این زمینه دیدگاه جالبی دارد:

از دیدگاه دینی، برخلاف دیدگاه افلاطون و ارسطو، هنر و حکمت متباین نیستند، بلکه هنر و عرفان و حکمت، دارای اصلی واحد هستند. هنرمند به معنای سنتی کلمه می تواند عارف وحکیم باشد. هنرمند، گاه با زبان شعر و کلمه مثل مولوی، سعدی و حافظ و گاهی به صورت معماری با زبان خشت و گل، حقایقی را که دیده است، عینیت می بخشد.(۲)

شاید والاترین تعبیر در این زمینه از امام خمینی رحمه الله باشد که فرمود: «هنر، عبارت است [از] دمیدن روح تعهد در کالبد انسان ها.»(۳) در این زمینه، دکتر علی شریعتی می نویسد:

یک اثر هنری اصیل، با عرفان و مذهب هم خانواده است، ولی در مرحله ای راهشان جدا می شود... . هنر، محاکات است، ولی نه محاکات ارسطویی که بیان تقلید از طبیعت باشد، بلکه محاکات ماوراءالطبیعه و

۱- محمد مددپور، تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۴، چ ۱، ص ۱۳۷.
۲- غلام رضا اعوانی، حکمت و هنر معنوی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۱۲۱.
۳- صحیفه نور، مجموعه بیانات و مکتوبات بنیان گذار جمهوری اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶، چ ۳، ج ۳، ص ۲۵۱.

آراسته این جهان، بسان زیبایی جهان متعالی است(۱)... هنر، قلم صنع فرزندان آدم است که از بهشت به زمین افکنده شده اند و می کوشند تا زمین زشت و افسرده را به بهشتی که جایگاه او بوده و هست آرایش کنند... .(۲)

هنر، یعنی مجرد شدن و تجرد را احساس کردن؛ یعنی به خودآگاهی رسیدن آن روح مطلق ناخودآگاه در انسان؛ یعنی خدا را شناختن.(۳)

دکتر شریعتی، اصولاً هنر را دارای ذات مقدس می داند. باید گفت در تعریف های او، «هنر مقدس» به عنوان شاخه ای از هنر مطرح نشده است. تیتوس بوکهارت، پژوهشگر هنر اسلامی که خود نیز به اسلام گروید، برخلاف نظر دکتر شریعتی که سراسر عالم هنر را قدسی می داند و فرعیتی برای هنر قدسی از هنر قائل نیست، می نویسد:

برای آنکه بتوان هنری را مقدس نامید، کافی نیست که موضوع هنر از حقیقتی روحانی نشئت گرفته باشد، بلکه باید زبان صوری آن هنر نیز بر وجود همان منبع گواهی دهد. ازاین رو، تنها هنری که قالب و صورتش نیز بینش روحانی خاص مذهب شخصی را منعکس سازد، شایسته چنین صفتی است.(۴)

سید مرتضی آوینی در این زمینه می نویسد:

هنرمند، اهل شهود و حضور است و چنین هنری لاجرم متکی بر الهام است.

۱- اقتباس از جزوه درسی «سمینار حکمت هنر اسلامی» اثر دکتر حسین یاوری.

۲- اقتباس از جزوه درسی «سمینار حکمت هنر اسلامی» اثر دکتر حسین یاوری.

۳- اقتباس از جزوه درسی «سمینار حکمت هنر اسلامی» اثر دکتر حسین یاوری.

۴- بوکهارت تیتوس، هنر مقدس، ترجمه:جلال ستاری پور، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹، ص۲۴.

نوعی وحی که نباید با وحی خاصی که به انبیا می شود، اشتباه گردد. هنرمند، ملهم از غیب است و الهاماتی که به او می رسد، با درجات روحی او کاملاً متناسب است. هنرمند، رازدار گنج های غیب است و به زبان تمثیل (سمبلیسم) سخن می گوید. پس باید رمز و راز ظهور حقایق متعالی و کیفیت حضور و ظهور امر قدسی را در جهان بشناسد.(۱)

شهید آوینی در جایی دیگر، در پاسخ به پرسش اساسی این بخش درباره سینما که هنر هفتم و جمع هنرهای شش گانه نامیده می شود، چنین می نویسد:

همان طور که گفته شد، نه آنچنان است که سینما مطلقا جلوه گاه هنر شیطانی باشد. سینما در مغرب زمین، غفلت کده ای دیگر همچون میکده است، ولی برای ما می تواند چنین نباشد... .(۲) برای آنکه سینما در خدمت اسلام درآید، باید حجاب تکنیک سینما خرق شود. تنها راه خروج از ولایت تکنیک و گذشت از متافیزیک [ماوراءالطبیعه]غرب، نخست تقواست و آن گاه در پرتو نور حکمت متقین به تمدن غرب، لوازم و آثار، اجزا و عناصر آن نگریستن.(۳)

قلمرو هنر اسلامی، نه مانند تائوییسم چینی و ژاپنی است که فقط طبیعت را دربرگیرد ونه مانند هندوییسم، فقط به طبیعت و عالم روح توجه می کند و نه مانند تمدن غرب تنها مادی گراست، بلکه همه عوالم وجود اعم از طبیعت و ماورای طبیعت را دربرمی گیرد. شایستگی برای این امر وجود دارد و به

۱- سید مرتضی آوینی، آیینه جادو، تهران، نشر ساقی، ۱۳۷۷، چ ۲، ص ۱۵۶.

۲- سید مرتضی آوینی، آیینه جادو، تهران، نشر ساقی، ۱۳۷۷، چ ۲، ص ۱۵۶.

۳- سید مرتضی آوینی، آیینه جادو، تهران، نشر ساقی، ۱۳۷۷، چ ۲، ص ۱۹۱.

تعبیری مقتضـی موجود است و ما باید برای رفع مانع بکوشیم. دین با هنر، نه تنها ضدیت ندارد، بلکه به تعبیری هنر، همان بیان دین و آوردن ماوراءالطبیعه به عالم طبیعت است.

باید گفت با تمام نازک اندیشی ها و دقت نظرهایی که بزرگان داشته اند، با نشان دادن مسائل دینی و ماورای طبیعی در هنر و فیلم مخالفت نکرده اند. در پایان این بخش، کلام شهید آوینی را در این باره می آوریم:

اگر محتوای سـینما بخواهد به سوی حق و اسلام متمایل گردد، تکنیک سینما یعنی مجموعه روش ها و ابزار آن، حجابی است که باید خرق شود. در این نکته برای اهل معنا، معانی بسیاری نهفته است.(۱)

۴. پیشینه ماوراءالطبیعه در آثار خوش نویسی، نگارگری، معماری و تئاتر(ایرانی، اسلامی، جهانی)

۴. پیشینه ماوراءالطبیعه در آثار خوش نویسی، نگارگری، معماری و تئاتر(ایرانی، اسلامی، جهانی)

در دین مبین اسـلام، هنرهـای فیگوراتیو،(۲) جایگـاه مسـتحکمی ندارنـد. دلیـل آن، شایـد خطر معارضه با عالم غیب است که چنـدان با حس و بینایی همراه نیست.(۳) والاترین جلوه های دیـداری را در شـریف ترین هنر اسـلامی؛ یعنی کتابت و خطاطی می توان دیـد. بـا توجه به این گفته حکما که «کلام هر فردی، وجود تنزیلی اوست»، درمی یابیم که با کتابت قرآن کریم، این وجود تنزیلی

۱- سید مرتضی آوینی، آیینه جادو، تهران، نشر ساقی، ۱۳۷۷، چ ۲، ص ۱۹۱.

۲- Figorative به مجموعه هنرهای اجرایی گفته می شود.

۳- حکمت و هنر معنوی، ص ۱۲۳.

خداوند است که با برترین جلوه های دیداری، بر روی کاغذ ترسیم می شود. به عبارت دیگر، خوش نویسی نمودار جسم مرئی کلام الهی است. همچنین شکل منظم اشیا در معماری مساجد و طراحی گنبد، تعبیری از الوهیت و وحدت خداست، مانند: تاق کاری حیاطی در قصر الحمرا یا تاق کاری برخی مسجدهای کشور مغرب یا ایران و دیگر کشورهای اسلامی که با سکونی کامل آرمیده اند. با این حال، چنین می نماید که از ارتعاش های نور، تنیده شده اند و بسان نوری بلورین هستند. حتی می توان گفت که جوهر باطنی شان، سنگ نیست، بلکه نور الهی و عقل خلاقه است که به گونه اسرارآمیزی در هر چیزی نهفته است.

گنبد در معماری اسلامی، نماد وحدت الهی و آرامش است. همچنین تمام گنبدها و قبه ها با الهام از کشف محمدی صلی الله علیه و آله در معراج که گنبد عظیمی را توصیف فرموده و نماد روح الهی محاط بر عالم است، ساخته می شوند. گلدسته ها نیز افزون بر سمت و سوی الهی که دارند، نماد بیداردلی و آمادگی هستند. دیوارهای بعضی مسجدها که پوشیده از کاشی های لعابی با نقش های اسلیمی های (عربانه ها) ظریف گچ بری است، یادآور رمز حجاب است. ساقه یا گریو، همان هشت ضلعی گنبد که زیر آن قرار گرفته، رمز هشت فرشته حامل عرش است. کل بنای مسجد، بیانگر تعادلی است که یکتایی پروردگار را در نظام کیهانی بازتاب می دهد. ازاین رو، شکل منظم بنا را می توان تعبیری از الوهیت نیز دانست که در این صورت، بخش چند ضلعی ساختمان، برابر با «پره های برش خورده» (یعنی وجوه) صفات الهی است و گنبد آن، یادآور یکتایی افتراق ناپذیر است.

بنابراین، از ابتدای شکل گیری اسلام، تأثیر ماوراءالطبیعه را در کتابت قرآن کریم یا ساخت مسجد شاهدیم. ماوراءالطبیعه حتی بر ادبیات، فلسفه، عرفان و فرهنگ اسلامی پیشی می گیرد و با دین همراه می شود. در نمونه های فیگوراتیو در قالی ها و نقاشی مذهبی دیواره های مسجدها که به شکل نقوش هندسی، گیاهی، اسلیمی یا تذهیب خودنمایی کرده است، هر بخشی می تواند یکی از موجودات هستی باشد که بی هویت و بی نشان است و تنها در ارتباط با هستی کل و امر ماورایی است که فرم کلی کار شکل می گیرد. در تئاتر بومی ایرانی به سرآمدی هنر تعزیه، سوای آنکه موضوع آن یک تراژدی درباره واقعه کربلاست و زندگی یک معصوم را دربرمی گیرد، در همه جای آن عناصر ماورایی دیده می شود.

در هنر غربی که بیشتر، ماهیت فیگوراتیو و بصری دارد، رد پای آثار ماوراءالطبیعی را بیشتر می توان در نگارگری و مجسمه سازی و حتی رقص و اپرا سراغ گرفت. امروزه نیز بیشترین آثار هنر فیگوراتیو در فیلم و سینما یافت می شود. طبیعی است که تلاش هنرمندان ایرانی برای داخل کردن ماوراءالطبیعه در هنر، بیشتر در هنرهای غیر فیگوراتیو به کار رفته است. اکنون نیز این روند ریشه دار، همچنان ادامه دارد. بنابراین، با توجه به تفکر دینی ـ ملی ما، تا حدی توصیه شده است که رد پای ماوراءالطبیعه را مانند غرب نباید در هنرهای فیگوراتیو و بصری جست. در غرب مسیحی، تابلوی معروف خلقت(۱) اثر میکل آنژ به راحتی خداوند را آن هم با عیالات خود

۱- Creation.

به تصویر می کشد که مشغول دمیدن روح زندگانی در آدم علیه السلام است.

همچنین در نقاشی های بسیاری، فرشتگان به تصویر کشیده شده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در تـابلوی فرشـتگان جلوی چوپانان ظاهر می شونـد، اثر هنری تانر(۱)امریکایی در سال ۱۹۱۰ میلادی، فرشـتگانی لطیف و روحانی که در حال فرود آمدن هستند، در برابر چند انسان به تصویر کشیده شده اند.

۲. در سبک رکوکو، نقاش ایتالیایی تی پولو(۲) در قرن ۱۸ میلادی، در ستایشیکی از دریا سالاران ایتالیایی، وی را در حال عروج به آسمان نشان داده است، در حالی که به وسیله چند فرشته با شمشیر محافظت می شود.

۳. در سبک باروک، خود این نقاش ایتالیایی، تابلوی مریم و فرزنـد به تخت نشسته را در حالی که چنـد فرشـته آنها را احاطه کرده اند، خلق کرده است.

۴. تابلوی تبشیر،(۳) اثر کامپین(۴) حضرت جبرئیل را نشان می دهد که بر مریممقدس علیهاالسلام نازل شده است.

۵. تابلوی جبرئیل فرشته درقرن پانزدهم میلادی، اثر نقاش ایتالیایی دوناتللو.(۵)

همچنین می توان در نقاشی عهد رنسانس، از آثار پوپی، هنرمند قرن ۱۶

۱- Henry ossawa tanner.

۲- Giovanni Battista Tiepolo.

۳- Annunciation.

۴- Robert campin.۷.

۵- Donatello.

ایتالیا و نقاش روسی اقانیم عهد عتیق در قرن پانزدهم میلادی و همچنین تابلوهای کنسرت فرشتگان و با کره و فرزندش همراه با قدیسین و فرشتگان نام برد.

در دیگر هنرها، برای نمونه، مجسمه های برنزی از فرشتگان که در قرن ۱۵ میلادی به وسیله دومینکوی(۱) ایتالیایی برای کلیسای جامع سینا ساخته شد.در میناکاری نیز نمونه ای از یک کار هنری از فرشته مقرب، میکائیل، در کلیسای جامع ونیز موجود است. همچنین برجسته کاری بر روی درِ کلیسای جامع هیلدثیم در آلمان، نقش برنزی است که در قرن ۱۱ میلادی، آدم و حوا را در حالی که فرشته ای پشت سر آنهاست، در حال اخراج از بهشت نشان می دهد. در هنر تئاتر، نمایش نامه ارواح، نوشته ایبسن،(۲) رمان نویس رئالیسترنوژی، در قرن نوزدهم به اجرا در آمد که جنون ارثی و تضاد نسل ها را دست مایه کار خود قرار داده است.

در بسیاری از آیین های آفریقایی تصور می شود موسیقی یکی از مفاهیم اولیه ای است که خدایان و آدم ها به وسیله آن، فرمان های خود را بر جهان تحمیل می کنند. در آفریقای غربی، طبال ها در مراسم جن زدگی نقش تعیین کننده ای بازی می کنند که در آن، خدایان در بدن های مریدان وارد می شوند. یک طبال لایق باید محاسبه ریتم های مخصوص برای خدایان

۱- Beccafumi Domenico.

۲- Henrik Johan Ibsen.

جداگانه را بداند و بتواند جریان نیروهای ماورای طبیعی را در زمینه های آیینی تنظیم کند. در زیمبابوه، موسیقی دانان باید محیطی را به وجود آورند تا ارواح نیاکان به تسخیر تشویق شوند. این کار آنان، بخشی ضروری در شفای بیماران به شمار می رود.

۵. پیشینه ماوراءالطبیعه در فیلم

۵. پیشینه ماوراءالطبیعه در فیلم

در دین زردشتی، اهورامزدا که به عالم روحانی نزدیک است، مبدأ نور به شمار می رود و در نقاشی ها، کتیبه ها و سرودها تجسم یافته است. بنابراین، در این آیین، خدا که در اهورامزدا ظهور دارد، به راحتی در آثار هنری به تصویر در آمده است. در شمایل نگاری ایرانی، فره ایزدی(۱) با توجه به انسان شناسی زردشتی اهمیت ویژه ای پیدا می کند. فره، شمایل های فرمانروایان و مغان ایران قدیم را چون هاله دربرمی گیرد. باید گفت فره در نقاشی ها و نقوش برجسته ایرانی، صورتی دینی را در هنر ایرانی غالب کرده است، به ویژه آنکه با معانی خاص آن، حالتی معنوی و روحانی به شئون گوناگون جامعه، از جمله سیاست و هنر ایرانی می دهد. حضور فره در معماری چهارتاق پارتی و ساسانی نیز دیده می شود؛ یعنی گنبدی بر چهارپایه که در معبدهای زردشتی روی آتشگاه ها را می پوشاند.(۲)

مانی که عده ای وی را پیامبر می دانند، هنر نقاشی را همچون وسیله ای

۱- خورنه فره خواریش، درفرهنگ اوستایی، اساس جهان شناسی و انسان شناسی زردشتی است. معنی فره به صورت های به دست آمده، خواسته، مطلوب، دارایی، نیک بختی، سعادت و لطف و تفضل به کار رفته است.

۲- تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، ص ۱۰۲.

برای عروج روح انسان می دانـد. وی معتقـد بود وظیفه هنر، توجه دادن انسان به عالم بالاتر، عشق، سـتایش، نور و ایجاد نفرت نسبت به زاده های تاریکی است.

استمرار هنر و تفکر مـانوی با وجود جاذبه های صوری، به گونه ای ویرانی زنـدگی دینی حقیقی را دربرداشـته است و پیروان این آیین، در تمـدن اسـلامی، مسـیحی و زردشتی، بـا پنهـان کاری درپی تخریب مبانی این ادیان بوده انـد. اینان که اباحیت و ثنویت خاصـی را بسط می دادنـد، با شدیـدترین واکنش ها روبه رو بوده اند. باید گفت بیشتر جماعت زندیقان در تمدن های سه گانه دینی، از همین اندیشه برخاسـته اند. برخی نویسـندگان احتمال داده اند که مخالفت های مسلمانان با نقاشی و صورت گری، به سبب تقدیس تصویر نزد این فرقه بوده است.(۱)

در دیـن یهـودی و مسـیحی، همچنـان کـه اشـاره شـد، تصـویرگری خـدا حرام اسـت. در هنرهـای قـدیمی، میکـل آنژ، تـابلوی خلقت(۲) را بر دیوار کلیسـا نقشـکرده و خداونـد راماننـد مردی عیـالوار و نیمه برهنه نشان داده است. البته به یقین نمی توانیم بگوییم که وی قصـد داشـته است خود خدا را نشان دهد. شاید مراد وی، نوعی سـمبلیسم باشد؛ یعنی خواسـته است بگوید که اگر خداوند قرار بود در هیئت انسانی درآید، این گونه ظهور می یافت. در هنرهای جدید مانند سینما نیز گاهی انسان هایی را می بینیم که درقالب خداونـد ظاهر شـده اند. در این زمینه می توان به فیلم بروس قهرمان اشاره کرد، ولی اینها را نمی توان در اصل، نشان دادن خدا در هنرها دانست.

۱- تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، ص ۱۰۶.

۲- ۴.creation.

آثـار گونـاگون ایرانی و خارجی، در زمینه آثار و صـفات الهی همچون خلقت و رحمت الهی، امـدادهای غیبی، بخشـندگی و بخشایشـگری، اراده و قـدرت و جباریت خداونـد، خشم الهی و عذاب مردم ساخته و پرداخته شده است. بدون شک، برجسـته ترین اثر سـینمایی در کشورمـان که حتی تنـگ نظرترین منتقـدان، آن را یـک فیلم دینی می داننـد، رنگ خـدا به کارگردانی مجیـد مجیـدی است. در این فیلم، به روشن بودن آثـار الهی برای فردی به ظاهر نابینا، حتی در سـنگ ها و گیاهان اشاره شـده است. همچنین در ژانر جنگی، آثاری درباره معجزه ها، کرامت ها و امـدادهای الهی ساخته شـده است. در ژانر غیرجنگی، می توان به فیلم دو چشم بی سو و توبه نصوح اثر محسن مخملباف اشاره کرد که به ترتیب «کرامت» و «رابطه با خدا» را دست مایه کـار خود قرار داده است. در تولیـدات تلویزیونی نیز بایـد به فیلم هـا و انیمیشن هـایی اشـاره کرد که درباره پیامبران و بزرگان دینی سـاخته شـده است، ماننـد: ایوب نبی علیه السـلام، مریم مقـدس علیهاالسـلام، مردان آنجلس، حضـرت نوح علیه السـلام، حضرت صالح علیه السلام و.... .

در آثـار خـارجی، داسـتان پیـامبران اولـوالعزم کـه جزو پروژه هـای هـالیوود برای دهه ۷۰ میلادی بود، در فیلم هـایی داسـتان آفرینش، حضـرت عیسـی علیه السـلام، ده فرمان و محمدرسول اللّه، به ارتباط نزدیک پیامبران با خدا و شـرح امدادها و معجزه هـای الهی پرداخته است. همچنین فیلم فرونچسـکو سـاخته خـانم لیلیـا ناکاوانی، ارتباط یکی از قـدیسان مسـیحی را با خـداوند موضوع خود قرار داده است.

فصل دوم: تصویرگری موجودات ماوراءالطبیعی در هنر و فیلم

اشاره

فصل دوم: تصویرگری موجودات ماوراءالطبیعی در هنر و فیلم

زیر فصل ها

۱. فرشته

۲. ابلیس (شیطان)

۳. جن

۴. روح

۵. عالم پس از مرگ

۶. موجودات خیالی

۱. فرشته

اشاره

۱. فرشته

زیر فصل ها

الف) فرشتگان در باورهای پیش از اسلام

ب) فرشتگان در باورهای اسلامی

ج) ارزیابی آثار موجود درباره فرشتگان (آنچه هست و آنچه باید باشد)

الف) فرشتگان در باورهای پیش از اسلام

الف) فرشتگان در باورهای پیش از اسلام

فرسته،(۱) فرشته و سروش در فارسی، پریشیته(۲) در سنسکریت، مَلَک در عربی، Angelو Angelosدر انگلیسی، موجودی آسمانی است که از سوی خدا یا خدایان برای نوع بشر فرستاده شده اند. نکته مهم این است که تمام ادیان از یک سو با انسان و از سوی دیگر با ماوراءالطبیعه رابطه دارند و فرشتگان واسطه این دو هستند. در آیین یونان باستان و ادیان یهودی و مسیحی، این واسطه ها به صورت فرستادگانی فرشته خصلت با ویژگی های شیطانی تصور شده اند که برای ساختن، اصلاح یا فرمانروایی بر انسان ها، به سوی آنان فرستاده شده اند. زمانی اعراب جاهلی، فرشتگان را می پرستیدند و آنان را دختران خدا می دانستند.(۳) به نظر آنان، یک فرشته ممکن است وظیفه ای

۱- مفهوم فرستاده و رسول از ظاهر واژه هویداست.

۲- به معنی سفیر.

۳- علی اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳ _ ۱۳۷۵، چ ۱، واژه «ملک».

به عنوان نگهبـان، جنـگ جویی آسـمانی یـا حتی قـدرتی کیهانی داشـته باشـد. افزون بر این، در این آیین ها، مرز میان فرشـته خوب و فرشـته بد یا شیطان، شفاف نیست و گاهی به عنوان واسطه میان شیطان و بشر نیز تصور شده اند. گاهی هم فرشتگان و خدایان کوچک تر، فرزندان خداوند نامیده می شدند.

یهودیـان، فرشـتگان را به صورت مردان می پندارنـد و گاهی آنان را به مردان واقعی تشبیه می کننـد. پس از دوره تبعیـد بابلی های یهودی (۵۹۷ تا۵۳۸ قبل از میلاد)، تفکر یهودی درباره فرشـتگان دگرگون شد. نزدیکی به پیکرتراشـی بین النهرین سبب شد هنرمندان و نویسـندگان، بال هایی جفت برای فرشـتگان انسان نما پدید آورند و برای آنان پوشـش خاصی در نظر گیرند. همچنین نام ها و رتبه بندی هایی برای فرشـتگان پدید آوردند. موضوع فرشـتگان دشمن خدا و مخرب نیز که از پذیرش فرمان خداونـد سرپیچیدند، به دیـدگاه یهودی وارد شد. برای مثال، فرقه قامران یهود (تارکان دنیا)، جهان را میدان جنگ میان روح حقیقت و روح شرارت متأخر از آن می دانستند. یک قدرت فرشته ای که بلیال(۱) نامیده می شد، با خداوند مقابله می کرد.

پس از گسترش یهودیت و مسیحیت، واژه فرشـته در فرهنـگ عامیانه جهان دگرگون شـد. به این معنی که طلسم های قـدیمی جذاب و خدایان ادیان چند خدایی، چرخشی به سوی فرشتگان یافتند. در آغاز و میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی، در علاقه عمومی به فرشتگان، تجدید حیاتی روی داد. شواهد آن را

۱- Belial.

نیز می توان این موارد دانست: زیاد شدن پیکرنگاری فرشتگان در کارت های تبریک و بحث های خانوادگی؛ وجود گروهی از علاقه مندان ویژه برنامه های تلویزیونی که خواستار دیدار با فرشتگان بودند؛ ظهور فرشته شناسی در رشته های دانشگاهی و موفقیت شگرف تونی کاشنر،(۱) برنده جایزه ادبیپولیتزر و نویسنده کتاب فرشتگان در امریکا.

در ادبیات یهودی ـ مسیحی، چهار فرشته والامقام عبارتند از: میکائیل، جبرئیل، راقائیل و یورئیل. بر اساس سنت مسیحی، فرشتگان مقرب به هشتمین دسته از نه دسته فرشتگان متعلقند که به ترتیب مقام عبارتند از: سرافیم (۲)، چرلوبیم(۳)، عرشی ها (۴)، مسلطین (۵)، پرهیزکاران (۶)، مهتران (۷)، شاه زادگان(۸)و مقربین (۹).

ب) فرشتگان در باورهای اسلامی

اشاره

ب) فرشتگان در باورهای اسلامی

بر اساس آموزه های معارف اسلامی، جنس فرشتگان از نور است. آنان مخلوق خدایند، ولی برخلاف اعتقاد برخی اعراب جاهلی، دختران خدا نیستند. در فلسفه و عرفان اسلامی، فرشتگان هر چند گاهی به تجسد و تمثل

۱- ۵.Tony kushner.

۲- Seraphim.

۳- Cherlubim.

۴- Thrones.

۵- Domination .

۶- Viryues.

۷- Powers.

۸- Principatities۱۲.

۹- Archangels.

نیز درمی آیند، جزو مجردات عوالم وجود به شمار می روند. تمثل، نظیر هاروت و ماروت که به انسان ها سحر آموزش می دادند و تجسد، مانند هنگام نزول بر ابراهیم علیه السلام و لوط علیه السلام .

فرشتگان در اسلام، معصوم و بدون گناه شناخته شده اند و گاهی برخی بندگان بد را لعن می کنند. آنها در زمین، آسمان، بهشت، دوزخ و حتی در جنگ ها حضور دارند. فرشتگان را می توان در دسته های حاملان عرش و تسبیح گویان و منزلین و مسوّمین و موکل باران و باد جای داد. وظایف فرشتگان در معارف اسلامی چنین است: واسطه های فیض، رسل الهی، بشارت، امداد در جنگ، آموزش مستقیم بشر (مانند هاروت و ماروت)، دلداری و بشارت به بشر (همچون دلداری به داوود علیه السلام)، تسبیح و عبادت، شفاعت، مأمور عذاب و مرگ و سرزنش کفار، بردن پرهیزکاران به بهشت، نگهبانی از وحی و انسان ها و... .(۱)

اکنون برخی وظایف و نقش های فرشتگان در نظام هستی و زندگی بشر را با تکیه بر روایت های اسلامی بررسی می کنیم:

یک _ واسطه وحی

حضرت علی علیه السلام درباره خلقت فرشتگان و وظیفه آنها می فرماید:

سپس آنچه بین آسمان های بلند بود، گشود و آنها را از انواعی از فرشتگان پر کرد و دسته ای از ایشان امینان بر وحی الهی و زبان های

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، تهران، مرکز نشر اعلام اسلامی، ۱۳۶۲، چ ۱، واژه «ملائکه».

خداوند بر پیامبرانش هستند.(۱)

دو ـ واسطه های تدبیر امور

در ادامه روایت پیشین، امام علی علیه السلام می فرماید: «... وَ مُخْتَلِفُونَ بِقَضائِهِ وَ اَمْرِهِ...؛ و رفت و آمد کنندگان برای قضای الهی و تدبیر امور هستند».(۲)

سه ـ حافظان انسان

در ادامه همان روایت، حضرت می فرماید: «... و مِنْهُم اَلحَفِظَهُ لِعِبادِهِ... .»(۳) البته برای مفهوم حفظ، دو معنا آورده شده است: حفظ و ضبط اعمال انسان ها؛ حفظ انسان ها از شیطان، آفت ها و حشره های موذی.

چهار ـ نگهبانان آسمان

همچنین وظایف دیگری به آنان نسبت داده شده است که بشارت، امداد در جنگ، آموزش بشر، تسبیح و عبادت، شفاعت، عذاب و غیره از آن جمله اند.

ج) ارزیابی آثار موجود درباره فرشتگان (آنچه هست و آنچه باید باشد)

ج) ارزیابی آثار موجود درباره فرشتگان (آنچه هست و آنچه باید باشد)

با توجه به ویژگی ها و وظایف فرشتگان می توانیم بسیاری از انحراف ها در زمینه فرشتگان را در آثار موجود پی جویی کنیم. در این زمینه، برای نمونه می توان به این موارد اشاره کرد: پرستش فرشتگان، درخواست دیدار با فرشتگان، اعتقاد به فرشتگان گناه کار، ازدواج با آنان، اعتقاد به مرد بودن تمام

۱- نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، خطبه اول.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، خطبه اول.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، خطبه اول.

فرشتگان در یهود و اعتقاد به مؤنث بودن فرشتگان در مسیحیت و تصویرکردن آنان با دو بال.

در آثار اسلامی که با هنرهای فیگوراتیو موافق نیست، کمتر تصویر فرشتگان را می بینیم و اگر هم در آثار معدودی این کار صورت گرفته است، شاهد نورانی یا مات بودن تصویر آنان بوده ایم. در هر صورت، برای به تصویر کشیدن فرشتگان از نظر فقهی، به دلیل وهن آنان، محدودیت های فراوانی هست و نمی توان به راحتی آنان را نمایش داد.

در تولیدات داخلی می توان از سریال تلویزیونی مریم مقدس به کارگردانی شهریار بحرانی نام برد که در صحنه ای مفصل برای نمایش دادن باردار شدن مریم علیهاالسلام، حضرت جبرئیل بر او وارد می شود. در این سریال، جبرئیل علیه السلام در هاله ای از نور بر مریم علیهاالسلام ظاهر شد و روح الهی را در او دمید. در انیمیشن های داستان های آسمانی یا داستان پیامبران نیز مواردی از حضور فرشتگان را می بینیم. گاهی فقط صدای آنان را در قالب نریشن(۱) می شنویم.

از آثار خارجی به فیلم سینمایی داستان آفرینش می توان اشاره کرد. که از سری فیلم های پنج گانه پیامبران اولوالعزم است. در این فیلم، فرشتگان به صورت مردانی بر حضرت لوط علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام نازل می شوند. مذکر نمایش داده شدن فرشتگان چنان که گذشت، بنا بر اعتقاد یهودی است و در معارف اسلامی این مسئله نفی شده است؛ یعنی فرشتگان به دلیل مجرد بودنشان می توانند به هر شکل و جنسی ظاهر شوند.

۱- Naration.

فیلم سینمایی شهر فرشتگان(۱) به صورت عمده تری مسئله فرشتگان را ازمنظر غربی دست مایه خود قرار داده است. این فیلم با کارگردانی براد سیلپر لینگ و بازی درخشان نیکلاس کیج، در سال ۱۹۹۸ با همکاری کشورهای امریکا و آلمان تولید شد. بی شک، ساخته شدن این اثر با کمک آلمان، به تعمیق فلسفه و عقیدتی فیلم کمک کرده است. این فیلم تمی شبیه دیگر فیلم آلمانی به نام «بال های آرزو» دارد که در دهه ۸۰ تولید شده است. نیکلاس کیج، نقش فرشته ای را بازی می کند که وظیفه اش بردن روح افراد هنگام مرگ و محافظت از انسان ها و آرامش دادن به آنهاست. در صحنه ای، وی هنگامی که می خواهد روح فردی را که در اتاق عمل تحت عمل جراحی قلب قرار دارد، منتقل کند، با دیدن تلاش بسیار یک دکتر زن برای نجات جان بیمار، به او علاقه مند می شود و رفته رفته عاشق می شود. البته این عشق جنبه شهوانی ندارد؛ زیرا فرض بر این است که فرشتگان نیروی جنسی ندارند. پس از آشنا شدن با یک فرشته فرو افتاده که سی سال است به صورت انسان زندگی می کند، ترجیح می دهد میان جاودانگی و عمل به وظایف فرشتگی و تبدیل به انسان شدن، دومی را برگزیند. در انتهای فیلم، با مردن معشوقه اش که هنوز به وصال هم نرسیده اند، دچار سرخوردگی و افسردگی می شود. او هنگام طلوع آفتاب به محل تجمع فرشتگان برای شنیدن موسیقی الهی می رود و خود را در دریا که سمبل خداوند است، غوطه ور می کند. با این حال مجبور است به خاطر انتخابی که کرده است، تا زمان مرگ، بر روی زمین و

۱- city of Angels.۲.

به صورت انسان به زندگی اش ادامه دهد.

فیلم دربردارنده همان ویژگی هایی است که در مسیحیت و دیدگاه غربی در مورد فرشته وجود دارد. نظریه هایی مانند: فرشتگان غذا نمی خورند، تنفس نمی کنند، شهوت ندارند، از حس های بشری محرومند، هنگام طلوع و غروب آفتاب در ساحل دریا جمع می شوند و به موسیقی خداوندی گوش می دهند، بدن آنان خون ندارد، از بلندی نمی ترسند و از چشم ها پنهانند مگر آنکه خودشان بخواهند وجودشان را برای کسی به نمایش بگذارند و با سرعت زیادی به هر کجا بخواهند، منتقل می شوند. همچنین بنا بر ادعای فیلم، فرشتگان، آزادی اراده ندارند که همین امر، انگیزه فرو افتادن و انسان شدن فرشته را ایجاد می کند. البته تناقض حل نشده فیلم این است که اگر فرشتگان آزادی اراده ندارند، چگونه آن فرشته با اراده آزاد خود به انسان تبدیل می شود؟

هرچند این فیلم، وجوه مشترکی با اعتقادهای اسلامی دارد، ولی موارد اختلاف نیز فاحش است که باید در تولید آثار داخلی در نظر بگیریم. اینکه عشق با جاودانگی منافات دارد و جمع نمی شود، باوری غلط است. افزون بر پاسخ های استدلالی، به عنوان پاسخی نقضی در تاریخ اسلام، بارها فرشتگان بر ائمه اطهار علیهم السلام نازل شده و ابراز عشق و ارادت کرده اند. در موردی نیز که امام حسین علیه السلام به آنان اجازه جهاد نداد، عده زیادی از فرشتگان در اطراف قبر آن حضرت تا قیامت پروانه وار می گردند. همچنین در باور اسلامی، فرشتگان، مجرّدند. بنابراین، زمینی شدن آنان و ازدواجشان با انسان ها منتفی است.

به نظر نگارنده، غربی ها حتی در امور مقدس و ماورایی نیز همان دید اومانیسمی و سکولاریستی خود را حفظ کرده اند. مثلاً در این فیلم، فرشتگان، موجوداتی عادی مانند انسان ها هستند که هیچ گونه تقدسی ندارند و هرگاه بخواهند، بدون توجه به نظام ربوبی و اجازه پروردگارشان، می توانند انسان شوند. این در حالی است که در باورهای اسلامی، فرشتگان اختیاری ندارند و فقط به مأموریت هایی که خداوند به آنها محول کرده است، عمل می کنند. دوم اینکه بر اساس نصّ قرآن کریم، هر کدام، مقام ثابت و معلومی دارند که نمی توانند تنزل و ترقی داشته باشند.(۱)

از دیگر تولیدهای خارجی در این زمینه، فیلم سینمایی خیلی دور چنین نزدیک(۲) تولید سال ۱۹۹۳ آلمان است. این فیلم درباره فرشته ای است کهتصمیم گرفته جاودانی شود. این فیلم، برنده جایزه بزرگ داوران در جشنواره کن شد.

فیلم کمدی، بهشت می تواند چشم به راه باشد(۳) تولید سال ۱۹۷۸ امریکادرباره یک بازیکن حرفه ای فوتبال است که با مرگ روبه رو می شود. جوپندلتون (با ایفای نقش وارن بیتی) نابه هنگام می میرد و فرشتگان، روح او را به بدن یک میلیاردر، برای ادامه زندگی منتقل می کنند. پندلتون، کارهای بد میلیاردر را جبران و تیم فوتبال قدیمی خود را خریداری می کند تا از این راه

۱- «وَ ما مِنّا إِلّا لَهُ مَقامٌ مَعْلُومٌ؛ و هیچ یک از ما فرشتگان نیست مگر برای او مقام و شأنی معین می باشد». صافات: ۱۶۴

۲- far away so close.۴.

۳- Heaven Can wait.

بتواند پست بازیگری خود را در آن به دست آورد.

فیلم آقای جردن به اینجا می آید(۱) تولید سال ۱۹۴۱ امریکاست که هریسگال در آن ایفای نقش می کند. در این فیلم، یک مشت زن در سقوط هواپیما می میرد. فرشتگان روح او را به بدن میلیاردری که در آستانه کشته شدن است، منتقل می کنند. کلود راینز نقش آقای جردن را بازی می کند که فرشته محافظ است.

فیلم سینمایی زندگی عجیب(۲) در سال ۱۹۴۶ تولید شده که کارگردان آن،فرانک کاپرا و جیمز استوارت، بازیگر این فیلم است. این فیلم درباره مردی است که عقیده دارد در زندگی کاملاً شکست خورده است؛ چون شهر کوچک محل زندگی اش را هیچ گاه ترک نکرده است. در عید کریسمس، یک فرشته به جرج کمک می کند تا بداند اگر او هرگز متولد نشده بود، زندگی در شهر چگونه پیش می رفت.

فیلم سینمایی همسر اسقف(۳) تولید ۱۹۴۷ و با بازی گری گرانت در نقشدادلی فرشته است. فیلم درباره فرشته ای است که در زمان عید کریسمس به زمین می آید تا با یاری رساندن به یک کشیش کاتولیک، کمک هایی را برای یک کلیسای جدید جمع آوری کند.

فیلم سینمایی بال های آرزو(۴) فیلمی درباره دو فرشته است که در اطرافبرلین

۱- ۶.Here Comes Mr. Jordan.

۲- ۷.Its a Wonderful Life.

۳- ۸.The Bishops Wife.

۴- ۹.Wings of Desire.

آلمـان، سـر گردان هسـتند. فیلم، کـار مشترک فرانسه و آلمـان در سال ۱۹۸۸ اسـت. دو فرشـته در اطراف برلین، سـر گرداننـد و روابـط افراد را می نگرنـد. آن دو از روی تیزهوشـی متـوجه محروم بودنشـان از درک حقیقت وجود انسـان می شونـد. پس از آنکه آنها با یک هنرمند مالیخولیایی آشـنا می شوند، دامیل (یکی از فرشـتگان) ترجیح می دهد جاودانگی خود را واگذارد و عشـق خـود را تعقیـب کنـد. او همچنیـن پس از دیـدن یـک فرشـته رانـده شـده دیگر کـه جـاودانگی اش سـال هـا پیش بـه او بازگردانده شده است، بیشتر علاقه مند می شود تا به یک بشر تبدیل شود. دامیل به داخل شهر برلین (که هنوز با دیواری به دو قسـمت شده) می افتد. این فیلم، گونه های بسـیاری از طبقه بندی های اجتماعی را بررسـی می کند. همچنان که پیش تر گفته شـد، آنچه می توان در این زمینه گفت این است که فیلم ها و نقش هایی که برای فرشـتگان ترسـیم شـده است، با آموزه های دینی اسلام درباره این موجودات نورانی تفاوت فاحش دارد.

با این حال، نکات جالبی در پرداختن به بحث فرشـتگان در آثار غربی وجود دارد که ساخت برنامه های کمدی و برنامه هایی ویژه کودکان از این دست به شمار می رود. این گونه امور، نه تنها سبب وهن و سبکی مقام فرشتگان نمی شود، بلکه به تجربه ثابت شده که سبب گسترش فرهنگ امور ماورایی در میان مردم است. در ساخت برنامه برای کودکان، نباید برای

ساده پردازی به همه ساحت ها وارد شویم؛ زیرا برخی مسائل دشوار و سنگین را نمی توان برای ذهن ساده کودکان توجیه کرد. کودکان هم انتظار ندارند از مسائل پیچیده و سطح بالا برایشان برنامه سازی کنیم.

در فیلمی مانند شهر فرشتگان، هزینه، تدارکات، لجستیک و جلوه های ویژه بسیار کمی به کار برده شده و جذابیت آن، در داستان پردازی رمانتیک و قوی آن است. بسیاری از تولیدکنندگان داخلی، به دلیل هزینه و لجستیک فراوان و نداشتن تکنولوژی قوی برای جلوه های ویژه، به سراغ سوژه های ماورای طبیعی نمی روند. این فیلم ثابت می کند که با صرف هزینه کم نیز می توان اثری خوب و اثرگذارتولید کرد.

۲. ابلیس (شیطان)

اشاره

۲. ابلیس (شیطان)

زیر فصل ها

الف) ابلیس (شیطان) در باورهای پیش از اسلام

ب) ابلیس در باورهای اسلامی

ج) ارزیابی تصویر ابلیس در فیلم (آنچه هست و آنچه باید باشد)

الف) ابلیس (شیطان) در باورهای پیش از اسلام

الف) ابلیس (شیطان) در باورهای پیش از اسلام

در همه فرهنگ ها و ادیان و حتی جوامع اولیه، به گونه ای نیروهای شر در مقابل نیروهای خیر وجود داشته اند. بنا بر دیدگاه اسلامی، ابلیس از شیطان جداست و قصد ما در این قسمت نیز سخن گفتن از شیطان و نیروهای شر نیست. تقریبا در همه ادیان و فرهنگ ها، ابلیس که از جن و در صف فرشتگان است، با مفهوم شیطان خلط شده است و تنها اسلام میان این دو به روشنی و دقت تفکیک کرده است. از منظر اسلامی، شیطان، تمام نیروهای شر و بد، حتی انسان های پلید و میکروب ها را دربرمی گیرد. واژه ابلیس در تفسیر راهنما، معادل عجمی شیطان معنا شده است که این تنها یکی از مصداق های این واژه به شمار می رود.(۱)

۱- تفسیر راهنما، واژه «ابلیس».

کلمه Demon در لفظ یونان قدیم (Daimon = موجوداتی که هم قادر به بهبود زندگی بشر و هم مجری مجازات خدایان بودند) ریشه دارد. در هندوییسم نیز نیروهای شیطانی در کتاب «ودا» که بین سال های ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م نوشته شده است، با نام های آشوراس و پانیز توصیف شده اند.(۱)

در ایران باستان و کیش زرتشتی، نیروهای تعیین کننده و اصل جهان، دو عنوان اهورایی و اهریمنی گرفته اند. زرتشتیان به سه فرقه اصلی تقسیم شده اند: یکتاپرستان، ثنوی ها و آتش پرستان. یکتاپرستان، ایزد یگانه را اهورامزدا می دانستند، ولی ثنوی ها اهریمن را مبدأ و خالق و معارضی برای اهورامزدا و در عرض او می پنداشتند. بنابراین، جهان همواره محل نزاع و برخورد نور و ظلمت و یا نیروهای خیر و شر بود.

ب) ابلیس در باورهای اسلامی

ب) ابلیس در باورهای اسلامی

در معارف اسلامی، ابلیس از آتش و قلمرو فعالیتش بسیار گسترده است. حدیث نبوی، شیطان را مانند خون در بدن انسان ها جاری دانسته است. شیطان فقط نمی تواند به برخی آسمان های بالا برای دریافت وحی الهی راه یابد. او تولیدمثل می کند، لشکر و پیرو دارد و بدون خیر و برکت است. در قرآن کریم، طبیعت او برای هرگونه شر و بدی مناسب دانسته شده است. صفاتی که قرآن، ابلیس را با آنها توصیف می کند، شاید برترین معرّف وی باشد: بی حیا، متکبر، حسود، گمراه کننده، اختلاف انداز و جنگ افروز،

۱- دایره المعارف اینکارتا، تولید شرکت میکروسافت، واژه «شیطان».

بدعت گذار، ترساننده دوستانش، عاجز، ذلیل، عامل جنون، مروّج دنیاپرستی، مفسد، توطئه گر، جاهل، ساحر و فاسق. همچنین، وسوسه گری و تلقین و تبلیغ شر و تزیین مکر خود برای انسان ها راه های نفوذ ابلیس دانسته شده است.(۱)

ترویج شراب خواری، قمار بازی و نصاب (بت پرستی) و ازلام (گروبندی با تیرها) و شهوت رانی از مهم ترین ابزار ابلیس برای فریب دادن و دور کردن افراد از یاد خدا و خراب کاری در برنامه های پیامبران معرفی شده است. جالب آنکه با همه این نیکی ها، گروهی از مشرکان، شیطان را پرستش می کردند و امروزه نیز فرقه های شیطان پرست، در جهان وجود دارند.

ج) ارزیابی تصویر ابلیس در فیلم (آنچه هست و آنچه باید باشد)

ج) ارزیابی تصویر ابلیس در فیلم (آنچه هست و آنچه باید باشد)

ابلیس در آثار سینمایی، با قید و بند کمتری نسبت به پیامبران و فرشتگان به تصویر کشیده شده است. شاید دلیل این امر آن است که وی شأنی در فرهنگ ها و ادیان ندارد تا مقدس شمرده شود. تقریبا در همه آثار، ابلیس به صورت مذکر نشان داده شده است. در آثار وطنی، به فیلم استعاذه ساخته محسن مخملباف و انیمیشن های پیامبران و در آثار خارجی به فیلم های ژاندارک، ارباب حلقه ها، مژده شیطانی و طالع نحس می توان اشاره کرد.

۳. جن

اشاره

۳. جن

زیر فصل ها

الف) جن در باورهای پیش از اسلام

ب) جن در آموزه های اسلامی

ج) ارزیابی تصویر جن در فیلم

الف) جن در باورهای پیش از اسلام

الف) جن در باورهای پیش از اسلام

۱- تفسیر راهنما، واژه «ابلیس».

تعریف جن به نقل از فرهنگ فلسـفه آندره لالاند، فعال شر است که در کتاب های مذهبی عیسوی و یهود مانند انسان واره در نظر گرفته شده است.(۱) جن در باورهـای عامیـانه غربی هـا دو جنس ماده و نر دارد. برای مثال، Incubus و Succubus که در فارسی به بختک و کابوس ترجمه شده اند، به ترتیب، دو جنس نر و ماده از جنی است که اولی طالب نزدیکی جنسی با زنـان خفته و دومی بـا مردان خفته تصور شـده است. آنهـا فرشـتگانی رانـده شـده بودنـد که اگر مقـاربتی بـا آنان صورت می گرفت، ارواح خبیثه، ساحره ها و بچه های ناقص الخلقه متولـد می شدند. همچنین برخی جن ها در هوا(۲) و برخیزیر زمین(۳) زندگی می کنند. در مصـر باستان، Hathors به جن ماده گفته می شـدکه هنگام تولـد نوزادان، آینده آنها را پیش بینی می کرد.

جن در فرهنـگ اعراب جـاهلی، بـا انسان ها بسـیار مأنوس بود و در افسانه ها و خرافه های آنها جایگاه والایی داشت، به گونه ای که بسـیاری از افرادی که در بـادیه هـا می مردنـد و علت مرگشان معلوم نمی شـد، عنوان قتیل الجن می یافتنـد. عمروعاص پس از به شـهادت رسانـدن مالـک اشتر نخعی، بـا عسـل زهرآلود، برای پوشـش کـار خود، مکـارانه از این اعتقاد جاهلی سود جست و شایع کرد وی نیز یکی از «قتیل الجن»هاست.

۱- فرهنگ علمی و انتقادی فلسفه، ۱۳۷۷، چ ۱، واژه «Jinn».

۲- sglphs.۲.

۳- gonome.۳.

در فرهنگ عامیانه غرب، گابلین به جن سرگردانی گفته می شود که معمولاً شرور و خبیث است. گابلین ها در غارها زندگی می کنند، ولی به خانه های مردم هم می آیند و دیگ ها و قابلمه ها را به صدا درمی آورند، لباس خفتگان را چنگ می زنند، شب ها اثاثیه را جابه جا می کنند و پس از کوبیدن به در و دیوار می گریزند. تصور آن است که آنها والدین را برای انضباط فرزندانشان یاری می کنند؛ یعنی اگر کودک خوب باشد، برایش هدیه می آورند و اگر لج بازی کند، تنبیهش می کنند.(۱)

ب) جن در آموزه های اسلامی

اشاره

ب) جن در آموزه های اسلامی

جن چیست؛ آیا ساکنان آسمان ها هستند که گه گاهی بر بشر زمینی ظاهر می شوند یا هم نشینان ما به شمار می روند که از چشم ما پنهانند و اینکه آیا آنها همیشه پنهانند یا گاهی بر افراد ویژه ای ظاهر می شوند. اینها پرسش هایی است که در حوصله این پژوهش نمی گنجد و جزو اهداف ما هم نیست. آنچه در معارف اسلامی درباره جن می دانیم، آن است که از آتش است که همین امر، مایه تفاخر و قیاس ابلیس و سبب ملعون و مطرود شدن اودر میان فرشتگان شد. تاریخ زندگی جن به زمانی بسیار پیش تر از بشر باز می گردد؛ یعنی ابلیس، دست کم شش هزار سال پیش از آفرینش آدم به عبادت الهی مشغول بود. جن تولید مثل می کند، مذکر و مؤنث دارد و دارای مرگ و حشر است. همچنین برخی مؤمن و برخی کافرند، بعضی نادان و بعضی عالمند. آنها مختار، مکلف و ذی شعورند و می توانند به کمال برسند. پیامبرانی بر آنان

۱- دایره المعارف بریتانیکا، واژه «Gabin».

نازل شده اند و مشهور است که نبوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و برخی پیامبران شامل جنیان نیز می شود. آنها اجتماع، امت، مبلّغ و مُنذِر دارند و تقریبا در همه جا هستند. برخی در آسمان ها و زمین و بعضی غوص کننده در دریاهایند. به جز غواصی و صعود به آسمان ها، آنان صنعت معماری دارند و عده ای در خدمت سلیمان نبی علیه السلام کار می کردند. گروهی از آنان نیز مسخ شده اند. قرآن کریم، هدف از خلقت آنان و وظیفه شان را عبادت دانسته است.

درباره جن، در آیه ها و روایت های اسلامی، نکته هایی وجود دارد که برخی را بیان می کنیم:

یک ــ آتش بودن جنس جن

یک ــ آتش بودن جنس جن

بنا به فرمایش قرآن کریم، خلقت جن از آتش بی دود است، آنجا که می فرماید: «وَ الْجَانَّ خَلَقْناهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نارِ السَّمُومِ؛ و پیش از آن، جن را از آتشی سوزان و بی دود خلق کردیم». (حجر: ۲۷)

دو ــ برخورداری از اختیار، تکلیف و تکامل

دو ــ برخورداری از اختیار، تکلیف و تکامل

در قرآن کریم آمده است: «... وَ لکِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنّی لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النّاسِ أَجْمَعینَ». (سجده: ۱۳)

از عذاب اخروی برای جنیان، می توان اختیار و تکلیف آنها را دریافت؛ زیرا عذاب بدون تکلیف و اختیار، نادرست و از ساحت خداوند به دور است. هر جا اختیار و تکلیف وجود داشته باشد، تکامل نیز امکان پذیر است.

این مطلب صحیح است که ابلیس از نسل جن است، ولی اینکه عده ای این دو موجود را یکی می دانند و حتی در نام گذاری فیلم ها شاهد جای گزینی

این دو موجود با هم هستیم، درست نیست. گرچه بسیاری از سپاهیان ابلیس از جن هستند (همچنان که شیاطین انسی نیز داریم)، ولی در میان جنیان، افراد مؤمن و حتی شیعه وجود دارد. در یک جریان تاریخی، ابوحمزه ثمالی که قصد زیارت امام باقر علیه السلام را داشت، به سبب جلسه امام با عده ای از افراد، دقایقی منتظر ماند. پس از تشرف نزد امام، ایشان فرمود: «ای ابوحمزه! اینها شیعیان با کرامت ما از جن هستند. آمده اند تا درباره آموزه های دینی شان از ما بپرسند».(۱)

ج) ارزیابی تصویر جن در فیلم

ج) ارزیابی تصویر جن در فیلم

در تولیدات داخلی، آثار معدودی وجود دارند که به گونه ای به جن اشاره می کنند، مانند فیلم فارسی جن زده پیش از انقلاب و روز پری و ای ایران که در صحنه ای در حمام، جنی بر اکبر عبدی ظاهر و سبب جن زدگی او می شود. در انیمیشن های پیامبران که مؤسسه صبا تولید کرده است، در قصه سلیمان نبی، به عفریتی از جن اشاره می شود که پذیرفته است تا تخت ملکه بلقیس را پیش از بلند شدن حضرت سلیمان علیه السلام از جای خود، نزد ایشان بیاورد.

در تریلوژی ارباب حلقه ها به کارگردانی پیتر جکسون که بر اساس کتابی از جی. آر. تالکین در سال ۲۰۰۱ در امریکا تولید شده است، بورومیر (با بازی شان بین) جنی از اهالی گوندور است و می خواهد شکوه از دست رفته قلمرو خویش را بازگرداند. وی به همراه آراگورن انسان و الروند پری و گیمبلی کوتوله و گاندالف جادوگر، یاران فرودوی کوتوله می شوند که می کوشند حلقه

۱- شیخ عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، انتشارات علمی، ۱۴۰۳ هـ . ق، چ ۲، ج ۵، ص ۴۳۳.

قدرت را به مکان اولیه اش برسانند و در آتش دهان اژدها ذوب کنند تا به دست سارومان جادوگر نیفتد. شرح و نقد مفصل این فیلم، در بخش جادو و طلسم ها آورده خواهد شد.

۴. روح

اشاره

۴. روح

زیر فصل ها

الف) روح در باورهای پیش از اسلام

ب) روح گرایی در آموزه های اسلامی

ج) ارزیابی تصویر روح در فیلم ها

الف) روح در باورهای پیش از اسلام

اشاره

الف) روح در باورهای پیش از اسلام

در بسیاری از ادیان، به ویژه آیین های اولیه، این عقیده وجود داشته است که هنگام خلسه، ارواح همانند آنکه انسان خواب آنان را می بیند، در اطراف بدن ها می چرخند.

بر اساس آموزه های بعضی ادیان، ارواح پس از مرگ، نزدیک بدن فرد مرده درنگ می کنند. همچنین رسمی مشترک در جوامع وجود دارد که به وسیله نذر غذا، لباس و چیزهای دیگر، ارواح مردگان با دریافت پاداش آن هدایا آرامش می یابند. در بسیاری از تمدن های اولیه، دارایی های شخصی فرد درگذشته، شامل اسلحه ها، حیوانات دست آموز و گاهی همسرش همراه با جسد وی به خاک سپرده یا سوزانده می شدند. همچنین آیین پرستش نیاکان، همانند مراسم سوگواری بسیاری از تمدن های جدید ممکن است از اعتقاد به ارواح ریشه گرفته باشد.(۱)

روح گرایی در باورهای پیش از اسلام۱

روح گرایی در باورهای پیش از اسلام(۲)

روح گرایی عبارت است از اینکه مردگان، خود را نزد مردم آشکار کنند.

۱- دائره المعارف اینکارتا، تولید شرکت میکروسافت با تصرف و تخلص.

۲- spiritualism.

این کـار، بیشتر به وسـیله یـک نهان بین (clair voyant) یا واسـطه (medium) صورت می پـذیرد. همچنین به عقیـده و کارهای آن دسـته از مردمی که چنین باوری دارند، روح گرایی گفته می شود. روح گرایی، ریشه ای بسیار کهن دارد و حتی آثار آن را تا دوران ماقبل تاریخ کاویده اند. با این حال، روح گرایی جدید، نتیجه پژوهش ها و پیش آمدهای قرن ۱۹ میلادی است.

ارواح خـاص در دین یهودی، به دلیـل بهره منـدی مسـتقیم از نور متـاترون، می تواننـد به صورت جرقه های نورانی برای انجام مـأموریت خود در میان مخلوقات آشـکار شونـد. این رنگ خاص برگرفته از سـفیره ای(۱) است که مظهر آن هسـتند. تفـاوت ارواح با فرشـتگان در این است که فرشـتگان می توانند لباس هر نشئه ای را که در آن ظاهر می شوند، بپوشند و حتی به شکل انسان درآیند.

متاترون، خـدای در عمل اسـت(۲)؛ یعنی یهوه صـغیر یـا تجلی یهوه بزرگ. نامـدیگر متـاترون، سارهاپـانیم(۳) یـا اولین تظاهر شخیناست. در واقع، فرشـته،رسول خدا و واسـطه خدا و خلق است. او نمونه نخستین موجودات آسمانی است (ملک اعظم). در میان آفریده های جهان، بشر می تواند تا سطح متاترون ارتقا پیدا کند و با او در ارتباط روحانی باشد.(۴)

باورهای عامه (فولکور) شامل عقایدی درباره همه حوزه های مرتبط با

۱- سـفیره مفرد سفیروت است. سفیروت، ده جلوه نور یا صفات و اسماء افعال بی شمار خدای نامتعین هستند که با انقباض آن صادر شده اند.

۲- God in action.۳

۳- sarhapanim.۴

۴- مرضیه شنکایی، بررسی تطبیقی اسماء الهی، تهران، سروش، ۱۳۸۱، صص ۱۹۲ و ۲۱۸.

بشر است؛ از عوامل شفای بیماران گرفته تا گمانه زنی برای پس از مرگ. بنابراین، این دسته شامل باورهای عامیانه(۱)، سحر، فال گیری، جادوگری، احضار ارواح وآفریده های اساطیر خیالی هستند. البته عقاید عامه به تعداد فرهنگ ها و اقوام گسترده اند و عموما هم بی اساس و خرافی هستند. بنابراین، نمی توانیم ارزش علمی یا دینی برای آنها در نظر بگیریم. یکی از عقاید عامه، جشن هالووین(۲) است که دربارهنیروهای ماورای طبیعی ارواح مردگان شکل می گیرد. ماسک های تزیینی در هالووین با موجودات ماورای طبیعی، نظیر جادوگران، اشخاص مسخ شده به گرگ، خون آشامان و اشباح وابستگی دارند.

یکی دیگر از عقاید عامه، روز مردگان است؛ جشنی سالیانه که برای احترام به ارواح گذشتگان در مکزیک و دیگر کشورهای امریکای لاتین در اول یا دوم نوامبر اجرا می شود. در اسپانیا، روز تعطیلی کلیسای کاتولیک رم، برای پاسداشت مردگان، «روز تمام ارواح» نام گذاری شده است تا شاید به آرامش برسند. بر اساس باور عامیانه، در این روز مردگان برمی گردند تا با بازماندگان درد دل کنند. خانواده ها برای این مردگان نذرهایی انجام می دهند، لباس های مخصوص این روز را می پوشند و قبرهای اعضای درگذشته خانواده را تزیین می کنند.

۱- ۶.superstitions.

۲- Halloween.

ب) روح گرایی در آموزه های اسلامی

اشاره

ب) روح گرایی در آموزه های اسلامی

قرآن کریم، در پاسخ به پرسش های فردی یهودی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره روح پرسید، روح را از عالم امر دانست.(۱) اصولاً ـ همان گونه که از ادامه آیه برمی آید، مفهوم روح به علت ناتوان بودن علم بشر، در حیطه آن نمی گنجد. روح از مجردات و متعلق به عوالم بالاست، هر چند گاهی به صورت بشر یا اشکال دیگر تمثل می یابد. روح در همه مکان ها مانند دنیا، قیامت، بهشت و دوزخ و همه زمان ها وجود دارد. از عوارض روح، بیماری و ضعف و قدرت است و دارای عروج و نزول است. روح الهی در بدن حضرت آدم علیه السلام دمیده و زندگانی بشر با آن آغاز شد. بار دیگر بر اثر نفخ روح الهی در مریم علیهاالسلام، حضرت عیسی علیه السلام تولد یافت. سرانجام نیز روزی خداوند همه ارواح را به وسیله حضرت عزرائیل که فرشته موکل بر قبض ارواح است، بازپس می گیرد.

درباره روح، معارفی از آیه ها و روایت های اسلامی برداشت می شود که به برخی اشاره می کنیم:

یک ـ ناتوانی انسان از درک حقیقت

یک ـ ناتوانی انسان از درک حقیقت

قرآن کریم در این باره می فرماید:

وَ یَسْئَلُونَکَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبّی وَ ما أُوتیتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلّا قَلیلًا. (اسراء: ۸۵)

و از تو در مورد روح می پرسند. بگو روح از امر پروردگار من است و از علم به جز اندکی، چیزی به شما انسان ها نداده ایم.

۱- «وَ یَسْئَلُونَکَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبّی وَ ما أُوتیتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلّا قَلیلًا؛ از تو درباره روح می پرسند، بگو روح از امر خدای من است و از علم جز اندکی به شما ندادیم».اسراء: ۸۵

از این آیه برداشت می شود که انسان ها با علم انـدکشان نمی تواننـد به باطن و حقیقت روح دست یابنـد و شایـد هم فایده ای در این دست یابی وجود نداشـته باشد. بشـر همواره راه افراط و تفریط را در مقابل این پدیده پیموده است. در دوره ای، ارواح را می پرستیدند و زمانی، تا چند دهه پیش، وجود روح در امریکا انکار می شد. قرآن کریم، راه میانه و صراط مستقیم را پیش پای ما می گذارد و می فرماید: روح را باور داشته باشید، ولی در ذات و ویژگی های آن دقیق نشوید.

دو ـ خواب و بیداری، سلامت و کسالت

دو ـ خواب و بیداری، سلامت و کسالت

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

همانا برای جسم، شـش حالت است: سـلامت، بیماری، مرگ، زنـدگانی، خواب، بیـداری و همچنان است روح. پس زندگانی روح بـه علمش اسـت و مرگش بـه جهـل و بیمـاری اش بـه شـک و سـلامتش بـه بـاور و خـوابش بـه غفلـت و بیـداری اش به یادآوری.(۱)

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه وفا، ۱۴۰۴ هـ . ق، ج ۶۱، ص ۴۰.

ج) ارزیابی تصویر روح در فیلم ها

اشاره

ج) ارزیابی تصویر روح در فیلم ها

در آثار سینمایی داخلی، گاه به وجود و حضور روح در فیلم ها اشاره شده است که می توان به حضور روحی در قبرستان در فیلم توبه نصوح اثر محسن مخملباف، حضور روح همراهان شهید یک بسیجی در بهشت در فیلم گذرگاه و همچنین در فیلم روز فرشته اشاره کرد. تنها فیلمی که به صورت مفصل پدیده روح را دست مایه کار خود قرار داده، فیلم گاهی به آسمان نگاه کن به کارگردانی کمال تبریزی تولید سال ۱۳۸۲ است. هاتف، روحی است که از زندگی و زمان مرگ آدم ها خبر دارد. او در مقطعی، از آسمان به زمین می آید تا این بار با رفتن به آسایشگاهی که جانبازان جنگ در آن سکونت دارند، به زندگی و سرنوشت آنها بپردازد. بهمن یکی از ساکنان آسایشگاه که جانباز و مبتلا به سرطان خون است، نوشتن آخرین کتابش را به پایان رسانده، ولی برای چاپ آن با مشکل روبه روست. او از دکتر آزمایشگاه که متخصص پوست و زیبایی است، کمک می خواهد تا مجوز چاپ بگیرد. از سویی دکتر نیز در کار ساخت و ساز و زد و بندهای پنهانی با تاجری به نام فاضلی است و قصد دارد با کمک او یک مجتمع بزرگ زیبایی پوست تأسیس کند. هاتف در کنار فاضلی و دکتر ظاهر می شود و به فاضلی می گوید تا ده دقیقه دیگر خواهد مرد. فاضلی پس از مرگش، در پی اصغر که روحی سرگردان است، برای رسیدن به امور اخروی خود به راه می افتد و قرار می شود بدهی هایی را که دارد، بپردازد. روح پرستاری به نام هانیه نیز که در زمان جنگ با بهمن آشنا شده و قصد ازدواج با یکدیگر را داشتند، همواره با بهمن است و از او می خواهد از شعار دادن در کتاب هایش دست بردارد و به او بپیوندد.

در مراسم ختم فاضلی، هاتف، هنگام سخنرانی رنجبر بر او ظاهر می شود و او را وادار می کند برخلاف میلش، از زندگی واقعی و زد و بندهای فاضلی سخن بگوید. پس از مراسم، رنجبر را به بهانه بیماری روانی به آسایشگاه می برند. رنجبر، دکتر را تهدید می کند که کارهای خلافش را رو خواهد کرد. دکتر، هاتف را می بیند و دچار جنون می شود. از طرفی بهمن که کاملاً ناامید شده است، کتاب هایش را آتش می زند و برای رسیدن به هانیه به استقبال مرگ می رود. در پایان، هاتف که مأموریتش به پایان رسیده است، دوباره به آسمان برمی گردد. در آنجا مراسم ازدواج هانیه و بهمن برپاست و مهمانان جشن نیز برخی قهرمان ها و شخصیت های معروف فیلم های جنگی سال های قبل هستند.

فیلم، ظاهر پیچیده ای دارد، ولی ساختار ساده اش یکی از بهترین آثار سینمای ماورایی است؛ تصویر جهانی به شدت مادی که در آن برادر به برادر رحم نمی کند، ولی با این حال، همه چیز در پوششی از معنویت اتفاق می افتد. به این صحنه های متناقض، بیشتر باید با حال و هوای طنز و فکاهی پرداخت که با وجود موضوع های فیلم که مقولات سنگین ماورایی است، به خوبی نشان داده شده است. این فیلم، با وجود نگرش انتقادی و غیررسمی اش به پدیده هایی مانند جنگ، همچنان مدافع ارزش های معنوی این واقعه نیز هست. به عبارت دیگر، فیلم، عادت شکن است، نه قداست شکن. از نقاط ضعف فیلم، به گسستگی روابط شخصیت ها و تعدد بی مورد آنها وهمچنین یک دست نبودن بازی ها و پراکندگی موقعیت ها

(عشق بهمن به هانیه، وضعیت جانبازان، برج سازی، تشییع جنازه شهدا، سانسور در حوزه ادبیات) و شخصیت پردازی های ضعیف می توان اشاره داشت. از نقاط قوت فیلم نیز به کارگیری زبان جدید برای پیوند میان ماده و معنا یا طبیعت و ماورای طبیعت، به منظور عینیت بخشی به عالم غیب برای تماشاگر است. پیش از این گفتیم که ساده انگاری در ترجمان بصری مفاهیم ماورایی و مجرد، به ضایع شدن این گونه امور و تهی شدن حقایق مجرد از تجرد و استحاله امور معنوی و کیفی به امور کمّی و حسی می انجامد، ولی این فیلم، با بهره گیری ازسه روش زیر، تا حد زیادی در این راه توفیق یافته است:

یک _ نمادگرایی و استعاره گرایی

یک _ نمادگرایی و استعاره گرایی

فیلم، سرشار از نمادهایی است که به پدیده های معنوی مرتبط با عالم پس از مرگ اشاره دارد. دستمال هایی با رنگ های گوناگون، نشانه کارنامه بدکاران و درست کاران؛ پرده شبیه خوانی حاکی از صحرای محشر، منقل آتش و لباس های دود گرفته یا نالیدن از گرمای هوا، عبور از یک تونل بزرگ، دگمه لباس به عنوان نماد تعلق و وابستگی و صدای خروس به مثابه بانگ هشدارباش در ابتدا و انتهای فیلم، همگی نمادهایی در زندگی اطراف ما هستند که در استعاره برای امور ماورایی و زندگی پس از مرگ، هوشیارانه به کار گرفته شده اند. شرط موفقیت در این نمادگرایی آن است که از افراط در استفاده از نمادهای انتزاعی و دور از ذهن و استفاده از نمادهای مبتذل و حتی سرشار از فن آوری های بصری دوری جست. کارگردان در به کارگیری این نمادها که نه انتزاعی و افسانه ای و غیرباورند و نه آن قدر پیش پا افتاده که

ارتباط را برقرار نکنند، توفیق یافته و توانسته است مفاهیم ماورایی را به راحتی به تماشاگر القا کند.

دو _ درهم شکستن موقعیت های متعارف فیزیکی و زمانی _ مکانی

دو _ درهم شکستن موقعیت های متعارف فیزیکی و زمانی _ مکانی

امور مجرد و ماورای طبیعی، فراتر از زمان و مکان هستند. کارگردان در این اثر، حضور ارواح و دیگر موجودات مجرد را به گونه ای مجسم کرده است که قابلیت گذر از محدوده های زمانی و مکانی را دارند. برای مثال، حضور هم زمان هاتف در مقابل و پشت سر آدم ها، راه کاری است که بدون استفاده از تروکاژهای سینمایی و بیان تکلف آمیز و تصنعی و هزینه های گزاف تدارکاتی، به سهولت، یک مفهوم ماورایی را برای مخاطب باورپذیر می سازد.

سه _ دخالت نامحسوس عالم غیب در امور مادی

سه _ دخالت نامحسوس عالم غیب در امور مادی

حقیقت آن است که عالم ماورای طبیعی بر عالم طبیعت تسلط دارد و بسیاری از امور دنیوی تحت تأثیر پرنفوذ عالم غیب است، ولی این اثرگذاری از دیدگان دنیابین و طبیعت گرای ما، پنهان است. در این فیلم، تکنیک هایی که نمونه های آن در پی می آید، این تأثیر را به زیبایی نشان داده است: ثابت نگه داشتن صفحه قرآنی که یک جانباز بدون دست در حال قرائت آن است، قرار دادن کاسه زیر سقفی که آب آلوده از آن می چکد به وسیله روح هانیه، القای برخی مسائل از سوی هاتف به رنجبر یا بهمن و غیره.

از آثار خارجی که به پدیده روح پرداخته اند، به فیلم های برجسته ای که در پی می آید، می توان اشاره داشت. فیلم سینمایی سرود کریسمس[1] بر

۱- Christmas A Carol.

اساسرمانی که چارلز دیکنز در سال ۱۸۴۳ نوشته، تولید شده است. این فیلم که در سال ۱۹۵۱ به وسیله انگلستان ساخته شده، درباره پیرمرد خسیسی است که در شب عید کریسمس به راه و روش اشتباه خود پی می برد. اسکروچ(۱)بازرگانی بداخلاق است که همه علاقه اش را درباره عشق به کریسمس از دست داده است. او با کارکنان خود خسیسانه رفتار می کند. اسکروچ، در شب عید کریسمس از سوی سه روح به ملاقات دعوت می شود. یکی از آنان مأموریت دارد از رویدادهای گذشته سخن بگوید؛ یکی از زمان حال و سومی از زمان آینده. به دلیل تیره بودن این مشاهدات، به ویژه درباره آینده، اسکروچ تصمیم می گیرد روش زندگی اش را تغییر دهد. در زمان ساخت فیلم؛ یعنی دهه ۱۹۵۰ میلادی، رویکرد به مسائل ماورایی نظیر روح و مکاشفات مرسوم نبود، ولی ساخت این فیلم سبب احیای اخلاق و معنویت در تماشاگران شد. از ضعف های بزرگ فیلم، این نکته است که چنین مکاشفه ها و مشاهداتی، اگرچه به صورت رؤیای صادقه نیز باشد، هیچ گاه نصیب فرد گنه کار و پستی نظیر اسکروچ نمی شود که البته این ایراد متوجه نویسنده رمان است.

فیلم ترس آمیتی ویل(۲) بر اساس داستان پرفروش و حقیقی جایانسون(۳) وتولید سال ۱۹۷۹ امریکاست. این فیلم سینمایی درباره خانواده نویسنده

۱- ۲.Ebenzar Scrooge.

۲- ۳.Amityville Horor.

۳- ۴.Jayanson.

داستان و خانه جدیدشان نوشته شده است که اشباح سبب پرواز اسباب خانه می شوند. در دید دوربین، پس از رخدادهای حیرت انگیز، اتاقی عجیب در سرداب خانه پیدا می شود. این اتفاقات ماورای طبیعی، در ظاهر، نتیجه قرار گرفتن خانه در مکان چند قتل و وجود ارواحی است که در یک قبرستان قدیمی جای گزین شده اند.

در فیلم شیره برآمده(۱) که تولید سال ۱۹۸۸ امریکاست، آدام و باربارا مایتلند،پس از مرگ بر اثر تصادف رانندگی، خودشان را در زمین بسیار بزرگی می یابند. آنها وارد خانه شان می شوند و در آنجا کتابی با عنوان کتاب دستی برای مردگان تازه درگذشته پیدا می کنند. خانواده دیتز(۲) به خانه ای که در زمینمایتلندهاست کوچ می کنند و مایتلندها می کوشند آنان را فراری دهند. زانی که یک شکارچی روح است، به آنان کمک می کند که خانواده دیتز را از سر خود وا کنند. در این فیلم نیز همانند فیلم یگانه(۳) و چند فیلم دیگر، با آنکهشاهد اعتقاد به زندگی پس از مرگ هستیم، با نوعی ساده انگاری روبه روییم. پس از مرگ شخصیت ها، آنان به یک زندگانی شبیه زندگی زمینی وارد می شوند و گویی نوعی تناسخ صورت می گیرد. البته در این آثار، از عالم قبر، نکیر و منکر، برزخ و مانند آن خبری نیست و مردگان، بی هیچ حساب و کتابی به بهشت می روند.

۱- ۵.Beetle Juice.

۲- ۶.Deetzes.

۳- ۷.The one.

فیلم شبح مهربان(۱) تولید سال ۱۹۴۵ انگلیس است. این فیلم سینماییکمدی درباره یک نویسنده است که شبح همسر مرده اش او را آزار می دهد. این فیلم بر اساس نمایش نامه ای از کُوارد(۲) ساخته شده است. هنگامی که چارلزکاندومین به اسنادی برای یک رمان درباره اشباح نیاز پیدا می کند، مادام آرکاتی را وادار(۳) می سازد تا با تشکیل جلسه احضار ارواح، با آنان ارتباط برقرار کند.در آن جلسه، همسر کاندومین که مدتی طولانی از مرگش گذشته است، ظاهر می شود و بعدها در همان اطراف گیر می افتد تا اینکه کاندومین و همسر جدید وی را به ستوه می آورد.

بررسی این فیلم کمدی درباره ارواح، ما را به این نکته رهنمون می کند که پرداختن به مسائل ماورایی در قالب کمدی، در کنار جذابیت آفرینی زیاد، زمینه پذیرش این گونه امور را نیز در میان مردم افزایش می دهد. این مسئله می تواند الگویی برای فیلم سازان ما قرار گیرد که معمولاً با مسائل ماورایی به صورت خشک و جدی برخورد می کنند. باید گفت این رویکرد به طنز و کمدی نیز باید با رعایت اصول و آداب خودش صورت پذیرد تا به صورت مبتذل و پیش پا افتاده ای مانند سریال رؤیای ناتمام درنیاید که در رمضان سال ۱۳۸۲ پخش شد. در این سریال، در پی آزمایش احضار ارواح به وسیله شمعی که فردی دانشمند (آقای مردودی) اختراع کرده است، روحی به تله

۱- ۸.Blithe Sprit.

۲- ۹.Nuel Coward.

۳- ۱۰.Arcati.

می افتد. این روح در قسمت های بعدی سریال، به شکل کلیشه ای و مسخره بر پسر آقای مردودی ظاهر می شود و بی دلیل او را می ترساند. بدین ترتیب، بیننده را از دیدن حوادث جالب با محوریت مسئله روح نا امید می سازد. نمونه موفق برخورد کمدی و طنزگونه با مقوله روح، فیلم سینمایی گاهی به آسمان نگاه کن است که نقد آن گذشت.

فیلم سینمایی کاوایلان(۱) تولید سال ۱۹۶۴ ژاپن نیز مقوله روح را بنا برنوشته های لافکادیو هرن(۲) به تصویر می کشد. در این فیلم، داستان چهار روحدر چهار اپیزود روایت می شود که در اپیزود اول، جنگ جوی سامورایی برای به دست آوردن پول، تجدید فراش می کند و همسر خود را طلاق می دهد. با این حال، ازدواج جدیدش به شکل مصیبت باری پایان می پذیرد. جنگ جو نزد همسر قبلی اش باز می گردد، ولی به شکل اسرارآمیزی درمی یابد که او مدت هاست مرده و او با چیزی شبیه روح همسرش گفت و گو می کرده است. داستان بعدی یعنی زن در برف، قصه مردی است که با شبحی زیبا ازدواج می کند. شبح با او شرط می کند که هرگز راز بکارت غیرطبیعی اش را فاش نکند، ولی با فاش شدن این راز به وسیله مرد، شبح به شکل اصلی خود در می آید و او را ترک می کند.

هویچی(۳) بدون گوش، درباره خواننده بزرگی است که گروهی از ارواح او

۱- ۱۱.Kwaiolan.

۲- ۱۲.La Fcadio Hearn.

۳- ۱۳.Hoichi.

رافریب می دهند. پس از ناپدید شدن وی به وسیله تعویذهایی که از سوی راهبان بر بدنش نوشته می شود، یک روح، گوش های او را که فراموش کرده اند بر آن تعویذ بنویسند، به عنوان شاهد جدا می کند و با خود می برد. اپیزود آخر، در یک فنجان چای نام دارد. در این اپیزود، مردی را می بینیم که چهره ای را در فنجان چایش می بیند. این اثر، نگاهی ماورای طبیعی به مقوله ای ماورایی دارد که از دل فرهنگ طبیعت گرای(۱) ژاپنی بیرون کشیدهشده است.

فیلم سینمایی حس ششم(۲) به کارگردانی شامالان، کارگردان امریکاییهندی الاصل و تولید سال ۱۹۹۹ است. فیلم درباره یک روان شناس کودک است که می کوشد به پسر جوانی که به وسیله ارواح ترسانیده شده است، کمک کند. شبی از شب ها، بیماری سابقه دار و روانی که از اوهام در عذاب است، به روان شناس کودک، مالکوم کراو (با بازی بروس ویلز) حمله می کند. ماه ها بعد، مالکوم برای کمک به کل سر(۳) به شغلش باز می گردد. سر می تواندارواح را ببیند و صدایشان را بشنود و همین مسئله او را عذاب می دهد. مالکوم تمام زندگی اش را وقف سر می کند تا او را نجات دهد و به همین سبب، روز به روز از همسرش فاصله می گیرد. نقطه اوج فیلم، هنگامی است که مالکوم همسرش را از حقیقت رابطه اش با پسر کوچک آگاه می کند.

۱- ۱۴.Naturalism.

۲- ۱۵.The sixth Sense.

۳- ۱۶.Cole Sear.

سپس مشخص می شود که خود مالکوم نیز یک روح است.

فیلم سینمایی دیگران(۱) به کارگردانی آلخاندرو آمنابار، تولید سال ۲۰۰۱اسپانیا، فرانسه و امریکاست. گریس، زنی متعصب و مذهبی است که با دختر و پسر کوچکش آن و نیکلاس، در خانه ای قدیمی ساکن می شوند. او می گوید فرزندانش دچار بیماری مرموزی هستند که در مقابل نور خورشید عود می کند. در همین حال، سه نفر به عنوان خدمت کار به خانه آنها می آیند؛ میلز پیرزن، تاتل باغبان و دختری کر و لال به نام لیدیا. آن و نیکلاس، تحت تعالیم سخت گیرانه و مذهبی مادرشان هستند. آن اظهار می کند گاهی افراد ناشناسی را در اتاق های خواب می بیند که با انکار مادرش روبه رو می شود. آن، از وجود پسری خبر می دهد که دوست او شده است، ولی نیکلاس چیزی نمی بیند و فقط می ترسد. گریس، آلبوم عکسی از سه خدمت کار خانه پیدا می کند که با چشمان بسته عکس گرفته بوده اند و بر مرده و روح بودن آنان دلالت می کند. سپس سر و کله چارلز، همسر گریس که در جنگ مفقود شده است، پیدا می شود و بچه ها قبرهایی به اسم سه خدمت کار در حیاط خانه پیدا می کنند. آن و نیکلاس که از ارواح ترسیده اند، به اتاق بالای خانه پناه می برند و در آنجا جلسه احضار ارواحی را می بینند که پیرزنی، آن و نیکلاس را روح می خواند. آن زمان گریس می فهمد که او و بچه هایش روح هستند و وی، بچه هایش را پیش تر با بالش خفه و سپس خودکشی کرده است.

فیلم قبلی آلخاندرو آمنابار با نام چشمانت را باز کن نیز در ژانر فیلم های

۱- ۱۷.Others.

ذهنی است. وی بـا فیلم جدیـدش، تماشاگر را در مقابل دنیای ارواح تنها نمی گـذارد، بلکه او را به این دنیا وارد می کنـد، به گونه ای که خود را جزو ارواح بداند و در مقابل جهان زندگان حس کند. نکته جالب فیلم که یکی از کش دارترین تعلیق ها در سـینما به شـمار می رود، این نکته است که تماشاچی تا نیمه دوم فیلم نمی فهمد خانواده گریس، روح هسـتند. این موضوع تقریبا شبیه ارواح خانـدان هایکی در اپیزود هویچی بدون گوش فیلم کوایدان است، با این تفاوت که خانواده گریس به تصور اینکه زنـده انـد، مزاحمـان درون خـانه را روح می پندارنـد. کـارگردان به خوبی به فضاسازی درباره شخصـیت ها می پردازد. ترس از نور، خانه ای قـدیمی با طراحی سـرد و ساکن، اتاق های تو در تو با درهای همیشه بسـته، تنهایی هر یک از کاراکترها در اتاقی بزرگ، حضور شـبح وار همسر گریس، مه غلیظ اطراف خانه، حرکات آرام، ولی اضطراب آمیز و حالت های عصبی صورت و چشمان گریس، همگی به این فضاسازی کمک می کنند.

فیلم سینمایی سیزده روح(۱) به کارگردانی استیو بک، تولیـد سال ۲۰۰۱امریکاست. خانه ای مرموز، قـدیمی و پر از اتاق ها و راهروهای شـیشه ای، به خانواده سه نفره آرتور و پسر و دخترش، بابی و کتی ارث می رسد. آنها به خانه جدید و شیکشان می رونـد؛ غافـل از اینکه ارواح خبیثه قاتلاـن و جنـایت کاران که ظاهرا سـبب مرگ عموی آرتور هم شـده انـد، در آنجا زنـدانی هسـتند. رفیکن که از دوسـتان خـانوادگی آنهـاست و چیزهـایی درباره خانه قـدیمی شـنیده است، به دلیل اینکه خودش سابقه احضار ارواح دارد، نزد

۱- ۱۸.۱۳ Ghosts.

آرتور و خانواده اش می آیـد تا هم برای حس کنجکاوی خود پاسـخی بیابـد و هم در صورت امکان به آنها کمک کنـد. این در حـالی است که آرتور هم شـایعه هـا را انکـار می کنـد. حضور کالینا، وکیل جوان خانواده، سبب آزادی ارواح و درگیری آنها با اعضای خانواده می شود؛ ارواحی که تنها با عینک های ویژه ای قابل دیدن هستند. سرانجام پس از درگیری ها و کشته شدن برخی اعضای خانواده، آرتور به کمک دوسـتش و کتابی که پیدا کرده اند، طلسم ارواح را پیدا و خنثی می کنند و آنان را از خانه قدیمی می رانند.

نکته جالب در این فیلم، استفاده از تکنیکی مشابه فیلمی با همین نام و ساخته ویلیام کسل در سال ۱۹۶۰ میلادی است. تکنیک کسل، اسـتفاده از عینک هایی بود که تلق داشـتند و به تماشاگران داده می شد تا با قرار دادن آن بر چشم، ارواح درون فیلم را ببیننـد. همین عینـک ها، زمینه ساز دیـدن فیلم های سه بعـدی شدنـد، ولی این عینک ها در این فیلم جدیـد، به درون قصه راه یافتنـد تـا کاراکترهـا ارواح شـریر و وحشـتناک را مخوف تر ببیننـد. این تکنیـک به خاطر القای این حس است که بسـیاری از موجودات ماورای طبیعی و غیبی، در حالت عادی با چشم دیـده نمی شونـد، ولی اگر دیـدگاهمان راعوض کنیم، می توانیم به حضورشان پی ببریم که این، خود، جالب توجه است. مثلاً می توان صحنه های تازه ای را از وجود فرشتگان یا جن یا شیطان و ارتباطشـان بـا انسـان خلق کرد. تکنیـک مشـابه دیگر آن است که یک لوکیشن، دو بار، یک مرتبه با حضور عنصـر ماورایی و یک مرتبه بدون آن، فیلم برداری و آن صحنه دوبار برای تماشاگر نمایش داده شود.

بحث روح، تنها برای مخاطب بزرگ سال جذاب و قابل پخش نیست و

می توان بـا ملاحظـاتی، برای کودکـان و نوجوانـان نیز برنـامه هـایی در این مقوله سـاخت. انیمیشن های کاسپر، روح کوچک نمونه ای است که می توان به آن اشـاره کرد. کـاسپر، روح مهربـان پسـر بچه ای است که می کوشـد با کودکان زنـده ارتباط برقرار کند و از کمک به آنها لذت می برد.

در جمع بنـدی این بخش باید بگوییم که در مقوله روح، مانند دیگر مقوله های ماورای طبیعی، متأسـفانه اثری وجود ندارد که با معیارهای اسـلامی منطبق باشد. تحریف ها و خرافه های فراوانی در جهان، درباره روح وجود دارد که این نکته، رسالت فیلم سازان متعهد را صد چندان می کند. آنان با توجه به گرایش جهانی به این مقوله، می توانند آثاری تولید کنند که از سرچشمه زلال معارف اسـلام ناب گرفته شده باشد. درباره نفخ روح الهی به وسـیله روح القدس جبرئیل علیه السـلام، در حضـرت مریم علیهاالسـلام علامه طباطبـایی نظرهایی دارد که بنا بر اعتراف فیلسوف و خاورشـناس بزرگ، هانری کربن، هیـچ کس حتی در مسـیحیت، بـا این دقت این مسـئله را تبیین نکرده است. این نکته و نکات فراوان دیگر، ما را به این مسـئله رهنمون می شود که اگر تولیـداتی حقیقی دربـاره باطن روح، منطبق بر گزاره های اسـلامی تولیـد شود، بشـر از آن سـیراب می شود و دیگر در پی سراب نیست. روح، نه پدیده خنده داری است و نه آن گونه که دست مایه ژانر وحشت قرار گرفته، وحشـتناک، بلکه باید باور کنیم خود ما در حقیقت، روح هستیم؛ یعنی انسان، روح است، نه جسد.

۵. عالم پس از مرگ

اشاره

۵. عالم پس از مرگ

زیر فصل ها

الف) برزخ

ب) بهشت

ج) دوزخ

د) ارزیابی آثار موجود درباره آخرت (آنچه هست و آنچه باید باشد)

الف) برزخ

اشاره

الف) برزخ

زیر فصل ها

یک ــ برزخ در باورهای پیش از اسلام

دو ــ برزخ در باورهای اسلامی

یک ــ برزخ در باورهای پیش از اسلام

یک ــ برزخ در باورهای پیش از اسلام

علمی را که از آخرت بحث می کند، در اصطلاح، معادشناسی (استاچوتولوژی)(۱) می نامند. موضوع این علم، برزخ و بهشت و دوزخ(قیامت) است.(۲) برزخ در فارســـی و عربی، معــادل linmbo در انگلیسـی(۳) وفرانسـه، Erebusدر یونـانی و Limbus (مرز و لبه) در لاـتین، برای عـالم میـان دنیـا و آخرت به کـار می رود. در الهیـات رم کاتولیک، برزخ، محل اقامت مردگانی است که ارواحشان بـدون هیـچ گناه شخصـی رانـده شده اند. اندیشـمندان الهیات مسـیحی، دو نوع برزخ را تفکیک

کرده انـد؛ یکی، برزخ والـدین که ارواح مسـتحق در آنجا معطل میماننـد تا به وسـیله مسـیح شـفاعت شونـد و دیگری، برزخ کودکان که ارواح کودکان غسل تعمید نشده و دیگر عاملان گناهان شخصـی، در آنجا از یک سـعادت قهری لذت می برند، ولی از سـعادت ابدی در بهشت محروم شده اند. تفاوت اساسی اعتقاد مسیحی با اسلامی در این باره در همین نکته نهفته است که در الهیات مسـیحی، راه برای کسانی که در برزخ گرفتارنـد، به جز عـده ای خاص مسـدود است، ولی در الهیات اسـلامی، برزخ، پلی برای رسیدن به بهشت و عامل تزکیه و تصفیه

۱- ۱.Eschatogogy.

۲- ۲.Armageddon) Doomsday).

۳- معادل های دیگر نیز برای برزخ ذکر شده است نظیر:Isthmus, Lethean. Porgatory.

برخی افراد است و همه دیر یا زود، برزخ را خواهند پیمود. واژه Limbo از اعتقادی قدیمی گرفته شده که مکانی واقع در مرز دوزخ را توصیف می کند. اندیشمندان الهیات درباره وجود برزخ بارها بحث کرده اند، ولی کلیسای کاتولیک روم موضع رسمی خود را درباره این موضوع، اعلام نکرده است.

دو ــ برزخ در باورهای اسلامی

دو ــ برزخ در باورهای اسلامی

به فاصله میان زمان مرگ تا رستاخیز یا فاصله میان دنیا و آخرت، برزخ گفته می شود. به تعبیر دیگر، این نشئه که به وسیله عارفان و فلاسفه اسلامی به عالم مثال تعبیر شده، همان عالم قبر است. در برزخ، زمان و روز و شب وجود دارد. همچنین برزخیان، کم و کیف را درک می کنند. برای مثال، غذا می خورند، استراحت می کنند و اگر خیراتی به آنها برسد، شاد می شوند. ارواح مؤمنان که جایگاه دنیوی آنها در وادی السلام، واقع در پشت نجف اشرف است، در کالبدهایی نورانی به دیدار و گفت وگو با یکدیگر مشغولند. ارواح کافران نیز که جایگاه دنیوی آنان در دره برهوت است، با یکدیگر دیدار دارند، ولی هر صبح و شام بر آنان آتش و عذاب فرو می آید و از خوراکی ها و نوشیدنی های ناگوار می نوشند.

ب) بهشت

اشاره

ب) بهشت

زیر فصل ها

یک ــ بهشت در باورهای پیش از اسلام

دو ــ بهشت در باورهای اسلامی

یک ــ بهشت در باورهای پیش از اسلام

یک ــ بهشت در باورهای پیش از اسلام

جنت و فردوس در عربی، با بهشت و پردیس در فارسی، Paradise و

Hearen در انگلیسی(۱) معادل است. بهشت به طور کلی، مکانی است که خدا یا خدایان، یا دیگر موجودات ماورای طبیعی در آن اقامت دارند. البته در اسلام و ادیان توحیدی، تعریف و ویژگی های دقیق تری برای بهشت بیان شده است. آنجا مکانی با شرایط کاملاً شاد و محل تنعّم برای آزادی و رهایی پس از زندگی دنیوی است. شاید به دلیل همین تعریف کلی است که معمولاً واژه بهشت Heavenبرای آسمان نیز به کار می رود. بنا بر باورهای اصیل مسیحی، از زمان رستاخیز مسیح، ارواح مستحقی که از گناه رها شده اند، بعد از مرگ، به سرعت در بهشت پذیرفته می شوند. برخی مسیحیان نیز معتقد روح پیش از ورود به بهشت، ابتدا باید از برزخ بگذرد. نیروانا که بهشت بوداییسم است، نقطه اطفای همه آرزوها و یگانگی با برهما (خدای آفریننده) است. نیروانا به وسیله تزکیه روح در مسیری که تناسخ های پیاپی را در پی دارد، به دست می آید.

دو _ بهشت در باورهای اسلامی

دو _ بهشت در باورهای اسلامی

بهشت، جایگاه پرهیزکاران و فرمان برداران از فرمان های الهی است. بنا بر عقاید اسلامی، هر کس بمیرد و ایمان و عمل صالح داشته باشد، به بهشت می رود. برای بهشتیان، زمینه ای فراهم شده است که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه به ذهن بشری خطور کرده است. پهنای بهشت به اندازه آسمان ها و زمین توصیف گشته و کمترین مکانی که برای یک فرد بهشتی در

۱- معادل های دیگری نیز برای بهشت در زبان های بیگانه بیان شده است، معادل هایی همچون: , Ensky, Elysium Elysian. و zionکه صهیون یا کوه مقدس یهودیان است و Olympusکه کوه المپ در مقدونیه و کوه مقدس یونانیان است.

نظر گرفته شده، ۱۰ برابر دنیاست. بهشت، هشت درجه و هشت در مانند (ریّان= سراب) و (باب المعروف = دروازه خوبی) و... دارد.(۱) لباس بهشتیان از حریر (ابریشم خالص) به نام های سندس و استبرق است. بر تخت هایی به نام سریر تکیه می زنند و با هم به گفت وگو می نشینند. همه مردان، در سن ۳۰ سال و با مویی اندکند و دارای زنانی از جنس حوریه یا زنان مؤمنه خود هستند. همه زنان، ۱۸ ساله اند و در کنار همسرانی از غلمان بهشتی یا شوهران مؤمن خود زندگی می کنند. البته بهشت حقیقی، نزدیکی و دوستی الهی دانسته شده است؛ یعنی حد اعلای آن، که با واژه «جنت» در قرآن آمده، برای کسانی است که به تزکیه کامل و نفس مطمئنه دست یافته باشند.

ج) دوزخ

اشاره

ج) دوزخ

زیر فصل ها

یک ــ دوزخ در باورهای پیش از اسلام

دو ــ دوزخ در باورهای اسلامی

یک ــ دوزخ در باورهای پیش از اسلام

یک ــ دوزخ در باورهای پیش از اسلام

دوزخ و جهنم در فارسی، معادل جهنم و جحیم و هاویه در عربی و Hell در انگلیسی است.(۲) در الهیات مسیحی، جایگاه مجازات ارواح پس از مرگ است. تفاوت اعتقاد مسیحی با اسلامی نیز در همین دو نکته است که در اعتقاد مسیحی، فقط روح انسان ها عذاب می شود، درحالی که در باورهای اسلامی، هم روح و هم جسم عذاب می بینند. البته همین جسم دنیوی دوباره احیا می شود. به جز آن، برخی فرشتگان در دیدگاه مسیحی، مستحق عذاب

۱- تفسیر راهنما، ش، صص ۴۶ ــ ۳۵، «جنه».

۲ - ۱.معادل های دیگری نیز در زبان های بیگانه برای جهنم آورده شده است، نظیر: Tartarus , Gehenna, Archeron در زبان لاتینی است.

در دوزخ شناخته شده اند، ولی بنا بر اعتقاد اسلامی مبنی بر عصمت فرشتگان، جایگاه آنها در دوزخ نیست؛ هرچند صنوفی از جن در دوزخ عذاب می شوند. در الهیات مسیحی، مبنای وجود دوزخ، از اصل لزوم عدالت الهی برای استیفای حقوق، ریشه گرفته است.

دو ـ دوزخ در باورهای اسلامی

دو ـ دوزخ در باورهای اسلامی

در معارف اسلامی، دوزخ، جایگاه و فرجام نهایی گمراهان، سرکشان و دنیاطلبان و خاسران توصیف شده است. جهنم دارای هفت در یا هفت درکه، در مقابل هشت درجه بهشتی است که به ترتیب: جحیم، لظی، سقر، حطمه، هاویه، سعیر و جهنم نامیده می شود. خوراک دوزخیان، شجره زقوم و آب آنان، ضریع و غسّاق و صدید و لباسشان از قطران و آتش است.

د) ارزیابی آثار موجود درباره آخرت (آنچه هست و آنچه باید باشد)

د) ارزیابی آثار موجود درباره آخرت (آنچه هست و آنچه باید باشد)

در بخش پیشین گفته شد که بشر غربی پس از رنسانس و نفی دین یا کنار گذاردن آن از زندگی روزانه، به نفی ارکان آن از جمله آخرت پرداخت. وی کوشید به جای آخرت و بهشت و دوزخ حقیقی، بهشت زمینی و عذاب وجدان را جای گزین کند. آثار هنری و سینمایی از چارچوب این نظام خارج نیست و دامنه آن، تاکنون نیز گسترده است. بنابراین، آثار درخور توجهی که عالم آخرت را دست مایه کار خود قرار داده باشند، نمی توان پیدا کرد. البته در موجی که از دهه ۱۹۹۰ میلادی با عنوان پست مدرنیسم در سینمای امریکا آغاز شد، گاه و بی گاه، شاهد اشاره هایی به آخرت یا نوعی نظام پاداش و جزا غیر از آنچه بر روی زمین است، هستیم. هنگامی که دانشمندان غربی

چنـد دهه قبل نتوانسـتند وجود روح و زندگی پس از مرگ را انکار کنند، باید پای انسان به قلمرو جهان پس از مرگ باز می شـد، ولی هنوز به دلیل نپـذیرفتن معارف ادیان توحیدی و در رأس آن اسـلام، در تجسـمی وهم گونه و خیالی از آن جهان به سر می برنـد. این نکته، وظیفه هنرمنـدان و فیلم سـازان متعهـد را دو چنـدان می کنـد که به ترسـیم الگوی ناب اسـلامی درباره جهان آخرت و معرفی بهشت و دوزخ حقیقی همت گمارند. در فیلم یگانه(۱) به کارگردانیجیمز وونگ و بازی درخشان جت لی، محصول ۲۰۰۱ امریکـا شاهـدیم که قهرمـان و ضـدقهرمان فیلم، پس از اعـدام، به مکـانی مشابه بهشت و دوزخ منتقل می شوند. گیب لو قهرمان، به شهری درخشان و آفتابی و تمیز که همه با هم مهربانند، منتقل می شود و در آنجا زن دل خواه خود را می یابد که پیش تر در دنیا از دست داده است و با او سخن می گوید. گابریل یولای آنتی گونیست(۲) نیز پس از اعدام، به محیط تاریک و وحشـتناک منتقل می شود و محکوم است با قاتلان و افراد شریری همچون خودش تا ابد به جنگ بپردازد. هر چنـد در این فیلم، بهشت و دوزخ ترسـیم شـده، بـا آموزه های پیامبران منطبق نیست، ولی مشابهت ها و کمترین تصور آنها در جهانی غیر از این جهان، گامی است برای فراتر رفتن از سـینمای اومانیستی غرب. در سینمای داخلی، اگر از فیلم فارسی مبتذل شب نشـینی در جهنم که پیش از انقلاب تولیـد شـده است، آثـاری در خور تأمل پس از انقلاب، به ویژه در ژانر جنگی تولید شده است.

۱- ۱.The One.

۲- ۲.ضد قهرمان، Anti Gonist.

فیلم گـذرگاه تولید سال ۱۳۶۱ می کوشد ورود یاران شـهید یک بسـیجی را به بهشت نشان دهد. سـید مرتضـی آوینی در آن سال، در مقاله ای با تشکر از کارگردان فیلم، این پرسش اساسی را مطرح ساخت که اصولاً آیا می توان مسائل ماورای طبیعی مانند بهشت را در یک فیلم نشان داد؟ همچنین در جایی دیگر، وی در نقد فیلم شب نشـینی در جهنم، همین پرسش اساسی را تکرار می کند و دلیل آن را نگرانی از تهی شدن حقایق مجرد از تجرد و اسـتحاله امور معنوی و کیفی به امور کمّی و همچنین ساده انگاری نسبت میان کلام و تصویر می داند.(۱)

به نظر نگارنـده، بهترین راه برای بیـان حقـایق ماورای طبیعی و مجرد و عالم غیب در قالب فیلم، بیان اسـتعاری و نمادین است. ایـن نظر برگرفتـه از روش قرآن است؛ زیرا قرآن نیز برای بیـان همین حقـایق مجرد برای مردم، دچـار به مسـئله ای مشـابه روی آورده است. البته در قالب واژه ها و صـنایع ادبی، برای توصـیف بهشت که بنا بر آموزه های اسلامی هیچ گوشی آن را نشنیده و هیـچ چشـمی آن را ندیـده و بنـا بر فرمـایش ائمـه معصـوم علیهم السـلام ؛ «لایـدرک و لایـوصف» است، به بیـانی نمـادین و اسـتعاری روی می آورد. مثلاًـ از نمـاد درخت و سبزه و جوی های روان، برای محیط بهشت و از خشت های طلا و نقره، برای در و دیوار کـاخ های بهشتی و از لباس های حریر و سـندس و اسـتبرق، برای لباس های نفیس بهشتیان و از حوران سـیه چشم، برای زنان رعنای بهشتی استفاده می کند. این در حالی است که خود می گوید چشم و گوش دنیایی،

۱- آیینه جادو، تهران، نشر ساقی، ۱۳۷۷، چ ۳، ج ۱، ص ۱۹۲.

قـابلیت دریـافت نعمت های بهشتی را نـدارد. مثلاً اگر نغمه ای از نغمه های بهشتی در زمین نواخته شود، همه مردم از آن نغمه می میرند.

در عالم فیلم و سـینما نیز بهترین و شاید تنها راه برای ما، اسـتفاده از همین سـمبلیسم و بیان اسـتعاره گونه باشد. در نمادگرایی، یک چیز می توانـد نماد و نشانه و دالّ بر چیز دیگری باشد. اسـتعاره نیز در صـنایع ادبی، این گونه تعریف شده است: «تشبیهی که در آن مشـبه به ذکر نشود.»(۱) به عبارت دیگر، بیان چیزی و اراده چیز دیگری از آن، اسـتعاره است که این دو بایـد با هم تناسب داشـته باشـند،ماننـد بیان جزء یک چیز و اراده کل از آن. در این صورت، یک صـندلی بزرگ می تواند دال بر وجود کاخی بزرگ باشـد. توصـیف مسـتقیم آنچه خیر و عظمتش روشن است، چیزی بر قـدر آن نمی افزایـد؛ چون مادح خورشـید، مـدّاح خود است، اگر نگوییم که از شأن و بزرگی آن می کاهـد. ما هر چه بکوشـیم با دکورهای سـنگین و لجستیک فراوان، مکـانی را شبیه بهشت برای یـک فیلم آمـاده سـازیم و آنجـا را به عنوان بهشت واقعی معرفی کنیم، جز اتلاف نیرو، امکانات و بودجه، راه به جایی نمی بریم و جز به جان خریـدن تمسـخر تماشاچی، به دلیل پیشـی گرفتن خیال و تصور او از مکان بهشت، چیزی نصـیب ما نمی شود. این روش، به گونه ای بسـیار شایسـته در سـریال تلویزیونی معصومیت از دست رفته، به کارگردانی داوود میرباقری دیده شد که شـبکه سوم سـیمای جمهوری اسـلامی در سال ۱۳۸۲ پخش کرد. در پایـان فیلم، برای نشـان دادن زید و مادر و معشوقه اش در بهشت، تنها از گریـم و

۱- جلال الدین همایی، معانی و بیان، تهران، انتشارات مؤسسه نشر هما، ۱۳۷۴، چ۳، ص ۲۳۰.

جوان سازی هنرپیشگان و لباس هایی سراسر سفید با مقدار بسیار اندکی دکور گرافیکی استفاده شد. با وجود این هزینه و تدارکات خیلی کم، به دلیل بیان سمبلیک و استعاری، هیچ کس اعتراضی به این صحنه نکرد و بسیار نیز دل نشین و واقعی بود. همچنین برای نشان دادن شوذب در دوزخ سوزان، تنها از تروکاژی رایانه ای استفاده شد که نمای کلوزآپ او را به صورتی شعله ور نشان می داد و همان نتیجه به دست آمد.

در فیلم روز فرشته با بازی درخشان عزت اللّه انتظامی و اکبر عبدی، جریان زندگی مردی نشان داده می شود که پس از مرگ و پیش از رفتن قطعی به جهان دیگر، روحش درگیر مشکلاتی می شود. این مشکلات، تنها در صورتی از بین می رود که وی مردم را از دست خود راضی و با آنان تسویه حساب کند. فیلم با وجود مشکلات محتوایی و تکنیکی فراوان (که برخی ناشی از کپی برداری از آثار مشابه غربی است) به دلیل به کارگیری نمادگرایی و استعاره و همچنین جرئت بیان این مسائل در عالم سینما، درخور ستایش است.

در الگوی شاخص اسلامی، نه تنها آخرت و بهشت و دوزخ، وجود عینی دارد و بر بهشت زمینی یا عذاب وجدان اومانیسمی حمل نمی شود، بلکه محل زندگانی اصلی و همیشگی انسان هاست و نسبت آن به دنیا، مانند نسبت دریا به یک قطره آب است. مرگ، نه تنها نقطه پایان زندگی نیست، بلکه تقریبا نقطه آغاز زندگی و سرنوشت است. انسان ها پس از مرگ، تازه از خواب غفلت، بیدار و به جهانی مستقل که دنیا تنها سایه و ظاهر آن بوده است، وارد می شوند. در ساخت فیلم ها بر اساس این الگو، باید کوشید اعتقاد به آخرت، مایه نلغزیدن و حُسن اخلاق، راست گفتاری، خیانت نکردن و

غنای انسانی نشان داده شود. دنیا همچون آب شوری است که طالبان آن، هیچ گاه سیراب نمی شوند، ولی در پرداختن به آخرت است که دنیا نیز به خودی خود به انسان روی می آورد و رام دست او می شود. برآورده شدن حقیقی آرزوهای انسان، در به دست آوردن آخرت است و جز این نیست که دنیاطلبان هیچ گاه به آرزوهای خود نرسیده اند و نمی رسند.

گفت چشم تنگ دنیادوست را

یا قناعت پر کند یا خاک گور(۱)

۶. موجودات خیالی

اشاره

۶. موجودات خیالی

موجودات دیگری هم در داستان های فیلم وجود دارند که به گونه ای در شمار موجودات ماورای طبیعی هستند. این موجودات، گرچه خیالی هستند و بهره ای از عوالم وجود ندارند، ولی در هر صورت جزو سینمای ماورای طبیعی به شمار می آیند.

الف) پری

اشاره

الف) پری

زیر فصل ها

یک ــ پری و افسانه پریان

دو ــ تصویر پری در فیلم

یک ــ پری و افسانه پریان

یک ــ پری و افسانه پریان

عده ای پری را معادل عجمی جن و برخی نیز موجودی هم ردیف فرشته می دانند، ولی با توجه به تعریف و ویژگی های این دو موجود، هیچ شباهتی میان آنها وجود ندارد. مراد ما از پری، موجودی خیالی است که در آثار مکتوب و تصویری نیز همین

گونه از آن یاد می شود. به جز این اشتباه های

۱- سعدی.

رایج در کشورهای عربی و اسلامی، پری به دلیل حضور در فرهنگ جهان یا دلایل دیگر، به موجودات دیگری مانند حوری های دریایی، غول ها، کوتوله ها و اشباح تشبیه شده است. پریان، موجودات کوچکی هستند که به شکل انسان ها و در سرزمینی خیالی به نام سرزمین پریان زندگی می کنند. آنان بدن های شفاف و ظریفی دارند و با انسان ها مهربانند. البته ممکن است هنگام تحریک و خشمگین شدن، کارهای خطرناکی از آنان سر بزند. اعتقاد به پری، بیشتر جایگاهی غربی و هندی و به ندرت عربی دارد. بنابراین، در فرهنگ ایرانی و دین اسلام، تقریبا در این موضوع، مطلبی نداریم و طبیعی است که آثار مهمی نیز در این حوزه وجود نداشته باشد. در آثار غربی، از فراوانی تولیدات در این زمینه می توانیم به عمق و وسعت اعتقاد به پریان در قصه ها و افسانه ها و فرهنگ فولکوریک غربی پی ببریم.

دو _ تصویر پری در فیلم

دو _ تصویر پری در فیلم

فیلم سینمایی زیبا و غول حیوانی(۱) که به دیو و دلبر یا دیو و پری ترجمه شده، بهکارگردانی شاعر و هنرمند فرانسوی، ژان کوکتی، در سال ۱۹۴۶ میلادی تولید شده است. این فیلم بر اساس افسانه پریان، اثر لی پرنیس دبامونت(۲) درباره یکدیو است که در یک دژ جادویی زندگی می کند. دیو، املاک یک زمین دار را غاصبانه به غنیمت می گیرد و برای آزاد کردن آن شرط می کند که مرد، دختر پری وش خود را برای زندگی با او به کاخش بفرستد. دیو در حقیقت،

۱- ۱.Beauty and The Beast.

۲- ۲.Leprince de Beaumont.

شاه زاده ای خوش قیافه است که با طلسمی شیطانی، به صورت هیولایی زشت جادو شده و مجبور است در کاخ بماند. طلسم نیز تنها با عشق حقیقی به یک زن شکسته می شود. وجه غالب این فیلم که آن را از دیگر آثار جدا می کند، سبک سوررئال و جلوه های تصویری دراماتیک آن است.

فیلم سینمایی پیترپان(۱) تولید سال ۱۹۵۳ امریکا، فیلم دیگری است که بهموضوع پریان می پردازد. این فیلم، از داستان مشهور کودکان اثر جیمز باری اقتباس شده و سرگذشت سه بچه است که به یک سرزمین جادویی سفر می کنند. آنان در آنجا با پسری دیدار می کنند که می تواند پرواز کند و در حقیقت، یک پری است.

فیلم سینمایی انیمیشن پینوکیو(۲) تولید کمپانی والت دیسنی در سال ۱۹۴۰میلادی است. پس از اینکه ژپتوی عروسک ساز هم زمان با فرو افتادن ستاره ای، آرزو می کند آخرین عروسک وی به یک پسر واقعی تبدیل شود، عروسک به سوی زندگی حقیقی حرکت می کند. پری آبی به پینوکیو می گوید که اگر او با خودش درست رفتار کند، به پسر واقعی تبدیل خواهد شد. پری همچنین از جیرجیرک چابک می خواهد که راهنمای معنوی پینوکیو باشد. پینوکیو درمی یابد که هرگاه دروغی بگوید، دماغش بزرگ می شود. او زمانی هم به یک الاغ تبدیل می شود، ولی در نهایت، به واسطه نجات جان ژپتو، انسان می شود. آثار انیمیشن، رئال و مجموعه های تلویزیونی فراوانی از این

۱- ۳.Peter Pan.

۲- ۴.Pinochio.

داستان تولید شده است؛ آخرین آنها فیلم سینمایی پینوکیو، تولید مشترک امریکا، فرانسه و ایتالیا بود که واکنش شدید نئورئالیست های ایتالیایی را درپی داشت.

در فیلم سینمایی انیمیشن شرک(۱)، برخی شخصیت های داستان های پریانقش دارند که بحث و نقد کامل فیلم در بخش غول ها خواهد آمد. فیلم سینمایی انیمیشن زیبای خفته(۲) از تولیدات دیگر کمپانی والت دیسنی در سال۱۹۵۹ میلادی است. فیلم درباره یک شاه زاده زیباست که برای مدت طولانی با یک نفرین به خواب می رود و بر اساس افسانه پریان ساخته شده است. پس از اینکه یک جادوگر، شاه زاده آئورا(۳) را جادو می کند، پدرش می کوشدشاه زاده را به سه پری بسپارد تا از آسیب ها محفوظ بماند.

فیلم انیمیشن سینمایی سفید برفی و هفت کوتوله(۴)، اولین تولید بلندسینمایی والت دیسنی و تولید سال ۱۹۳۷ میلادی است. فیلم درباره زن زیبای جوانی است که با گروهی از کوتوله ها دوست می شود و بر اساس افسانه پریان، نوشته برادران گریم(۵) ساخته شده است.

ملکه، نامادری شیطان صفت سفید برفی، به سبب زیبایی او احساس خطر می کند و نقشه قتلش را می کشد. سفید برفی فرار می کند و در جنگل با

۱- ۵.Sherek.

۲- ۶.Sleeping Beauty.

۳- ۷.Aurora.

۴- ۸.Snow White The Seven Dwarves.

۵- ۹.Grimm.

هفت کوتوله آشنا می شود. ملکه، جادوگری را تحریک می کند و می کوشد سفید برفی را با یک سیب سمی بکشد، ولی شاه زاده ای او را دوباره زنده می کند. تم زنده شدن افراد با بوسه، در این اعتقاد ریشه دارد که عشق که مهم ترین عنصر گیتی است، می تواند هر کاری را از جمله زنده کردن مردگان انجام دهد. این تم در بسیاری از آثار دیده می شود که غیر از سفیدبرفی می توان به عنصر پنجم، ماتریکس ۲ و شرک اشاره کرد. باید گفت به علت تصویری گشتن و به ابتذال کشیده شدن عشق حقیقی در حد غریزه جنسی در سینمای جهان، بهتر است این تم با تمهیداتی نشان داده شود.

در سریال مسافری از هند به تهیه کنندگی خانم صدیقه صحت که در سال ۱۳۸۲ از شبکه سوم سیما پخش شد، همین مضمون زنده شدن با عشق، بدون ابتذال و بسیار زیبا به تصویر کشیده شده است. در پایان سریال، سیتا پس از اسلام آوردن و توسل به امام زاده ای، با نیروی عشق در یک رؤیای صادقه، نامزدش، رامین را زنده می کند.

فیلم سینمایی جادوگر شهر زمرد(۱) بر اساس رمان جادوگر عجیب شهر اُز کهفرانک باووم آن را در سال ۱۹۰۰ میلادی نوشت، تولید شده است. دوروتی پس از اینکه به وسیله زن بد همسایه شان، خانم گالچ(۲) زندانی شده است، درونیک گردباد می افتد. گردباد، او را همراه خانه شان به سرزمین جادویی اُز

۱- ۱۰.The Wizard Of Oz.

۲- ۱۱.Gulch.

می برد. دوروتی در این فیلم، در جاده ای متروک، شیر و آدم آهنی را می یابد و به همراه آنان برای انتقام گرفتن و آزادی خود به کاخ جادوگر سیاه شهر اُز می روند و در پایان، او را از پا در می آورند.

ب) غول

ب) غول

در فرهنگ اروپایی، به غول(trolls) می گویند. هر چند ارک(۱)، در متونانگلیسی قدیم نوعی غول است که از واژه Orcus لاتینی به معنی خدای جهان زیرین مشتق می شود. غول، گونه هایی دارد مانند غول حیوانی یا Beast، غول بیابانی، غول مرداب (شخصیت معروف انیمیشن شرک)، غول یک چشم یا سیکلوپ ها، غول چراغ جادو، غول زیرزمینی یا Kobolds و... .

بسیاری از افراد، غول را با دیو و جن یکی دانسته اند، درحالی که این گونه نیست. غول در زبان عبری به معنی مودار است. در فرهنگ فولکوریک غربی، غول موجودی وهمی است که نیمه بالای تن او به شکل انسان و نیمه پایین به شکل بز یا اسب تصور شده است.(۲) اعراب پیش از اسلام بر این باور بودند که غول از ارواح خبیث موذی به شمار می رود که در بیابان ها در کمین آدمیان گم شده نشسته است تا آنها را هلاک سازد و از خون آنها بیاشامد و از گوشت آنان بخورد.(۳) غولان در همه اساطیر، افسانه ها و کتاب های گذشتگان حضور دارند. در یونان، غولان از سه نژاد اصلی تشکیل شده بودند؛

۱- Orc.

۲- محمدجعفر یاحقی، فرهنگ اساطیر، و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، سروش، ۱۳۶۹، ص ۳۱۶.

۳- جان بی ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۷۱۰.

سیکلوپ ها، هکاتون شیرها و تیتان ها که فرزندان اورانوس بودند. تیتان ها پس از شکست از کرونوس، به تارتار،(۱) عمیق ترین منطقه زیرزمینی و جایگاهدشمنان خدایان ریخته شدند. سیکلوپ ها (یک چشم ها) سه نفر بودند که معروف ترین آنها پولی فومه(۲) بود.

رد پایی از غولان در کتاب های عهد عتیق نیز دیده می شود. در سفر اعداد، باب سیزدهم می خوانیم: «ما در آنجا حیاران (غولان) بنی عناق را دیدیم که اولاد حیارانند و ما در نظر خود مثل ملخ بودیم و همچنین در نظر ایشان می نمودیم.» افسانه های اقوام امریکای لاتین (مایاها و اینکاها) بر این دلالت دارد که اولین نژاد پیش از سیل بزرگ (شاید توفان نوح) نژاد غول ها بوده اند.

پروفسور اریک فون دانیکن معتقد است که در گذشته سه نوع غول وجود داشته است: غول جاوه، غول جنوب چین، غول جنوب افریقا.(۳) همچنین امروزه اعتقاد به وجود غول برفی (۴) در برخی مناطق، مانند تبت و هیمالیا وسپی وجود دارد. بر اساس گفته های برخی از مردم، رنگ بدن وی خاکستری یا سفید با سری کشیده و قدی بین ۵/۱ تا ۱۸/۵ متر است. این موجود، جای پایی حدود چهل سانتی متر دارد و به میمون یا خرس شبیه است. رد پایی از غول هایی که پیش از سیل بزرگ در امریکای لاتین می زیسته اند، در آثار مکتوب این منطقه دیده شده است؛ همچنین در تبت و سیبری به صورت

۱- Tartaras.

۲- Poly Phome .

۳- اریش فون دانیکن، بازگشت به ستارگان، ترجمه: مسعود نوده فراهانی، تهران، برهمند، ۱۳۷۳، ص ۳۰.

۴- Yeti.

یتی میمون شکل و همچنین در جاوه و جنوب چین و جنوب آفریقا.

درباره غول مرداب، فیلم سینمایی انیمیشن شرک(۱) به کارگردانی اندروآدامس و ویکی جنسن را می توان مثال زد. این فیلم، تولید سال ۲۰۰۱ کمپانی دریم ورکس امریکاست و با هزینه ای حدود ۲۵۰ میلیون دلار تولید شده است. شرک، غول سبز رنگ و بی آزار مردابی است که کارگردان می کوشد شخصیتی مثبت از او ترسیم کند. سخت گیری های لرد فارکواد به شخصیت های افسانه ها و داستان های کودکان، مانند پینوکیو، سه خرس، سه بچه خوک، سفید برفی و هفت کوتوله و...، سبب می شود تعدادی از آنها به قلمرو شرک نقل مکان کنند و او را زیر فشار قرار دهند. در این میان، الاغی به نام دانکی هم حضور دارد که علاقه مند است رابطه نزدیک تری با شرک برقرار کند و در خانه اش بماند. شرک عصبانی به لرد فارکواد اعتراض می کند و او نجات شاه زاده را شرط تخلیه مردابش از مزاحمان اعلام می کند. شرک عازم این کار می شود، شاه زاده فیونا که انتظار می کشید شاه زاده ای خوش سیما برای نجاتش برسد، ناراحت می شود، ولی به هر حال با او همراه می گردد و کم کم علاقه آنان به هم زیادتر می شود. شرک، شاه زاده فیونا را به لرد می دهد، ولی با اخباری که دانکی به او می رساند، مراسم عروسی را به هم می زند و خواهان ازدواج با شاه زاده می شود. شاه زاده با وجود آنکه پس از عشق واقعی باید به انسان تبدیل شود، به شکل غول سبز ماده ای درمی آید و با شرک ازدواج می کند. در این فیلم پست مدرنیستی که تقریبا به همه موجودات افسانه ای و

۱- Sherek.۸.

داستانی گذشته ها ناخنک می زند، شرک علاوه بر آزادی شاه زاده خانم همیشه اسیر قلعه ها، او را عاشق خود نیز می کند. این عشق که برترین عنصر گیتی است و می توانـد هر کاری را انجام دهد، این بار طلسم را برعکس باطل می کند و شاه زاده زیبـا به خـاطر عشـقش، به غولی سـبز رنـگ تبـدیل می شود. برخلاـف دیگر آثـاری که به غول هـا می پردازنـد، در این فیلم، کارگردان می کوشد چهره ای مثبت و جذاب از شرک ترسیم کند. مخاطب نیز با یک غول، هم ذات پنداری می کند.

درباره غول حیوانی، به فیلم دیو و دلبر می توان اشاره کرد که از آن سـخن گفتیم. درباره غول یک چشم (سیکلوپ) می توان فیلم سینمایی سفر پنجم سندباد(۱) را مثال زد. برای سـندباد، آثاری در فرهنگ های ایرانی، عربی و رومی_ یونانی جسته اند، ولی قوی ترین شواهـد، وی را تـاجری اهـل بغـداد و قهرمـان یکی از ماجراهـای هزار و یـک شب و قصه او را داسـتانی ایرانی معرفی می کند. سـندباد در سفر دریایی پنجم خود به همراه یارانش، به جزیره ای می رسند که گنجی در آن پنهان است، ولی غول های یک چشم (سیکلوپ ها) که محافظ گنج ها هستند، با سندباد و یارانش درگیر می شوند. در پایان، سندباد با کمک دوسـتانش از جمله غول کوچک چراغ جادو، غول های یک چشم را شکست می دهند و گنج را تصاحب می کنند. نسخه ای جدید از ماجراهای سندباد، فیلم سینمایی انیمیشن افسانه هفت دریا(۲) است که به

۱- ۹.The ۵Th Voige Of Sindbad.

۲- ۱۰.Sindbad: Legend Of Seven Seas.

کارگردانی پاتریک گیلمورو تیم جانسن در سال ۲۰۰۳ میلادی تولید شد. در نسخه جدید که با حال و هوای سیاسی و مسائل روز جهان ساخته شده است، سندباد به عنوان یک دزد، به همراه دیگر دزدان دریایی به قصد استراحت به جزایر فیجی می روند. آنان امیدوارند بتوانند با به دست آوردن گنجینه ای با ارزش، این مدت را با آرامش بگذرانند. این گنجینه، کتاب صلح است که قرن های متوالی، دوازده شهر را در صلح و صفا نگه داشته است، ولی سندباد برای به دست آوردن کتاب جادویی، به مشکل برمی خورد؛ چون درمی یابد کتاب در کشتی دوست قدیمی اش، ناخدا پروتئوس است. تلاش سندباد برای ربودن کتاب، خشم الهه ای به نام اریس را برمی انگیزد و او غولی ترسناک را سر راه سندباد و یارانش قرار می دهد. مهارت های جنگی سندباد سبب پیروزی او بر غول می شود، ولی اریس خشمگین، برای او پاپوش می دوزد و به دزدیدن کتاب متهمش می کند. سندباد را به مأموریتی برای یافتن پروتئوس و کتاب گم شده می فرستند که در صورت شکست در این مأموریت، جان دوستانش به خطر خواهد افتاد. به نظر نگارنده، اگر به جای عناصر داستان، مشبه های آن و آنچه را به استعاره نمادها بر آن دلالت می کنند، بگذاریم، مقصود سازندگان این انیمیشن روشن می شود؛ سندباد معادل صدام، یارانش معادل دزدان دریایی همراه سندباد، استراحت معادل با آتش بس پس از جنگ با ایران، کتاب صلح معادل بمب های اتمی و میکروبی و قدرت نظامی و دوست قدیمی پروتئوس معادل با اسرائیل و الهه اریس معادل امریکا هستند.

حال لازم است از کامپایلر و تطبیق این اثر به زبان سیاست روز صحبت کنیم. صدام و حزب بعث عراق، پس از جنگ با ایران در حالت استراحتی

نسبی هستند. آنان امیدوارند با به دست آوردن نیروی نظامی و سلاح های اتمی و شیمیایی، به قدرت و آرامش بیشتری برسند، ولی نقشه صدام برای به دست آوردن سلاح های کشتار جمعی با مشکل روبه رو می شود؛ زیرا درمی یابد این گونه سلاح ها در اسرائیل قرار گرفته است. تلاش صدام برای دست یابی به تسلیحات کشتار جمعی، خشم امریکا را برمی انگیزد. امریکا پس از حمله صدام به کویت می کوشد هم پیمانان کویتی خود را علیه او به مقاومت وادارد، ولی صدام با تکیه بر مهارت های جنگی خود، در اشغال کویت موفق می شود. امریکا، صدام را به ارتباط با اسرائیل تشویق و بقای قدرتش را در این امر تضمین می کند؛ مأموریتی که اگر در آن شکست بخورد، حاکمیت حزب بعث به خطر خواهد افتاد. به نظر نگارنده، اگر قسمت بعدی این انیمیشن بخواهد برای همین اهداف و جنگ روانی با هدف کودکان ساخته شود، قصه اش باید این گونه باشد:

سندباد در مأموریتی که برای یافتن پروتئوس و کتاب گم شده فرستاده شده است، با شکست روبه رو می شود. پس خشم الهه اریس برانگیخته می شود و وی به همراه پروتئوس که اکنون دیگر دوست سندباد نیست و دیگر یارانش، برای اشغال بغداد اقدام می کند. این در حالی است که سندباد در غاری که طلاهایش را پنهان کرده است، پنهان می شود و با هدایت دیگر دزدان بغداد، جان نیروهای اریس را تهدید می کنند و... دیگر قضایا!

درباره فیلم هایی که در زمینه غول برفی یا یتی ساخته شده است، می توان

به فیلم سینمایی، یتی، غول قرن بیستم اشاره کرد که تولید سه دهه پیش است. در این فیلم می بینیم یتی که غولی شبیه یک گوریل بزرگ است، از مناطق یخی پیدا و به شهر آورده می شود. پس از ذوب، یخ های بدن او ناگهان باز می شود و شهر را به آشوب می کشاند.

گودزیلا، غول افسانه ای ژاپنی است و تاکنون بیش از هشت فیلم بلند سینمایی درباره آن ساخته شده است. برخی آن را نماد قدرت و نیروی تهاجمی ژاپن دانسته اند و عده ای نیز نماد واپس زنی عقده ژاپنی پس از بمباران اتمی شهرهایش به دست امریکا. به هر حال، در این فیلم ها که به ویژه در نسخه های اولیه، با ضعف تکنیکی زیادی تولید شده بود، چیزی جز زنده شدن موجودی افسانه ای از اساطیر کهن ژاپن را شاهد نیستیم.

غول آهنی، غول های قصه جک و لوبیای سحرآمیز که در بالای ابرها زندگی می کنند، غول های ماجراهای سندباد و قصه های هزار و یک شب، غول سری فیلم های هالک، سمندون، غول چراغ جادو و غول های به خدمت گرفته شده سارومان در ارباب حلقه ها، از دیگر غول هایی هستند که در آثار سینمایی به آنها برمی خوریم. دو نوع از این شخصیت ها ویژگی برجسته ای دارند: غول چراغ جادو و غول های مدرن. غول چراغ جادو، برگرفته از افسانه ها و داستان های هزار و یک شب، از این جهت که مربوط به سنت و گذشته ما ایرانیان است، قابل توجه است. ویژگی مشترک غول های چراغ جادو این است که در چراغی خفته اند و به اصطلاح قدرتشان در آن محبوس است، تا اینکه به دست انسانی بیفتند و وی بتواند با لمس آن، ورد جادویی را بخواند و غول را احضار کند.

در این صورت، غول به صورت بخاری از چراغ بیرون می آید و در خدمت ارباب خویش قرار می گیرد. او می تواند آرزوهای وی را برآورده کند. امروزه دیگر تکرار کلیشه ای این تم با هر قالبی که باشد، دل آزار است. باتوجه به جذابیت ذاتی این قصه های افسانه ای و تحریک حس تخیل کودکان، از آن برای اهداف تربیتی و روان شناسی می توان بهره گرفت. فیلم هایی که ما آنها را فیلم های غول های مدرن نام گذاری کرده ایم، به خوبی از این مسئله سود جسته اند. برای نمونه می توان به فیلم سینمایی انیمیشن شرکت غول ها یا شرکت هیولاها(۱) اشاره کرد که با از بین بردن ترس کودکان ازغول ها، می کوشد آنها را موجوداتی دوست داشتنی و حتی شادی آور معرفی کند. این فیلم انیمیشن سه بعدی، تولید سال ۲۰۰۱ و محصول مشترک کمپانی های دیزنی و پیکسار امریکا و به کارگردانی داکتر، آنکریک و سیلورمن است.

غول های گنجه های اتاق خواب کودکان، هیولاهایی هستند که شب ها از شهر هیولاها می آیند تا در تاریکی، کودکان را بترسانند و جیغ آنان را درآورند تا از صدای جیغشان برای انرژی کارخانه شرکت هیولاها سود جویند. مدتی است که شهرهای هیولاها دچار بحران انرژی شده است؛ زیرا بچه ها دیگر آن چنان که باید، از غول ها و هیولاهای گنجه های اتاق خواب نمی ترسند و جیغ نمی کشند. سالی که شبیه غول یتی است، به همراه دوستش مایک که شبیه غول تک چشم (سیکلوپ) است، مأمور می شوند بچه ها را با

۱- Monsters. Inc.۱۱.

روش های جدیـد بترسانند. آنها دختر بچه ای به نام بو را به اشـتباه به سـرزمین غول ها می آورند. حال راهی به جز کشـتن او برای رفع این اشـتباه وجود نـدارد، ولی سـالی و مایک، مایل به این کار نیسـتند و با همکاران شـریر خود برای نجات بو درگیر می شونـد. سـرانجام او را به اتـاق خوابش می رساننـد. از این پس، راه مناسبی برای تأمین انرژی شـرکت هیولاها به نظر مایک می رسد و آن خنداندن بچه ها به جای ترساندنشان است.

فصل سوم: تصویرگری افعال ماوراء الطبیعی در فیلم

اشاره

فصل سوم: تصویرگری افعال ماوراء الطبیعی در فیلم

زیر فصل ها

۱. پرستش و مناسک دینی

۲. معجزه و کرامت

۳. جادوگری و طلسم

۱. پرستش و مناسک دینی

اشاره

۱. پرستش و مناسک دینی

ذکر این نکته ضروری است که هر چند پرستش، مستقیم جزو امور ماورای طبیعی نیست، ولی از این جهت که با مقولات ماورایی ارتباط تنگاتنگ دارد، در این مبحث به آن می پردازیم.

الف) پرستش خدا

الف) پرستش خدا

بی شک، اصیل ترین و ابتدایی ترین راه ارتباط فطری با جهان ماورای طبیعی، پرستش خداوند است. خداپرستی، یکی از ارکان مهم فطرت انسانی است. بنابراین، از هنگام ظهور نخستین انسان بر روی زمین قدمت دارد. حتی با توجه به روایت های اسلامی، پیش از خلقت آدم، ارواح بعضی از ائمه مشغول عبادت و پرستش الهی بوده اند. از معارف اصیل اسلامی این گونه برداشت می شود که هر کس رابطه خود را با خداوند، از راه پرستش با خداوند اصلاح کند، خداوند نیز رابطه وی را با موجودات دیگر اصلاح خواهد کرد. از دیدگاه توحیدی، این مسئله قطعی به نظر می رسد. کسی که رابطه خود را با ذات الهی که خالق و سرچشمه تمام موجودات اعم از طبیعی و ماورای طبیعی است، اصلاح کند، همانند کشاورزی است که با جلوگیری از گل آلود شدن سرچشمه یا مظهر قنات، از گل آلود شدن تمام آبراهه ها و کرت ها جلوگیری خواهد کرد.

در ادیـان توحیـدی به ویژه اسـلام، کارهای ویژه ای وجود دارد که نشانه بنـدگی انسان در برابر خـدا و سـبب دست یابی او به سعـادت و کمال است. دیگر ملت ها هم شـیوه هایی برای اجرای مراسم دینی شان دارنـد. برجسـته ترین جنبه پرسـتش در دین مبین اسـلام و حتی دیگر ادیـان، نمـاز است. هر چنـد ظـاهرا نمـاز در ادیـان دیگر وجود نـدارد، ولی بـا توجه به معارف اصـیل اسلامی، درمی یابیم که نماز بر همه امت های گذشته واجب بوده است. اهمیت خواندن نماز تا آنجاست که اولین نشانه انسان مسـلمان و جداکننـده اسـلام و کفر شـمرده شـده است و نخستین رسالت برپاکنندگان حکومت اسـلامی به شـمار می رود. در معـارف اسـلامی، اشـاره شـده است که هر کس می خواهـد بـا خـدا صـحبت کنـد، نمـاز بخوانـد. بنابراین، یکی از والاترین و زیباترین جلوه های ارتباط انسان با معبود خود، در برپایی نماز است.

حـج، یکی دیگر از تجلی گـاه های پرسـتش جمعی مسـلمانان در درگاه الهی است. مناسک حـج اعم از احرام، طواف، سـعی میـان صــفا و مروه، رمی جمرات، قربـانی، تقصـیر وماننـد آن، بیـانگر روح پرسـتش بنـدگان خـدا در برابر یزدان پـاک و نفی پرسـتش شـیاطین و بت ها و هر چه غیر از خدا به شمار می رود. در دیگر فروع دین اسلام مانند روزه، خمس، زکات، جهاد و حتی تولّی و تبرّی نیز به گونه ای روح پرسـتش و عبادت جلوه گر است. همچنین در برخی اصول اخلاقی، مانند خدمت به هم نوع و مؤمنان می توان ردپای پرستش و عبادت الهی را یافت.

ب) پرستش بت

ب) پرستش بت

با این حال، در طول تاریخ بشری، این رکن از فطرت انسان ها؛ یعنی فطرت پرستش، در تعیین مصداق، به انحراف افتاده است. گاه بشر به جای

خداونـد، به پرسـتش بت هـا و ماه و خورشـید و سـتارگان روی آورده و گاهی از آن بـدتر، برخی انسان ها یا الهه ها همچون شیطان و فرشـتگان را پرستیده است. البته معمولاً در این گونه پرسـتش ها، بنا بر اقرار همین منحرفان، اشیا یا آدم ها موضوعیتی ندارنـد، بلکه فقط نماد و طریقی برای خـدای حقیقی هسـتند. حتی گاهی موحدان نیز دچار پرسـتش هوای نفس یا انسان های دیگر می شوند که در معارف دینی با اصطلاح «شرک خفی» از آن یاد می شود.

ج) پرستش نیاکان

ج) پرستش نیاکان

التزام افراد به تکریم و اجلال نیاکـان درگذشـته را که تصور شـده به موجودات ماورایی قدرتمنـد یا حتی دارای شأن خـدایی تبدیل شده اند، پرسـتش نیاکان می گویند. این عقیده بر این اساس است که نیاکان، اعضای فعال و زنده جامعه هسـتند و هنوز به امور خویشاونـدان زنـده شان علاقه مندنـد. آیین پرسـتش نیاکان، گرچه جهانی نیست، ولی تقریبا در همه جای جهان مشابه اسـت. این آیین در منـاطق گونـاگونی رواج دارد، از جوامع آفریقـای غربی (جوامع بنتـو و شونـا)(۱) و پـولینزی(۲) و بخش گسترده ای از مردم هنـدی ـ اروپایی گرفته تا چینو ژاپن. به طور کلی، همه می پندارنـد نیاکان، قدرت های بزرگ و ویژه ای در اثرگذاری بر جریان حوادث دارند. نیاکان به رفاه خانواده هایشان علاقه مندند و حمایت از آنان، یکی از دلواپسـی هایشان به شمار می رود. آنان به عنوان واسطه ای میان خدای تعالی یا خدایان تصور

۱- Bantu , Shona.

۲- Polynesia.

شـده انـد. مردم می توانند به واسـطه خواب ها و تصـرفات، با مردگان خود ارتباط برقرار کنند. در این جوامع، توجه به نیاکان، ترکیـبی از ترس و احترام است. اگر از این امر غفلت شود، نیاکـان ممکن است به بیمـاری و بـدبختی دچـار شونـد. دل جویی، تضـرع، نیـایش و قربـانی کردن، کارهـای گونـاگونی است که زنـدگان می تواننـد برای آرامش نیاکان درگذشـته خود انجام دهند.

د) ارزیابی «پرستش» در فیلم ها

د) ارزیابی «پرستش» در فیلم ها

مسئله پرسـتش، اعم از پرسـتش خدای یکتا و حقیقی یا پرسـتش الهه ها و بت ها و شیاطین، در طیف وسیعی از فیلم ها و آثار سینمـایی بازتـاب یـافته است. پرسـتش به عنـوان موضـوع و محور اصـلی در هیـچ اثری مطرح نشـده، ولی در فیلم هـایی که از پیامبران الهی ساخته شده است. نظیر داسـتان آفرینش، ابراهیم خلیل الله، بشارت منجی، مصایب مسـیح، محمد رسول الله صـلی الله علیه و آله، مریم مقـدس و همچنین ائمه هـدی نظیر امام علی علیه السـلام و ولایت عشق (در قالب نماز باران امام رضا علیه السـلام) و نیز قدیسـین مسـیحی (نظیر فرانچسکو)، داستان یک روح و غیره به صورت پررنگ تر دیده می شود. در فیلم هایی مانند از کرخه تا راین و سری فیلم های ایندیانا جونز (پرستش شیطان) به صورت جانبی و گذرا به پرسشی اشاراتی شده است. در فیلم سـینمایی داسـتان آفرینش به مقتضـای آنکه داسـتان پیـامبران الهی مرور می شود، دعوت پیـامبران از مردم به پرسـتش خداوند و پرهیز از پرسـتش غیر خدا محوریت دارد. در این زمینه از این سـکانس ها می توان یاد کرد: اغواگری شیطان درباره حضـرت آدم و حوا برای خوردن آنها از شـجره ممنوعه و انجام اولین گناه و خارج شدن از روح پرستش خدای یگانه. باتوجه به اینکه حضرت آدم و حوا تنها پس از هبوط

از بهشت بر روی زمین دارای تکلیف شدند، از همان جا می توان رد پای اعمال تکلیفی را که معمولاً پرستش در انجام آنها عینیت می یابد، به صورت جدی بیان کرد. داستان آفرینش بسیار از این نکته دور افتاده و تنها سکانس قربانی کردن را به تصویر می کشد. چند خوشه خشکیده جو از طرف قابیل در برابر قوچ بزرگ هابیل پذیرفته نمی شود و آتش آسمانی که خوشه خشکیده را می سوزاند، آتش حسادت را در قابیل شعله ور می سازد و سبب اولین قتل بر روی زمین می شود. در یک اثر سینمایی اسلامی، به این محورها می توان توجه کرد: توبه چهل ساله آدم علیه السلام، پذیرش توبه وی بعد از شفیع قرار دادن اهل بیت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، بنا نهادن خانه خدا که یکی از مظاهر علیای پذیرش الهی (یعنی حج) است، انزال صحف بر آدم علیه السلام که کتاب آسمانی اولین پیامبر الهی است و کتاب های آسمانی نیز دعوت به پرستش معبود یگانه و دوری از پرستش طاغوت است.

فیلم ده فرمان دربردارنده جلوه هایی از پرستش است که می توان به این موارد اشاره داشت: دعوت فرعون از بنی اسرائیل برای پرستش او، تلاش گام به گام موسی علیه السلام برای رهایی بنی اسرائیل از پرستش فرعون و روی آوردن به پرستش خدای یگانه، رجوع مردم به پرستش گوساله سامری در غیبت چهل روزه موسی علیه السلام، القای ده فرمان الهی که اصول شریعت موسوی مبنی بر پرستش خداوند یکتاست. سریال مردان آنجلس (اصحاب کهف) به کارگردانی فرج الله سلحشور از تولیدات سازمان صدا و سیما نیز از آثاری است که می توان آن را در این محور نقد کرد. داستان اصحاب کهف به

صورت مبسوط در قرآن کریم بیان شده است. گروهی از جوان مردان در زمان پادشاهی دقیانوس ستمگر تصمیم می گیرند به پرستش خدای یگانه روی آورند و از پرستش هر چه غیر خداست، دست بردارند. نقطه اوج این اثر سینمایی هنگامی است که یاران کهف تصمیم بر گریز از دربار و پناه بردن به غاری در کوه های اطراف را می گیرند. آنچنان که روایات اسلامی دلالت می کنـد، آنان پس از بیداری از خواب سیصد ساله و ماجراهای پس از آن، برای حفظ عبودیت خالصانه خود با رب الارباب ترجیح می دهند بمیرنـد و جان به جان آفرین تسلیم کننـد. سریال ولایت عشق نیز که زندگانی امام رضا علیه السلام است، جلوه هایی از پرستش را در بردارد، ماننـد برپایی نماز باران به امامت حضرت رضا علیه السلام که با درخواست مأمون بود. هنگامی که خلیفه عباسی شکوه و تسلط و مدیریت امام را بر قلب مردم دید، به شدت از پی آمدهای پیشنهاد خود بیمناک شد. تلاش مهدی فخیم زاده در به تصویر کشیدن نماز حضرت، به عنوان جلوه ای مهم از جلوه های پرستش، در خور تحسین است. حرکات و زاویه های دوربین، مدیریت حجم بزرگی از جمعیت و امکاناتی که لجستیک و توان بسیار بالایی را می طلبید و در کنار آن، پرداختن به جنبه های عاطفی و معنوی داستان فیلم، از ویژگی های این سکانس به شمار می رود.

حال که به تصویر کشیدن نماز در فیلم ها و سریال ها اشاره شد، ذکر این نکته ضروری می نماید که اجبار و بخش نامه ای کردن نمایش نماز که در آثار سازمان دیده می شود، هر چند در نفس عمل ارزشمند است، ولی پی آمدهایی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود. نخست آنکه عوامل تولید اعم از

فیلم نامه نویس، تهیه کننده و کارگردان مجبور به گنجاندن امری سفارشی و تحمیلی می شوند. به طور طبیعی نیز نفس انسان از کارهای تحمیلی انزجار دارد.

دوم آنکه سبب می شود نمایش نماز گاهی به صورت وصله ناجور درآید که به اصل و فرع داستان ربطی ندارد. در این صورت، بینندگان نیز به بخش نامه ای و سفارشی بودن این صحنه پی می برند. سوم آنکه برخی از آثار تلویزیونی به ویژه آنچه در ژانر طنز است، اصلاً اقتضای به نمایش درآوردن نماز را ندارد. این گونه نیست که از حدود سیصد داستانی که قرآن کریم نقل کرده، در همگی از راز نماز یا مسائل خالص دینی یاد شده باشد. برآیند این مسائل شاید به وهن بحث نماز در فیلم ها و سریال ها بینجامد. از آثاری که به پرستش، به صورت موردی در آن اشاره شده است، فیلم از کرخه تا راین اثر ابراهیم حاتمی کیا را می توان نام برد. در صحنه ای از فیلم، شخصیت اول فیلم که جانباز شیمیایی جنگ تحمیلی است و برای درمان به کشور آلمان رفته است، در کنار رودخانه راین، کلیسایی را برای خواندن نماز انتخاب می کند. این صحنه بیانگر روح توحیدی و پرستش واحد بین همه ادیان و در همه مکان هاست و بسیار زیبا و تکان دهنده کارگردانی شده است. نگارنده در پایان این بخش مایل است به مطلبی اشاره کند و آن اینکه دیدن فیلم و هر اثر سینمایی و حتی شنیدن نمایش نامه رادیویی و هر گونه داستان و حکایتی، خود، نوعی پرستش است. در روایات اهل بیت، گوش دادن به هر ناطق و گوینده ای، به منزله پرستش وی تلقی شده است. اگر ناطق، رحمانی باشد، عبادت خداست و اگر ناطق، شیطانی باشد، عبادت ابلیس به جا آورده شده است.

بنابراین، سینما و تلویزیون را می توان نوعی عبادت گاه و بینندگان فیلم و

هر گونه رسانه صوتی تصویری را نوعی عبادت کننده پنداشت. در این حالت، عوامل فیلم به ویژه نویسنده فیلم نامه و کارگردان و تهیه کننده، معبود و مورد پرستش قرار می گیرند. توجه به این نکته، لزوم ایجاد تحول جدّی در مقوله فیلم و سینما و رادیو و تلویزیون و دقت مخاطبان در نوع فیلم انتخابی خود و خانواده یشان را می طلبد.

۲. معجزه و کرامت

اشاره

۲. معجزه و کرامت

زیر فصل ها

الف) معجزه و کرامت در باورهای پیش از اسلام

ب) معجزه و کرامت در باورهای اسلامی

ج) ارزیابی معجزه و کرامت در فیلم (آنچه هست و آنچه باید باشد)

الف) معجزه و کرامت در باورهای پیش از اسلام

الف) معجزه و کرامت در باورهای پیش از اسلام

معجزه به یک رویداد ورای نیروهای بشری و قوانین طبیعی گفته می شود که نیروهای ماورای طبیعی و الهی در آن دخالت دارند.(۱) داستان های معجزه ها و کرامت ها، ویژگی مشترک همه دین ها و آیین هاست. در برخی جوامع، تصور می شد شَمن(۲) دارای قدرتی است که از راه تماس با نیروهای ماورایی می تواند افراد را شفا دهد. بسیاری از رهبران و پایه گذاران دین ها و آیین ها مانند زرتشت، کنفسیوس، لائوتسه و بودا به وسیله قدرت های ماورایی اعتبار به دست آورده اند. موسی علیه السلام و پیامبران بنی اسرائیل و دیگر پیامبران، به امر پروردگار کارهای معجزه آسایی انجام می دادند. تاریخ اسلام، شرح معجزه های پیامبر نظیر شفای مریضان و... را دربردارد. همچنین در

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، واژه «معجزه».

۲- Shaman: جادوگر مردم قدیم شمال آسیا و اروپا.

مسیحیت، به معجزه ها توجه زیادی می شود. معجزه ها و کرامت ها فقط متعلق به عیسی مسیح علیه السلام نیست، بلکه چند نفر از حواریون و همچنین قدیسان مسیحی تا زمان کنونی نیز از این قدرت بهره مند بوده اند. معجزه های حضرت مسیح علیه السلام که در عهد جدید آمده است، بخش جدایی ناپذیر انجیل هستند که عبارتند از: برانگیختن و احیای مردگان، تبدیل آب به شراب، تغذیه هزاران نفر با مقدار کمی غذا، مقابله با شیطان و شفای بیماران و معلولان. مهم ترین معجزه بیان شده در انجیل، رستاخیز عیسی علیه السلام از میان مردگان است.

ب) معجزه و کرامت در باورهای اسلامی

ب) معجزه و کرامت در باورهای اسلامی

معجزه در معارف اسلامی این گونه تعریف شده است: «ثبوت یا نفی امر عادی (معمول) با اذن خدا که جنبه خارق العاده داشته و همراه با ادعا و تحدّی باشد».(۱) تفاوت اساسی معجزه و کرامت نیز همین است که در معجزه، ادعا (صدق نبوت) و تحدی (مبارزه طلبی) وجود دارد و تنها ویژه پیامبران است، ولی کرامت را فقط پیامبران در اختیار ندارند و ممکن است معصومین یا بزرگان دینی نیز از آن بهره مند باشند، هرچند ممکن است برخی کارهای پیامبران کرامت باشد و معجزه به شمار نیاید. بزرگ ترین معجزه پیامبر اسلام، قرآن کریم است که معجزه ای جاودانی و دارای خبرهای غیبی، پیش گویی، اخبار علمی، اخبار از امم گذشته به شمار می رود؛ خبرهایی که هیچ کس از آن اطلاع نداشت. تحدّی خداوند برای کفار و مشرکان که همان دعوت به

۱- الحسن بن یوسف بن علی بن المطهر الحلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۷ هـ . ق، ص ۳۵۱.

آوردن یک آیه نظیر قرآن است، با وجود تلاش های بیهوده ای که صورت گرفته، همچنان پابرجاست. از معجزه های دیگر رسول الله صلی الله علیه و آله که برخی تعداد آن را تا هزار مورد شمرده اند، به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. معراج پیامبر که در پاره ای از یک شب، تمام زمین و آسمان ها و عرش و بهشت و دوزخ را دید؛

۲. شق القمر؛

۳. به حرکت درآمدن درخت و گواهی آن بر صدق نبوت ایشان؛

۴. ترک برداشتن ایوان کسرا و خشک شدن دریاچه ساوه در شب ولادت پیامبر؛

۵. سایه انداختن ابر بر سر پیامبر؛

۶. تغذیه افراد زیادی با مقدار کمی غذا هنگام انذار خویشاوندان.

بیان این نکته ضروری است که معجزه بر محالات ذاتی تعلق نمی گیرد، مثل گنجاندن شتری در یک تخم مرغ، ولی وقوع امر معجزه آسا با امکانات ساده یا بدون امکانات و به خواست پروردگار است که به آن جنبه شگفتی می دهد. شاید هم اکنون بتوان با ابزار و وسایل تکنولوژیک مدرن، آب های رود نیل را شکافت، ولی بی شک، این امر در زمان حضرت موسی علیه السلام و بدون ابزار و وسایل، از توان بشر خارج بوده است و کاری الهی به شمار می آید. از کرامت های معصومین علیهم السلام می توان به موارد زیر اشاره کرد: حرام بودن گوشت معصوم بر آتش و حیوانات درنده؛ خبردهی از اخبار غیبی و

اسرار پشت پرده؛ نداشتن سایه؛ تبدیل تصویر شیر روی پرده به شیر واقعی و تبدیل شدن به عکس پس از خوردن یکی از دشمنان ائمه علیهم السلام . همچنین برخی بزرگان علما و عرفای اسلام نیز کرامت هایی نظیر طی الارض و خرق الارض و طی الجوّ و جاری کردن آب به صورت ناگهانی در بیابان و... دارند.

نکته آخر در این باره این است که میزان و بزرگی معجزه و کرامت به قدرت روحی و به عبارتی درجه ایمان پیامبر و امام بستگی دارد. به عنوان دلیلی نقلی، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره عیسی علیه السلام می فرماید: «اگر یقین وی بیشتر بود، به جای راه رفتن بر روی آب در هوا پرواز می کرد».(۱)

ج) ارزیابی معجزه و کرامت در فیلم (آنچه هست و آنچه باید باشد)

ج) ارزیابی معجزه و کرامت در فیلم (آنچه هست و آنچه باید باشد)

در دهه های گذشته، موج سکولاریسم و دین زدایی در همه جنبه های اجتماعی و فرهنگی، مانند هنر جهان، تداوم داشته است. بنابراین، در جایی که به حوزه دین، پیامبران و خداوند و امور مقدس توجه نمی شود، نباید توقع داشته باشیم از معجزه و کرامت بحثی به میان آید. حتی هنگامی که در دهه ۱۹۷۰، هالیوود پروژه ساخت فیلم از پنج پیامبر اولوالعزم را در سر می پروراند، می بینیم که در فیلم محمد رسول اللّه بسیار کم به بحث معجزه پرداخته است. حتی به دلیل چیره شدن این گونه اندیشه های غربی در کشور، در سریال ائمه اطهار علیهم السلام نظیر تنهاترین سردار و ولایت عشق، به جای نشان دادن کرامت های ائمه علیهم السلام، باید داستان عشق و عاشقی و زندگی خلیفه همراه با محوریت یک زن و فمینیسم افراطی را از سیمای جمهوری اسلامی

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۷۹.

ببینیم.

در جهانی که یکی از اندیشمندان بزرگش می گوید: «اگر هم معجزه ای در تاریخ بوده است، همانا تشکیل تمدن رومی بوده»، توقع آن است که به جای مطرح شدن معجزه ها و کرامت های پیامبران و ائمه علیهم السلام و بزرگان، شاهد پر و بال دادن به کرامت ها و معجزه هایی به دست موجودات خیالی و ابر قهرمانان سینمایی باشیم. امروزه همین مخاطبان و جوانانی که کرامت ها و معجزه های بزرگان را ندیده اند و شاید به درستی آن را باور ندارند، هرگونه کرامت و خرق عادتی را از سوپرمن، بت من، ترميناتور، راکی، مرد عنکبوتی و... می بینند و باور می کنند.

متأسفانه باید گفت این شخصیت ها که پیامبران و بزرگان دنیای اومانیستی هستند، بر پیامبران الهی و بزرگان دین پیشی گرفته اند و به راحتی، محالات ذاتی را هم انجام می دهند. در پاسخ به ساده اندیشانی که می گویند: «جوانان و مردم اینها را باور نمی کنند و همه می دانند که اینها تخیلی است»، باید دو پاسخ نقلی و عقلی بیان کنیم: اول اینکه از امام جواد علیه السلام چنین روایت شده است: «هر کس به گوینده ای گوش کند، مانند آن است که وی را عبادت کرده است. پس اگر ناطق از سوی خدا باشد، همانا خدا را عبادت کرده و اگر ناطق از سوی ابلیس باشد، همانا ابلیس را عبادت کرده است.»(۱) دیدن و شنیدن، مقدمه دل

۱- امام جواد علیه السلام: «مَن اَصْغی اِلی ناطِقٍ فَقَد عَبَدَه فَاِن کان النّاطِق عَنِ اللّه ِفَقَد عَبَداللّه و اِن کانَ النّاطِقُ عَن اِبلیسِ فَقَد عَبَد ابْلیسَ» شیخ محمدباقر محمودی، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، انتشارات نعمان نجف اشرف، ۱۳۸۵ ه_ . ق، ص ۳۹.

سپردن و دل سپردن، مستلزم عبادت است. بنابراین، دیدن فراوان صحنه های خارق العاده و کارهای ماورای طبیعی سبب عادی شدن و تسهیل پذیرش وقوع خوارق عادت نزد مخاطب می شود. افزون بر آن، آماری که جامعه شناسان از تغییر رفتار گروه های اجتماعی از جمله جوانان ارائه می دهند، بیانگر تأثیر شگرف شخصیت های سینمایی و ستارگان هالیوودی بر روحیه آنان است. به نظر نگارنده، به دیدن آمار جامعه شناسان نیازی نیست، بلکه با نگاهی کوتاه به پیرامون خودمان و به جوانی که با آرایش مو و عینکی مخصوص، بر موتور خاصی سوار می شود و با نهایت سرعت، در خیابان ها حرکت می کند، به اثرگذاری عمیق برخی ابرقهرمانان هالیوودی بر جوانان پی می بریم.

باید گفت با تجدید حیات معنوی و گرایش جهان به مسائل دینی، به ویژه پس از گسترش پست مدرنیسم، بار دیگر شاهد بازیابی جایگاه معجزه و کرامت در فیلم ها هستیم. البته در بسیاری از آثار، این امر تحریف گونه است. به هر حال، در تولیدهای داخلی به فیلم های زیر می توان اشاره کرد: دو چشم بی سو ساخته محسن مخملباف، مریم مقدس ساخته شهریار بحرانی، مردان آنجلس ساخته فرج اللّه سلحشور و همچنین برخی فیلم های ژانر جنگی و انیمیشن های پیامبران و مستندی درباره درخت امام زاده روستای زرآباد قزوین که در روز عاشورا خون از آن بیرون می آید. در آثار خارجی نیز می توانیم موارد زیر را بیان کنیم: داستان آفرینش (زندگانی آدم علیه السلام، لوط علیه السلام و ابراهیم علیه السلام)، ده فرمان، عیسی علیه السلام، محمد رسول اللّه صلی الله علیه و آله . همچنین فرانچسکو که دارای نسخه ای تلویزیونی با نام فرانسیس اهل آسیی ساخته خانم کاوانی است. ژاندارک و استیگماتا (زخم های مقدس) و اُردت (کلام یا کلمه) از دیگر آثار در

این زمینه هستند.

۳. جادوگری و طلسم

۳. جادوگری و طلسم

جادوگری، قدمتی چند هزار ساله در تایخ بشر دارد و قرآن کریم در بحث آموزش سحر و جادو به بنی اسرائیل به وسیله دو فرشته هاروت و ماروت به آن اشاره کرده است. این امر، یکی از نعمت های الهی بر بنی اسرائیل و برای اصلاح امور بود که متأسفانه یهودیان، مانند بسیاری از نعمت های دیگر از آن درست استفاده نکردند، بلکه در راه های ضد بشری و ضد الهی از آن بهره جستند. در جهان کنونی نیز سحر و جادو بیشتر در آموزه های دینی یهودیان ریشه دارد. پیش از این گفتیم که سحر و جادوی بنی اسرائیل و قوم یهود اینک در رسانه ها و در رأس همه، در سینما متجلی شده است. با توجه به قدمت و جذابیت، این موضوع دست مایه بسیاری از فیلم ها و آثار سینمایی قرار گرفته است. در این میان به برخی فیلم ها مانند جادوگر شهر زمرد به صورت پر رنگ تر و پاره ای از فیلم ها نظیر هری پاتر و ارباب حلقه ها با محوریت و مرکزیت جادو و طلسم، توجه شده است. قسمت اول از چند گانه هری پاتر، به نام هری پاتر و سنگ جادو(۱) به کارگردانی کریس کلمبوس بر اساس کتابی از خانمرولینگ و محصول سال ۲۰۰۱ انگلستان و امریکاست.

پروفسور دامبل دور، مدیر مدرسه هاگوارتس با مکوناگال دیدار می کند و از کشته شدن دو تن از افراد خاص خود به دست ولد مورت سخن می گوید و

۱- ۱.Harry Potter The Sorcerers stone.

اینکه بچه آنها سالم مانده است. هگرید با موتور جادویی اش از راه می رسد و بچه را به دامبل دور می سپارد و پرفسور هم او را نزد تنها فامیل خود، یعنی خانواده خاله اش می گذارد. هری با سختی و تحمل حقارت ها رشد می کند تا در زمان موعود به وسیله نامه هایی به هارگوارتس دعوت می شود. با وجود مخالفت های خاله و شوهرش، هگرید از راه می رسد و هری را با خود می برد. او هری را به کوچه دیاگن (محل خرید جادوگران) و سپس بانک جادوگرها می برد تا پول های پس اندازشده اش را دریافت کند و با قطاری جادویی عازم هارگوارتس می شود. او در آنجا به وسیله کلاه جادویی برای دسته گریفیندور برگزیده می شود. او دوستانی به نام های ران و هرمیون می یابد. درحالی که دراکوملغوی در دسته مقابل، رقیب سرسخت اوست. هری خیلی سریع خود را نشان می دهد و در مسابقه جاروسواری جادوگران برنده می شود، ولی می پندارد یکی از استادان مدرسه به نام اسنیپ می کوشد به او آسیب برساند. پی بردن به وجود سنگ جادو و دست یابی به آن، هری را وامی دارد تا بکوشد با پشت سر گذاردن موانعی مانند چاه پیچک ها، سردابه ها و تونل ها و در نهایت با برنده شدن در یک بازی مرگ بار شطرنج به اتاق مخصوص برسد. او کروی یرول (استادی که فکر می کرد راهنمای حقیقی اوست) را در آنجا می بیند که روح ولدمورت (قاتل والدین هری) در جسمش حلول کرده است و می گوید: اسنیپ دشمن او نیست، بلکه وی دشمن اوست. هری بر وسوسه های ولد مورت چیره می شود و کروی یرول را با دستانش نابود می کند و سنگ جادو را به دست می آورد. در پایان اولین سال تحصیلی، هری پاتر و دوستانش با موفقیت و سرفرازی به خانه هایشان

بازمی گردند.

این فیلم پرفروش، در اصل، روایتی امروزی از دنیای شگفت انگیز برادران گریم، نوشته هرمان گوستنر است که به وسیله خانم رولینگ به داستانی پرفراز و نشیب تبدیل شده است. این فیلم نتوانست نظر اعضای آکادمی فیلم امریکا را جلب کند، ولی با استقبال زیاد خانواده ها و کودکان روبه رو شد. بر اساس نظرسنجی ها، دلیل موفقیت در فروش فیلم، نامنتظره بودن رویدادها و احیای افسانه ها در نظام آموزش و پرورش کنونی جهان است. رمان فیلم که در مدت کوتاهی خانم جی. رولینگ را به یکی از ده سرمایه دار بزرگ اسکاتلند تبدیل کرد، ضمن سرگرمی، مایه بسیار خوبی برای آموزش مسائل تربیتی دارد.

متأسفانه در کشور ما، به جای استفاده از موقعیت های مشابه، شاهد کپی برداری ها و ادا درآوردن ها در زمینه برخی قصه ها و حتی تولیدات تلویزیونی از این اثر هستیم؛ به ویژه این نکته که نویسنده داستان های هری پاتر از عناصر داستان های شرقی و ایرانی مانند ققنوس و نگهبان گنج و... استفاده می کند.

ارباب حلقه ها(۱) فیلم دیگری است که با محوریت جادو و طلسم، بهکارگردانی پیتر جکسن و در سال ۲۰۰۱ میلادی در امریکا و نیوزیلند تولید شده است.

در جنگی بزرگ میان سپاه ایزیلدور و افراد سارون، ایزیلدور با شمشیرش، دست سارون را که حلقه جادویی به انگشت دارد، قطع می کند و در نتیجه، سارون و همه سپاهش نابود می شود. حلقه سال ها در اختیار گولام، یکی از

۱- The Lord Of The Rings.۲.

هابیت ها (موجوداتی کوتاه قد و شبیه انسان که در زمین وسطا با صلح و آرامش زندگی می کنند) قرار می گیرد که به خاطر آن، دوستش را می کشد.

حلقه پس از سال ها به چنگ بیلبو، یک هابیت افسانه ای می افتد. در جشن یکصد و یازده سالگی بیلبو، فرودو، وارث بیلبو در جنگل، منتظر گاندلف، جادوگر مهربان و دوست هابیت هاست. گاندلف، حلقه را نزد بیلبو می بیند و راز آن را می گشاید که حلقه تنها قابلیت نامرئی کردن ندارد، بلکه شر و بدی را بر وجود هر کسی مسلط می کند. با نظر گاندلف، حلقه به فرودو سپرده می شود تا برای ذوب کردن به جایگاه اصلی اش ببرند و از دست سارومان که اهداف شیطانی دارد، حفظ شود.

در آغاز سفر فرودو و همراهان کوتوله اش، مأموران نه نفره و سیاه پوش سارومان با آنان درگیر و فرودو زخمی می شود، ولی به دست شاه زاده خانمی از الف ها نجات می یابد. سپس لگولاسِ پری (پسر شاه الف های جنگل سیاه که تیرانداز ماهری است)، آراگورن آدم (وارث شمشیر شکسته الندیل)، بورومیر جن (که در فکر برگرداندن عظمت از دست رفته قلمرو خویش است)، الروند پری (اشراف زاده ای که در نبرد علیه سارون شرکت داشته است) و گیملی کوتوله و گاندلف جادوگر به همراه فرودو، او را در سفری پرمخاطره به سرزمین موعود یاری می دهند.

در طول سفر، چندبار فرودو برای پنهان شدن از دست مأموران سارومان، حلقه را در انگشت می کند که ناگهان به سرزمین ارواح برده می شود. آنها در کوهستان با اژدهایی خبیث درگیر می شوند و در نهایت، گاندالف، روی پل

کازاد ــ دام، خود را فدا می کند تا بقیه نجات یابند. سپس به ملکه الف ها پناه می برند، ولی او که تحت نفوذ سارومان است، به آنها هشدار می دهد که هرچه زودتر به سوی هدفشان بروند. سرانجام در جنگلی با افراد سارومان درگیر می شوند و عده ای به قتل می رسند. فرودو به تنهایی سوار بر قایقی، بر آن است تا به سرزمین موعود برسد و تنها رفیق درست کارش سام، همراه اوست.

فیلم، اثری حماسی ــ جادوگری، اقتباس شده از کتاب معروف جی. آر.تالکین است که زمانی پنجاه میلیون خواننده داشت. همچنین پرنفوذترین کتاب در میان مخاطبان به شمار می رفت. پیتر جکسن، کارگردان نیوزلندی که در دوران کودکی و نوجوانی، همدم داستان های این کتاب بود و آرزوی ساختن فیلمش را داشت، آن را با امکانات وسیع تکنولوژیک ساخت. ارباب حلقه ها، داستانی است برای همه زمان ها و درباره نبرد همیشگی خیر و شر و سفر ادیسه وار انسان ها برای شناخت خود و خیر و شر درونی شان. همچنین این فیلم در پی القای یکی از مبانی لیبرالیسم است که قدرت شرّ بالذات است. حرکت و زوایای دوربین ها، ریتم فیلم، نوع اکشن درون صحنه ها، موسیقی، طراحی صحنه به ویژه جلوه های ویژه ای که گویا با دویست رایانه طراحی شده اند، در کنار فضایی بسیار دراماتیک، اثری ماندگار در آغاز هزاره سوم میلادی خلق کرده است.

تا پیش از این، آثار علمی ــ تخیلی که کارناوالی از جلوه هایی ویژه تصویری و حوادث پی در پی داشته اند، همواره وسیله سرگرمی و تجارت به نظر می آمدند، ولی اثر ماندنی جی.آر. تالکین قابلیت آن را داشت که از یک کتاب سرگرم کننده خالص فراتر برود. گرچه خود تالکین معتقد بود

داستانش به جز روایت عناصر داستان، مفهوم دیگری ندارد، ولی برداشت های اجتماعی، سیاسی و فکری به مراتب فراتر از محدوده های داستان را سبب شده است. مثلاً کمپانی های فیلم سازی امریکا چنین برداشت کردند که حلقه قدرت نباید در دست هر کس، حتی افراد خوب باشد و باید به جایگاه اصلی خود و مهد دموکراسی؛ یعنی امریکا سپرده شود. به نظر نگارنده، این برداشت های بزرگ نمایانه که بر اساس سنت سیاست زدگی بیان می شود، حتی در مخیله تالکین راه نیافته بود. متأسفانه این برخوردهای منفعلانه فکری، همراه با تقلیدها و ادا درآوردن های برخی فیلم سازان داخلی، دو حجاب بزرگی هستند که ما را از حقیقت دور می سازند. گام مثبت و سازنده این است که با توجه به جذابیت های داستان و قابلیت پیام رسانی و اثرگذاری قوی آن، ما به فرهنگ ملی ـ دینی خودمان که از موضوع هایی آموزشی و به مراتب جذاب تر سرشار است، سری بزنیم و آثاری به مراتب قوی تر تولید کنیم. به هر حال، در قرآن و روایات اسلامی، وجود و تأثیر سحر(۱) و طلسم و چشم زخم(۲) پذیرفته شده است، ولی هم زمان به دوام و تأثیر همیشگی سحر باور ندارد.(۳)

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش زندیقی، انواع سحر را این گونه بیان می دارد:

۱- نک: سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه . ق، چ ۵؛ بقره: ۲۱ ـ ۲۵.

۲- نک: سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه . ق، چ ۵؛ قلم: ۳۴ ـ ۵۲.

۳- نک: سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه . ق، چ ۵؛ یونس: ۷۵ ـ ۹۳.

الف) نوعی از سـحر هماننـد طب است. همان طور که پزشـکان برای هر دردی، دوایی تجویز می کنند، علم سـحر نیز برای هر صحتی، آفتی و برای هر سـلامتی، دردی و برای هر معنـایی، حیلـه ای را چـاره اندیشـی می کنـد، نظیر درمـان سـردی مرد با همسرش.

ب) نوعی از سحر، نظیر شعبده بازی و تردستی است.

ج) نوعی از سحر را نیز پیروان شیطان انجام می دهند.(۱)

با دقت در ماهیت سینمای جهان درمی یابیم که یهود، هر سه نوع سحر را در تولیداتش که تجلی گاه جدید سحر و جادوست، نمایش می دهد. در روایاتی از حضـرت علی علیه السـلام و ائمه علیهم السـلام مواردی نظیر چشم زدن، ورد و افسون، سـحر و جادو و به فال نیک گرفتن، حق و راست دانسـته شـده و مواردی نظیر به فال بـد گرفتن، عـدوی،(۲) غیرحقیقی و ناراست بیان شده است.(۳) همین نکته، شاخص مهمی است برای پرداختن فیلم سازان متعهد به این مقوله.

۱- برگرفته از روایتی در بحارالانوار، ج۶۳، ص ۲۱.

۲- گمان شر رسیدن از مجالست با کسی؛ فرهنگ لسان العرب، واژه «غدا».

۳- میزان الحکمه، واژه «عدوی».

فصل چهارم: جایگاه اعتقاد به ماوراءالطبیعه در زندگی انسان

اشاره

فصل چهارم: جایگاه اعتقاد به ماوراءالطبیعه در زندگی انسان

هدف از این فصل، بررسی تأثیر اعتقاد به ماوراءالطبیعه مانند اعتقاد به خدا و قیامت و همچنین برخوردار بودن از ایمان دینی، بر زندگی فردی و اجتماعی است. بررسی این تأثیرها و روابط، شاخصی را به دست ما می دهد تا در این جهان پرآشوب و پر از آیین های انحرافی و سرشار از موجودات ماورایی و وهمی، ماوراءالطبیعه ناب و حقیقی را بشناسیم و از تأثیر حقیقی آن بر زندگی بشر آگاه شویم. این آگاهی می تواند ما را به نقد آثار سینمایی و تولیدات تلویزیونی موجود و سپس داشتن الگویی برای ساخت برنامه هایی که آیینه حقیقت باشد، رهنمون سازد.

۱. خدا

اشاره

۱. خدا

زیر فصل ها

الف) استعداد خداگونگی در انسان

ب) پرکردن خلأ تنهایی انسان

ج) خودآگاهی و انسان شناسی

د) رزق از ناحیه خداوند

هـ) ارزیابی آثار موجود درباره خدا (آنچه هست و آنچه باید باشد)

الف) استعداد خداگونگی در انسان

الف) استعداد خداگونگی در انسان

خداوند، انسان را به صورت خویش آفرید و وی را خلیفه و جانشین خودش در زمین قرار داد. همچنین نهایت کار بشر، خدایی شدن در صفات و افعال است. حضرت علی علیه السلام درباره استعداد خداگونگی در انسان می فرماید:

سپس از روح خویش در آن دمید تا هیئت آدم گرفت با ذهن هایی که به جولانشان درمی آورد، اندیشه هایی که تصرفاتش ابزار کارند و اندام هایی که در خدمت اویند.(۱)

قرآن کریم نیز به دمیدن روح خداوند در کالبد انسان ها تأکید دارد: «فَاذا سَوَّیتُهُ و نَفَختُ فیه مِنْ رُوحی.»(۲) امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز با اشاره به این نکته، علت سجده فرشتگان بر آدم علیه السلام را همین امر می داند. بنابراین، انسان با ماهیت خداگونه خود و نقش خلیفه اللهی اش می تواند مرتبه های نامحدود کمال را بپیماید و خدایی گردد. البته از اهل باطن پوشیده نیست که نسبت اومانیسم جهان مادی، در مقایسه با مقام خلیفه اللهی همراه با خدا محوری، مانند نسبت «اَنا رَبُّکُم الاَعْلی» گفتن فرعون با «اَنا الحَقّ» گویی منصور حلاج است. به تعبیر دیگر، استعداد خداگونگی انسان چنان است که می تواند خود را به محور خدا نزدیک سازد، نه از این نظر که انسان خود محور شود و به جز خود، خدایی را در نظر نگیرد. بنابراین، انسان جایگاه ویژه ای نزد خداوند دارد و شرط رسیدن به این مقام والا، رعایت تقوای الهی بیان شده است.

ب) پرکردن خلأ تنهایی انسان

ب) پرکردن خلأ تنهایی انسان

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

بار خدایا! تو، خود، یاران خویش را آشناترین همدمی و هم برای آنان که بر تو تکیه دارند، پشتیبانی و در خلوت رازهایشان گواه آنانی و از درونشان، آگاه و برمیدان دیدشان، دانا... اگر تنهایی به هراسشان افکند، با یاد تو انس

۱- عبدالمجید معادی خواه، فرهنگ آفتاب، تهران، نشر ذرّه، ۱۳۷۲، ص ۲۲۴۷، واژه «خداشناسی».

۲- «پس هنگامی که وی را پرداختم و از روح خود در او دمیدم»؛ ص: ۷۲.

می گیرند.(۱)

ج) خودآگاهی و انسان شناسی

ج) خودآگاهی و انسان شناسی

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

خداوند سبحان و متعال، یاد خود را مایه جلای قلب ها قرار داد تا به یمن آن، شنوایی جای گزین کری، بینش جای گزین کوری و انعطاف و حق پذیری جای گزین کینه توزی شود. آری، خداوند که تمام بخشیده هایش گران مایه است، در دوران های پی در پی تاریخی ــ حتی در روزگار فترت ــ همواره بندگان خاصی دارد که در ژرفنای اندیشه ها و در عمق خردهاشان با آنان زمزمه می کند و گفت و گو دارد. پس آنان در روشنایی ویژه ای که در چشم ها و گوش ها و دل هاشان پدید می آید، به هیئت چراغ هایی روشنگر، فرا راه انسان ها و جامعه ها قرار می گیرند و ایام اللّه را یادآوری می کنند... .(۲)

آن حضرت در جای دیگر می فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.»(۳) در این روایت شگرف، راه شناخت خداوند، انسان شناسی معرفی شده است.

د) رزق از ناحیه خداوند

د) رزق از ناحیه خداوند

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

هَلْ مِنْ خالِقٍ غَيْرُ اللّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ. (فاطر: ۳)

آیا جز خدا، آفریدگاری از آسمان و زمین به شما روزی می رساند.

۱- فرهنگ آفتاب، ص ۲۲۴۸، تحت واژه خداشناسی.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۳۷۸.

۳- فرهنگ آفتاب، ص ۲۲۵، واژه «خداشناسی».

و در جایی دیگر می خوانیم:

قُلْ إِنَّ رَبّی یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشاءُ وَ یَقْدِرُ. (سبأ: ۳۶)

بگو همانا این خدای من است که روزی خود را برای هر کس که بخواهد گسترش می دهد و تقدیر می کند.

از آیه های یاد شده برداشت می شود که نه تنها روزی انسان ها، بلکه رزق همه موجودات از سوی خداوند اندازه گیری و داده می شود. بنابراین، هم دیدگاه های انسان محورانه که هر فردی را کفیل درآمد و رزق خویش می دانند و هم دیدگاه انحرافی برخی پیروان ادیان توحیدی که به سادگی، درآمد و روزی را به حاصل زحمت یا حیله و زرنگی خود نسبت می دهند، نادرست است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

أوحَی اللّه تعالی الی بَعضِ اَنبیائِهِ أتَدرِی لِمَ رَزَقْتُ الاحمقَ قال: لاقال: لِیَعْلَمَ العاقِلُ اَنَّ طَلَبَ الرِّزقِ لَیْسَ بِالاِحْتیالِ.(۱)

خداوند به پیامبری از پیامبران خویش وحی فرستاد که آیا می دانی چرا به انسان های احمق روزی می رسانم؟ پیامبر گفت: خیر. خداوند گفت: تا آدم عاقل بداند که به دست آوردن روزی به واسطه حیله و تدبیر او نیست.

ه_) ارزیابی آثار موجود درباره خدا (آنچه هست و آنچه باید باشد)

ه_) ارزیابی آثار موجود درباره خدا (آنچه هست و آنچه باید باشد)

پیش از ورود به بحث، بیان چند نکته مقدماتی ضروری به نظر می رسد:

یک ـ گرایش روزافزون بشر در سراسر دنیا به مباحث عرفانی، مدیتیشن

۱- عبدالحمید بن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۶۰.

و مسائل ماورای طبیعی، برای کسانی که جنبه های اقتصادی فیلم را در نظر داشته اند، زمینه خوبی برای خلق آثاری در این زمینه فراهم کرده است. به همین دلیل، سینما و تلویزیون تاکنون به پشتوانه مخاطبان پرشمار این گونه فیلم ها به فعالیت خود ادامه داده است. بنابراین، از حجم بالای چنین فیلم هایی نباید تعجب کرد. باید دانست بسیاری از تولیداتی که از خدا و معنویت دم می زنند، برای کسب درآمد که اساس و محور جهان سرمایه داری است، ساخته می شوند.

دو ــ این آثار بیشتر در کشور امریکا ساخته می شود که معمولاً ـ یا در پی سودجویی (با درک همان گرایش یاد شده و بازاریابی های دقیق) هستند، یا هدف های پنهانی سیاسی ــ دینی را در خدمت منافع قدرت های صهیونیستی ــ مسیحی دنبال می کنند. همین دو عامل، به تحریف ها و افراط و تفریط ها در پرداختن به سوژه های ماورای طبیعی می انجامد. پس در این شرایط، حضور نیروهای متخصص و مؤمن به اسلام ناب در این میدان حساس، ضروری به نظر می رسد.

سه ــ در ایران اسلامی، در بسیاری از هنرهای سنتی مانند خوش نویسی، نقاشی و مینیاتور، شهرسازی و معماری و حتی قالی بافی، به موضوع های ماوراءالطبیعی پرداخته می شود، ولی در مقوله فیلم و سینما بنا به دلایلی، آثار اندکی در این زمینه تولید شده است. از میان این دلایل که خود مقاله یا کتاب مستقلی را می طلبد، به نکات زیر می توان اشاره کرد:

اول ــ اتکا نکردن به خود و خودباوری در پیشینه فرهنگی ملی ــ دینی. پیشینه ای که در بعد ملی حتی تا ده هزار سال بیان شده و در بعد مذهبی (چه پیش از اسلام و چه بعد از اسلام)، ایران را به یکی از پرسوژه ترین و مستعدترین کشورها در پرداختن به این مقوله ها تبدیل کرده است؛

دوم ـ غرب زدگی و دگراندیشی حاکم بر بدنه سینمای ایران به ویژه در بعد فنی و هنری؛

سوم ـ وارد نشدن نخبگان هنری ـ دینی در این عرصه؛

چهارم ـ سیاست گذاری نکردن و نداشتن دستورالعمل های اجرایی حمایتی؛

پنجم ـ انتزاعی بودن نویسندگان، تهیه کنندگان، کارگردانان و... در جامعه ما.

در هر حال، ماهیت سینما که هنری تصویری و فیگوراتیو است، با امور ماورایی و غیبی ساز کاری ندارد. با توجه به مباحث گذشته، ماوراءالطبیعه را می توان در بطن و بن مایه هنرهایی دید که قابلیت سنتی برای این امور دارند؛ از خطوط اسلیمی که مثلاً حرکت دایره ای آن یادآور عالم تکوینی و کل مخلوقات خداوندی است، گرفته تا طرح گنبد مساجد که یادآور وحدت عالم الوهی است.

بنای ما در این بخش، ارائه نقد فنی یا صناعتی(۱) از آثار است که از بازی ها،دکوپاژ، نور و صدا و موسیقی گرفته تا داستان و حساسیت اجتماعی و تلقی کارگردان را در دل خود دارد. هرچند در بسیاری از موارد، برای طولانی نشدن و به دلایل دیگر، در حد اشاره به اثری می پردازیم.

بحث درباره تصویر خداوند در فیلم، در سه محور قابل تفکیک است:

۱. خدای حقیقی که غیب محض است و بر اساس ادیان توحیدی، جسمیت ندارد تا در قالب هنری فیگوراتیو یا فیلم نشان داده شود. در این گونه فیلم ها، محور بحث نه ذات او، بلکه صفات و افعال الهی است و همین امر سبب شده است که موضوع فیلم درباره خدا قلمداد شود. البته به دلیل حضور خداوند در تمام شئون

۱- ۱.Tecnical.

زنـدگی انسـان، هیـچ فیلم یا داسـتانی را نمی توان یافت که از یاد خـدا جـدا باشـد، ولی برای تنگ کردن دایره بحث، بایـد به آثاری پرداخت که به گونه ویژه ای به موضوع های یادشده پرداخته یا به این مقوله اشاره کلی داشته باشند.

۲. خـدایان سـاختگی، الهه ها، نیمه خـدایان مصـری و یونانی، بت ها، دیگر جمادات یا نباتات یا انسان ها که به عنوان خـدا یا شریک خـدا تراشـیده شـده انـد، مانند نور، آتش یا اهریمن (که در تفکر گروهی از زردشتیان منشأ شـر و در حد یزدان تصور شده اند)، فرشـتگان (که زمانی مورد پرسـتش اعراب جاهلی بوده اند)، ماه، خورشـید و ستارگان. از این دسته موجودات بحث نمی کنیم؛ زیرا ماهیتی وهمی و خیال پردازانه دارنـد و حقیقت ندارند. باید دانست اگر آثاری در این زمینه تولید شوند، ناچار آنها را باید با همین عنوان خدا بررسی کرد. البته ازسینمای ضد دینی به نوعی درقالب سینمای دینی بحث می شود.

۳. در این میـان، گروه دیگری از آثار وجود دارنـد که تمی بینابینی و شـرک مآبانه را دنبال می کننـد. مثلاً فیلم بروس قهرمان محصول امریکـا بـا بازی جیم کری، انسانی را نشان می دهـد که از مرحله انسان بودن به مرحله خـدا بودن گام می نهـد و می توانـد در تقـدیر افراد دخالت کند. البته این فیلم، از معدود فیلم هایی است که با وجود کمدی بودن، جسارت یافته است نقش خدایی برای یک انسان قائل شود.

آثار خلق شده درباره فرعون که ادعای خدایی داشت، در این گروه جای

می گیرد. فیلم سینمایی ده فرمان(۱) به کارگردانی سیسیل بی دیمایل سال ۱۹۶۵در کشور امریکا تولید شد. این فیلم، زندگانی فرعون را که ادعای خدایی داشت و ستم های وی در حق بنی اسرائیل و مبارزه حضرت موسی علیه السلام با او را نشان می دهد. در پایان فیلم، پس از مبارزه ها و مجاهدت های موسی علیه السلام با فرعون و ساحران و اطرافیان او، هنگامی که رود نیل به اذن پروردگار برای موسی علیه السلام و قوم بنی اسرائیل شکافته شده است، فرعون که می خواهد خود را به آنان برساند، با برگشتن آب به جایش در میانه راه، با وجود ادعای خدایی خود غرق می شود.

درباره محور سوم، به فیلم ماتریکس یا ماتریس نیز می توان اشاره کرد. فیلم ماتریکس(۲) به کارگردانی برادران واچوفسکی در سال ۱۹۹۹ در امریکا تولیدشده است. عده ای آن را نقطه پایانی مدرنیته و نقطه عطفی در سینمای اومانیستی غرب قلمداد کرده اند. به نظر نگارنده، سازندگان فیلم خواسته اند بیانی دیگرگونه داشته باشند و جهانی غیر اومانیسمی را (که در آن انسان ها در توهمی از زندگی از سال ۱۹۹۹ به سر می برند و زیر تسلط ماتریکس قرار دارند که یک هوش مصنوعی است که جهان را کنترل می کند) نشان دهند، ولی عملاً از محدوده اومانیسم غربی خارج نشده اند. نشاندن یک هوش

۱- ۲.Ten commandments.

۲- ۳.Matrix.

مصنوعی (ماتریکس) به جای نظام خداوندی و عرش و کرسی و قرار دادن فردی از نژاد بازمانده انسانی (نئو با بازی کیانو رویوز) به عنوان پیامبر یا منجی انسان ها، چیزی جز خیال پردازی های نویسندگان فیلم نامه نیست که خود برادران واچوفسکی بوده و بارها متن آن را عوض کرده اند.

درباره محور اول؛ یعنی فیلم هایی که صفات و افعال الهی را دست مایه کار خود قرار داده اند، به دو فیلم شاخص داخلی و خارجی می توان اشاره داشت. فیلم ایرانی رنگ خدا به کارگردانی مجید مجیدی، اثری است که سخت گیرترین منتقدان سکولار سینما هم به دینی بودن این فیلم اقرار کرده اند. این فیلم، داستان کودک یتیم و نابینایی است که آثار الهی را در طبیعت و حتی برگ درختان و آواز پرندگان می یابد. افزون بر جذابیت های داستان (که برگرفته از داستانی حقیقی است) و استفاده از مناظر طبیعی بسیار زیبا و تکنیک بالا در فیلم برداری؛ پیام، موضوع و محتوای فیلم است که جذابیتی ورای تمام مسائل تکنیکی به آن می دهد و سرگذشت کودکی بی مادر، با پدری خودخواه را بیان می کند. پدر، فرزند را سربار و مانع تجدید فراش خود می داند و برای کودک، جز پناه بردن به دامن پر مهر مادربزرگ خویش راهی نمی گذارد. چندی بعد، با درگذشت مادربزرگ، کودک گام به گام با آثار صنع و رحمت الهی آشنا می شود. کودک، رنگ خدا را می بیند و به آغوش خداوند پناه می برد و در نهایت، غرق دریای وجود الهی می شود. فیلم به روشنی فریاد می زند:

یار بی پرده از در و دیوار

در تجلی است یا اولی الابصار

از نمونه های خارجی نیز به فیلم سینمایی فرانچسکو، ساخته خانم لیلیانا کاوانی و تولید ۱۹۷۳ ایتالیا می توان اشاره کرد. این فیلم، نسخه تلویزیونی به نام فرانسیس اهل آسیمی، (تولید سال ۱۹۶۶) دارد که نسبت به نسخه سینمایی خود، سیاسی و حزبی تر است. این فیلم، به شرح زندگانی واقعی سن فرانسیس یا فرانچسکوی قدیس می پردازد. فرانچسکو، قدیسی مسیحی است که با دیدن تحریف در مسیحیت، به ضبط آموزه ها و اصول واقعی انجیل همت می ورزد و در این راه خداجویانه، در نهایت به دیدار خدا دست می یابد که بنا بر اعتقاد مسیحی، در استیگماتا (زخم های مقدس) جلوه می کند.

هر چند این فیلم درباره فردی ساخته شده است که می کوشد از انحراف های مسیحیت جلوگیری کند و حتی پاپ در نهایت او را تأیید می کند، ولی خود، با ترویج نوعی صوفیسم مسیحی و آخرت طلبی های افراطی فرانچسکو (که حتی پیروان نزدیکش آن را برنمی تابند) سبب ایجاد انحرافی جدید در دین الهی می شود. این گونه است که شهید آوینی با انتقاد شدید از فیلم، تلاش خانم کاوانی را خواسته یا ناخواسته در مسیر اهداف استکباری قلمداد می کند.(۱)

فیلم پیروزی اراده، به کارگردانی خانم فاینشال مستندی تبلیغاتی درباره قدرت نازی هاست. این فیلم سیاه و سفید، از شاهکارهای تاریخ سینما به شمار می رود و با شصت دوربین و به کارگیری شیوه های زیباشناسی و

۱- آیینه جادو، ص ۷۷.

ضبط صحنه های چشم پرکن، تولید شده است. در نخستین سکانس این فیلم، برای نشان دادن ظهور قدرت نازی ها، هواپیمایی از میان ابرها به سوی دوربین می آید. به نظر نگارنده، با وجود تمام سم پاشی های تبلیغات دینی علیه هیتلر و نازیسم و حتی دجال (ضد مسیح) معرفی کردن آنها، این حرکت تبلیغاتی آنان حساب شده و بر اساس این اعتقاد است که نازیسم، نیرویی آسمانی و خدایی است که برای نجات و ترحم بر انسان ها ظاهر شده است. هرچند، این ادعا باطل است، ولی این فیلم، چیزی به فیلم های هالیوودی، امریکایی و صهیونیستی مدیون نمی شود. تم و ترجیع بند این گونه فیلم ها نیز ادعای خدایی کردن امریکا ومالک خیر و شر انسان ها و جهان قلمداد کردن آن است که در جای خود بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

با توجه به تأثیر و نقش خدا در زندگی انسان و با تکیه بر معارف و آموزه های دینی، می توانیم الگویی را برای پرداختن به مقوله خدا در آثار سینمایی ارائه دهیم. اول اینکه انسان دارای استعداد خداگونگی و خدایی شدن است، ولی نه به معنای اومانیستی و تفرعنی و انسان محورانه، بلکه به معنای خدامحورانه آن. متأسفانه پس از رنسانس و کنار نهاده شدن دین مسیحی از سوی مردم اروپا، آنان کوشیدند خلأ دین را با مسائل دنیوی پر کنند. برای همین، خدای آسمانی، جایش را به خدای زمینی؛ یعنی انسان و بهشت اخروی جایش را به بهشت زمینی و پیامبران الهی جایشان را به دانشمندان و مخترعان دادند. تم اومانیستی، ترجیع بند همه آثار تولیدی در غرب به شمار می رود که متأسفانه در بسیاری از آثار جهان سومی و کشور ما نیز رسوخ یافته است. در آثار تولیدی باید به این جنبه توجه کرد که اگرچه

انسان خلیفه اللّه است، ولی در جایگاه بنده و مخلوق او قراردارد. شاید اگر این گونه بیندیشیم، نام فیلم پیروزی اراده به پیروزی خدا تغییر می یافت. همچنین کنترل جهان در فیلم ماتریکس، به عرش و کرسی نسبت داده می شد، نه به هوش مصنوعی ماتریکس. در فیلم رنگ خدا به زیبایی نشان داده می شود که خداوند تنها یار و یاور انسان در تنهایی است. همچنین این فیلم، بهترین راه خداشناسی را شناختن نفس انسانی می داند.

بر این اساس، بهترین آثار سینمایی درباره خداشناسی را می توان از راه انسان شناسی حقیقی و ناب اسلامی نشان داد. بررسی آثار قدرت خداوند در پدیده های طبیعی و ربط دادن نیاز فطری موجودات طبیعی به وجود خداوند، که نیازی به برهان و تحلیل هم ندارد و تنها با تهیه فیلم مستند می توان به آن دست یافت، می تواند یکی از بهترین راه های خداشناسی باشد. باید گفت لازمه ایمان به خداوند، اعتقاد به غیب است و راه های ارائه غیب در آثار سینمایی، در بخش های بعدی پیشنهاد داده خواهد شد.

درباره افعال و صفات الهی، اشاره به سینمای هیچکاکی نیز خالی از فایده نخواهد بود. در آثار آلفرد هیچکاک و در فیلم های دیگر، این تم گاه شدید یا ضعیف به چشم می خورد که چه بسا به خواست خداوند، بسیاری از اراده ها و توطئه های افراد بشر به سرانجام نمی رسد. این اندیشه، از تأثیر آموزه های مسیحیت به دور نیست و در جدال با تفکر اومانیسمی و فردمحورانه غربی قلمداد می شود.

در اینجا نگاهی نقادانه می افکنیم به فیلم هایی که به گونه ای تم اصلی آنها درباره آثار و صفات و افعال الهی و همچنین ارتباط خداوند با بشر است، یا دست کم، بخش بسیاری از فیلم به این موضوع پرداخته است. همچنان که اشاره شد، یکی از

آثار مهم رابطه خـدا با انسان، پر کردن خلأ تنهایی اوست. این امر در آثار سـینمایی گوناگونی نشان داده شده است که رنگ خدا در آثار داخلی و فرانچسکو در آثار خارجی، به عنوان دو اثر برجسته در این زمینه مطرحند.

در فیلم رنگ خـدا، کودک نابینا و یتیم، جز مادربزرگ خود پشتیبانی نـدارد و با مرگ مادربزرگ بسـیار تنها می شود. جوانه ارتباط با خداوند که پیش تر نیز به صورت پنهان در باطن کودک وجود داشت، شکوفا می شود. او گام به گام با آثار رحمت الهی آشـنا می شود و خـدا را بهترین پشتیبان خود می یابـد. با وجود نابینایی ظاهری، رنگ خـدا را در همه پدیـده های جهان حتی سـنگ ریزه هـای بستر رودخانه و آواز پرنـدگان می بینـد. سـکانس پایان فیلم که یکی از درخشان ترین و مانـدگارترین سکـانس هـای پایـانی است، غرق شـدن کودک را در دریـا نشـان می دهـد. سپس حرکت انگشـتان وی را می بینیم که نشانه زندگی دوباره اوست. این بیان استعاره ای، نشان دهنده این است که کودک یتیم، در دریای رحمت الهی غرق می شود و آن گاه زندگی نو و جاودانه ای می یابد.

در فیلم فرانچسـکو، فرانچسـکوی قـدیس در پی مبـارزه بـا تحریـف هـای آیین مسـیحیت، از سوی همگـان طرد می شود، ولی تنهایی خود و مرارت های این راه را با مـدد الهی و دل خوشـی به توجه او پر می کنـد. فرانچسـکو پس از ریاضت ها و نیایش های فراوان، با پروردگار دیـدار می کنـد که نشانه آن نیز ظهور زخم های مقدس (استیگماتا) روی دست ها و بدن اوست. در باور مسیحیان، هنگامی که فردی با عیسی مسیح و به عبارتی با خداوند متحد شود، حتی از نظر جسمی نیز آثار آنها را در خود خواهد یافت. مثلاً زخم های

دست مسیح بر اثر میخ های صلیب، در دست او پدیدار می شود.

با توجه به نگاه اسلامی که شاخص همیشگی ما در این پژوهش است، انحراف هایی در این فیلم دیده می شود. هرچند یکی از روابط بشر با خدا را استعداد خداگونگی انسان می دانیم، این خداگونگی و غرق شدن در خداوند بدین گونه که در فیلم نشان داده شده است، صحیح نیست. به نظر نگارنده، تکنیکی که در فیلم رنگ خدا به کار برده شده است، با توجه به حالت استعاره گونه آن، بسیار واقعی تر و رساتر، اتحاد وجودی با خدا و فنا فی اللّه را بیان می کند.

پیش تر گفتیم آثاری که به خدا و ارتباط او با بشر می پردازند، در سه قالب می گنجند. دسته اول، آثاری هستند که به ارتباط با خدای حقیقی اشاره دارند، که آثاری همچون رنگ خدا، فرانچسکو، دو چشم بی سو و توبه نصوح را شامل می شود. دسته دوم، آثاری هستند که به رابطه با خداهای دروغین و جعلی، همچون الهه ها، نیمه خدایان مصری و یونانی، بت ها، دیگر جمادات و نباتات یا فرشتگان جانشین خداوند می پردازند.

دسته سوم، آثاری هستند که تمی بینابین دارند؛ یعنی برخلاف دسته دوم که کفرآمیز بودند، شرک آمیز هستند. برای نمونه، بازیگر نقش اول در فیلم بروس قهرمان به مرحله خدا شدن پا می گذارد و با شریک شدن در برخی افعال و صفات الهی، در تقدیر افراد نیز دخالت می کند. همچنین فیلم پیروزی اراده، حزب نازیسم را همچون خداوند برفراز ابرها نشان می دهد و برای آن شأنی الهی می بافد.

بـا ارائه شاخص اسـلامی در این فصل، فیلم سازان متعهـد درمی یابنـد که برای تهیه آثاری درباره ارتباط خـدا با بشـر، بایـد به سراغ دسـته اول بروند و از نسـبت شـرک و کفر به ذات خدا و افعال و صفات وی دوری گزینند. اگر فیلم هایی با این موضوع ها می سازند، رعایت اصول و برخی ظرایف بسـیار ضروری است. در هر حال، فیلم هایی که درباره خدایان دروغین و الهه ها، نظیر فرعون و اهریمن و نبرد نور و ظلمت سـاخته می شود، در این ژانر سـینمایی قرار می گیرنـد، ولی بایـد مراقب بود یک اثر توحیدی را از مسیر اصلی خود منحرف نکنیم و به مسیر کفر و شرک نکشانیم.

۲. آخرت

اشاره

۲. آخرت

زیر فصل ها

الف) گذرایی و بی اعتباری دنیا

ب) مجاز و خواب گونه بودن دنیا

ج) جهت دهی به زندگی

د) حسن اخلاق

ه) غنای قلب

و) وسعت روزی و سامان دهی امور

ز) برآمدن آرزو

ح) ارزیابی تصویرگری آخرت در فیلم

الف) گذرایی و بی اعتباری دنیا

الف) گذرایی و بی اعتباری دنیا

آموزه های اسـلامی، دنیا را محلّ تمام شـدنی، خانه عمل و متاع می نامند و از آخرت نیز با تعبیرهای سـرای قرار، خانه خلود و جزا یاد می شود.

قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

یا قَوْمِ إِنَّما هذِهِ الْحَیاهُ الدُّنْیا مَتاعٌ وَ إِنَّ اْلآخِرَهَ هِیَ دارُ الْقَرارِ. (غافر: ۳۹)

ای قوم، بدانید همانا این حیات دنیا متاع و کالاست و این آخرت است که سرای قرار است.

امام علی علیه السلام در فرازی از نهج البلاغه می فرماید:

انَّ الدّنیا دارُ مَجازٍ و الْآخِرَهَ دارُ قرارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّکُم لِمَقرِّکُم.(۱)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱.

همانا دنیا، سرای گذار و آخرت، سرای قرار است. پس از محل گذرتان برای مکان بقایتان توشه برگیرید.

همچنین ایشان در جایی دیگر می فرماید: «الدّنیا أَمَّدٌ والاخرهُ اَبَدٌ ؛ دنیا، تمام شدنی و آخرت، همیشگی است».(۱)

ب) مجاز و خواب گونه بودن دنیا

ب) مجاز و خواب گونه بودن دنیا

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَ ما هٰذِهِ الْحَیاهُ الدُّنْیا إِلاّ لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدّارَ الْآخِرَهَ لَهِیَ الْحَیَوانُ. (عنکبوت: ۶۴)

این زندگانی دنیا چیزی جز لهو و لعب نیست و زندگانی واقعی، سرای آخرت است.

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «الدنیا سَنهٌ وَالْآخَرهُ یَقظٌ وَ نَحنُ بَینَهُما أضغاثُ أحلامٍ؛ دنیا، غنودن است و آخرت، بیداری و ما در میان آن دو، خواب هایی آشفته ایم».(۲)

ج) جهت دهی به زندگی

ج) جهت دهی به زندگی

امام علی علیه السلام می فرماید:

من ابتاعَ آخِرتَهُ بِدُنیاهُ رَبِحَهُما، من باعَ آخرَتَهُ بدنیاه خَسِرَهُم.

کسی که آخرت خویش را در قبال دنیای خود بخرد، هر دو را به دست آورده و هر که آخرت خویش را به دنیا بفروشد، هر دو را از دست داده است.(۳)

۱- ابن تمیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، شرح و ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۱، چ ۱، حکمت چهارم.
۲- تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۲۴.
۳- غررالحکم و درر الکلم، حکمت ۲۶۶.

با توجه به این آموزه های دینی است که مسلمان، جهت گیری خود را به سمت آخرت سوق می دهد و می داند در این جهت گیری، دنیـا و آخرتش اصـلاح می شود. امـام علی علیه السـلام در همین بـاره چنین می فرمایـد: «مَنْ أکْثَرَ مِنْ ذِکرِ الْآخرهِ قَلَّتَ مَعصِیتُه؛ هر کس که زیاد به یاد آخرت باشد، لغزش و نافرمانی او کم شود».(۱)

د) حسن اخلاق

د) حسن اخلاق

ایمان و اعتقاد به آخرت، منشأ اخلاق نیکو و پسـندیده، هم در بعـد فردی و هم در جنبه اجتماعی و ارتباط با دیگران است. در این محورها، روایت های دینی فراوانی وجود دارد.

ه) غنای قلب

ه) غنای قلب

از دیگر نتایج و آثار ایمان به آخرت، بی نیازی از دنیا و دل نبستن به آن است.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ وَ أَمْسی وَ الْآخِرهُ اَکبَرُ هَمِّهِ جَعَل اللّه ُالغِنی فی قَلبِهِ و جَمعَ لَه أمرَه وَ لَمْ یَخْرُجْ مِنَ الدُّنیا حَتّی یستَکْمِلَ رِزْقَه... .(۲)

هر کس در طول شبانه روز، بزرگ ترین همتش، آخرت باشـد، خداونـد، بی نیازی را در دل او جای دهـد و کارش را سامان دهد و از دنیا نرود مگر وقتی که روزی اش را کامل دریافت کرده باشد.

و) وسعت روزی و سامان دهی امور

و) وسعت روزی و سامان دهی امور

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است:

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، حکمت ۸۷۶۹.

۲- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۵۱.

مَنْ کانَتْ الْآخرهُ هَمَّه جَمعَ اللّه ُشَمْلَه وَ جَعلَ غِناهُ بَینَ عَیْنیهِ وَ آتَتْه الدُّنیا وَ هِی راغِمَه... .(۱)

هر کس که آخرت همّ او باشـد، خداوند، امور او را سامان دهد و مهر توانگری بر جبینش زند و دنیا برخلاف میل وی، نزد او رود.

در روایت دیگری چنین نقـل شـده است: «اَلـدُّنیا لِمَنْ تَرَکه وَ الْـآخِرَهُ لِمنْ طَلَبَهـا؛ دنیا برای کسـی است که آن را ترک کرده و آخرت برای کسی است که در پی آن است».(۲)

ز) برآمدن آرزو

ز) برآمدن آرزو

حضـرت علی علیه السـلام در این زمینه می فرمایـد: «مَنْ جَعَلَ کُلَّ همِّه لِآخِرَتِه ظَفَرَ بِالْمَأمُول؛ هر که تمام همّ خود را مصـروف آخرتش کند، به آرزویش برسد».(۳)

ح) ارزیابی تصویرگری آخرت در فیلم

ح) ارزیابی تصویرگری آخرت در فیلم

با توجه به ماهیت ماتریالیستی و سـکولار حاکم بر سـینمای جهان، فیلم های بسیار اندکی به مقولات آخرتی پرداخته اند. حتی فیلم هـای انـدک و نـادری که به این مسـئله توجه کرده انـد، دو عیب کلی دارنـد. نخست اینکه این فیلم هـا نیز معمولاً از دید مـادی و بـا اصالت دادن به ماده ساخته شـده انـد و به موضوع، با عینک مادی گرایانه می نگرنـد. به عبارت دیگر، درخت این تولیـدات در آب معنـوی و الگوی صـحیح آخرتی ریشه نـدارد. این مسـئله به آنجـا می رسـد که نه تنهـا هیـچ الگو و آموزش صحیحی به مخاطب داده نمی شود، بلکه سبب انحراف و بدآموزی در مقولات ماوراءالطبیعی می شود.

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۲۵.

۲- شیخ ابوالفتح کراچکی، کنز الفوائد، قم، انتشارات دارالذخایر، چ ۱، ج ۱، ص ۳۴۵.

۳- غرال

نکته مهم این است که تولیدکنندگان این آثار به دلیل گرایش فطری شدید انسان ها به مقولات ماورایی و جذابیت ذاتی این گونه مسائل و به تعبیر دیگر، با توجه به گیشه، به سراغ سوژه های آخرتی و عالم پس از دنیا می روند. این مسئله، نوعی سوءاستفاده و دست مایه قرار دادن مسائل ماورایی برای رسیدن به پول و مادیات است. به جز فیلم هایی که در بخش روح بررسی شد که به نوعی به سینمای آخرتی مربوط می شود، به فیلم های حس ششم، صدای سفید، یگانه، مردان آنجلس و آخرین گناه می توان اشاره داشت.

فیلم حس ششم(۱) ساخته شامالان کارگردان هندی الاصل امریکایی است.تم اصلی فیلم، قدرت برقراری ارتباط با ارواح مردگان و دیدار با آنها توسط یک نوجوان است. ارواحی که به دلیل اینکه کارهای باقی مانده در زمین دارند، هر چند مرده اند؛ ولی روحشان به عالم آخرت منتقل نشده است. این امر در تفکرات کلام مسیحی ریشه دارد و از نظر معارف اسلامی مردود است. تعلیق بزرگ فیلم جایی است که فردی که برای کمک به کودک آمده است و نقش یک مشاور اجتماعی را بازی می کند، خود یک روح است. وی پس از کمک به نوجوان، مأموریت خود را پایان یافته می بیند و به عالم دیگر پر می کشد.

فیلم صدای سفید یا نویز سفید(۲) نیز به مقوله ارتباط افرادی می پردازد که ازجهان دیگر، با بازماندگان خویش از طریق دستگاه های صوتی و تصویری

۱- ۱.The sixth sence.

۲- ۲.White Noise.

ارتباط برقرار می کنند. فردی که همسر نویسنده اش را که از قضا درباره مردگان مطلب می نوشته، از دست داده است، در صدد برقراری ارتباط با وی از طریق دستگاه هایی برمی آید که گفته می شود صدای مردگان را ضبط و قابل پخش می سازد و گاهی حتی تصاویری مبهم از آنان ارائه می دهد. در ادامه فیلم، وارد فضایی کاملاًـ تخیلی و ساختگی می شویم که از اهداف و موضوع اولیه فیلم کاملاًـ جدا می شود. در نهایت، سه روح خبیث شخصیت اول فیلم را می کشند، ولی ریشه مشکلات و فجایعی که ارواح خبیثه به وجود آورده اند، از بین می رود. گرایش شدید مخاطب به این ژانر که آن را از نظر توجه در رده A قرار می دهد. (یعنی تماشاچی را کاملاًـ میخکوب می کند)، بار دیگر بیانگر این نکته است که تولید فیلم درباره مقولات ماوراءالطبیعی، هر چند با پردازش ناقص یا انحرافی، می تواند مخاطب فراوانی را جذب کند.

فیلم یگانه با بازی درخشان جت لی در دو نقش جداگانه نیز نگاهی به عالم آخرت دارد. این فیلم تخیلی و انتزاعی است، ولی هنگامی که شخصیت خوب فیلم اعدام می شود، به بهشت نوعی یعنی جایی که دوستان خوبش هستند و هر چه می خواهد مهیاست، وارد می شود. هنگامی که شخصیت بد فیلم اعدام می شود، وارد محیطی دوزخ گونه می شود که بسیار تیره و پر از افراد تبه کار و قلدر است. این فیلم، یادآور بهشت و دوزخ حقیقی آخرتی است.

فیلم و سریال مردان آنجلس (اصحاب کهف) ساخته فرج الله سلحشور نیز نگاهی به مقولات آخرتی دارد. هنگامی که اصحاب کهف از ستم پادشاه ستمگر زمان خود، دقیانوس می گریزند و به غاری پناه می برند، وارد مرحله ای می شوند که نه زندگی است و نه مرگ، بلکه حالت و مرحله ای

است بین جهان کنونی و عالم آخرت. پس از بیداری و خارج شدن از این مرحله، وقتی متوجه می شوند بیش از سیصد سال در این حالت بوده اند، آرزوی مرگ واقعی و رفتن به سرای آخرت را می کنند و می میرند. فیلم با وجود ضعف هایی در نویسندگی، کارگردانی، لجستیک، تئاترگونه بودن و ریتم کندش، مخاطبان زیادی داشت که یکی از دلایل اصلی آن پرداختن به سوژه بکر ماورایی بود.

سریال آخرین گناه نیز مقوله ای ماورایی؛ یعنی چشم آخرتی یا چشم برزخی را دست مایه خود قرار داده است. یک دکتر جوان که چشم یک فرد ربانی و عارف را در عمل پیوند چشم به عاریت گرفته است، باطن و ملکوت افراد را می بیند. عارف نیز گاه و بی گاه از عالم آخرت بر وی متجلی می شود و وی را راهنمایی می کند. در این سریال تلاش شده است که رویدادها با آیات و روایات دینی تطبیق یابد. برای نمونه، خود غیبت کننده گوشت فرد دیگری را می خورد یا فرد سخن چین به شکل خرس درمی آید. با این حال، اشتباه بزرگی که نویسنده و تهیه کننده و کارگردان و حتی کارشناس سریال به آن توجه نداشتند، این است که اصولاً مکاشفات، هیچ ربطی به چشم ظاهری ندارد، بلکه علمی حضوری است که انسان با روح خود همانند خواب دیدن درک می کند. چه بسا فردی نابینا هم دارای کشف و شهود باشد.

از همه اینها که بگذریم، اگر مکاشفه و دیدن باطن افراد را مربوط به چشم سر بدانیم، قرار نیست با پیوند چشم، این حالت به فرد گناه کار و

پول پرست منتقل شود.

۳. ایمان

اشاره

۳. ایمان

ایمان به خداوند متعال و اعتقاد به آخرت، برای فرد دین دار آثار و پی آمدهایی دارد که به برخی اشاره می کنیم:

الف) احساس امنیت دیگران

الف) احساس امنیت دیگران

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید:

ألا أُنَبِّئُکم لِمَ سُمِّیَ الْمُؤمِنُ مُؤمِنا؟ لِإیمَانِهِ الناسَّ عَلی أَنفُسِهِم وَ أَمْوالِهِم.(۱)

آیا به شما بگویم که چرا مؤمن، مؤمن نامیده شده است؟ چون جان و مال مردم از [تعرض] او در امان است.

از امام علی علیه السلام نیز چنین نقل شده است:

اَلْمُؤمِنُ وَقورٌ عِندَ الهزاهز... لایَظلِمُ الْاعداءَ وَ لایَتحامَلُ لِلْاصْدِقاءِ اَلنّاسُ مِنْه فی رَاحهٍ وَ نَفْسُه مِنْهُ فِی تَعَبٍ.(۲)

مؤمن در هنگام گرفتاری های تکان دهنده استوار است... به دشمنان، ستم روا نمی دارد و به خاطر دوستان به دیگران ستم نمی کند [یا مرتکب گناه نمی شود.] مردم از او در آسایشند و نفسش از او در رنجش.

همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «اَلْمُؤْمِنُ مَنْ آمَنَه الناسُ علی اَنْفُسِهم وَ أمْوالِهم؛ مؤمن کسی است که مردم او را بر جان و مال خود امین کرده باشند».(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۶۰ .

۲- علی بن الحسین بن باقی القرشی، مطالب السؤول، فی مناقب آل الرسول، نجف اشرف، نشر المکتبه التجاریه، ۱۳۷۱ ه . ق، ج ۱، ص ۷۷.

۳- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹.

ب) آرامش روانی

ب) آرامش روانی

از دیگر آثار و برکات ایمان دینی، برخورداری از آرامش قلبی است.

خداونـد در قرآن کریم می فرمایـد: «هُوَ الَّذی أَنْزَلَ السَّکینَهَ فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنینَ؛ و او کسـی است که آرامش را بر قلب هـای ایمان آورندگان فرود می آورد.» (فتح: ۴)امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه یادشده می فرماید: «سکینه همان ایمان است.»(۱) بنابراین، ایمان، برابر با سکینه و آرامش بیان شده است.

ج) حسن خلق

ج) حسن خلق

افزون بر روایت پیشـین، در روایتی از حضـرت رسول اکرم صـلی الله علیه و آله چنین می خوانیم: «خُلْقُ الْحَسَنِ یـذیب الذُّنوبَ کما یُذیب الماءُ المِلحَ؛ اخلاق نیکو گناهان را آب می کند، همچنان که آب، نمک را.»(۲)

همچنین از ایشـان نقـل است که: «خُلقانِ لایَجتمعانِ فِی مُؤمنٍ اَلشُّحُ وَ سوءُ الْخُلقِ؛ دو خصـلت اخلاقی در فرد باایمان جمع نمی گردد: بخل و بدی اخلاق».(۳)

از دیگر آثار اخلاقی ایمان به غیب، می توان از کرامت، عدالت، سـعه صدر، خواری نفس نزد خود مؤمن، صبر، شـکر و مانند آن یاد کرد.

د) قناعت مندی

د) قناعت مندی

مؤمن، اهـل قنـاعت است و افزون بر حسن المعونه (زیـادی کمک) خفیف المؤنه (کم مصـرف) نیز هست. این ویژگی به زبان روز، همان بهره وری معنا می دهـد. امام صادق علیه السـلام در این زمینه می فرماید: «اَلمؤمنُ حَسَنُ الْمَعُونه و خَفیفُ الْمَؤُنَهِ...؛ مؤمن،

۱- تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸.

۲- تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۷.

۳- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۳.

اهل کمک رسانی به دیگران و کم مصرف است».(۱)

همچنین از امام علی علیه السلام چنین نقل است: «اَلمؤمنُ وَقودٌ عِنـدَ الْهَزاهزِ... قانِعٌ بما رزَقُه اللّه»؛ مؤمن نزد سختی ها بردبار و به آنچه خداوند روزی او مقدر فرموده، قانع است».(۲)

ه_) زیرکی

ه_) زیرکی

امام صادق علیه السلام می فرماید: «اَلْمؤمِنُ لا یُلْسَعُ مِنْ جُحرٍ مَرَّتین؛ مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود».(۳)

و) عزت در دنیا و دین، رستگاری و هیبت

و) عزت در دنیا و دین، رستگاری و هیبت

امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید:

اِنَّ اللّه ـ اَعطَی الْمُؤمنَ ثَلاثَ خِصالٍ، اَلعِزَّ فِی الدُّنیا وَ فِی دِینِه، وَ الفُلحَ فِی الْآخرهِ وَ الْمَهابَهَ فِی صُدُورِ الْعالمین.(۴)

خداوند به مؤمن سه ویژگی عطا کرده است: عزت در دنیا و دینش، رستگاری در آخرت و هیبت در سینه مخلوقات.

ز) همت والا

ز) همت والا

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره این ویژگی مؤمن می فرماید: «یَطلُبُ مِنَ الْاُمورِ أعلاها؛ مؤمن از کارها، والاترینشان را می طلبد».(۵)

ح) ارزیابی تصویرگری ایمان در فیلم

ح) ارزیابی تصویرگری ایمان در فیلم

در مقایسه با مقوله آخرت، فیلم ها و آثار بیشتری به مسئله ایمان

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۶۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۷.

۳- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۶۲.

۴- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۱.

۵- بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۳۱۰.

پرداخته اند. این آثار، طیف گسترده ای از فیلم های پیامبران الهی و ائمه اطهار علیهم السلام و برخی مؤمنان و قدیسان را در بر می گیرد.

البته در آثار فراوانی، به ایمان اشاراتی شده است یا قسمت کوچکی از فیلم نامه به ایمان مربوط می شود، ولی بنا بر رسم این کتاب، فیلم هایی را بررسی می کنیم که محور یا موضوع اصلی آن را ایمان تشکیل می دهد. در سریال امام علی علیه السلام به کارگردانی داوود میرباقری، زندگی رادمردی به تصویر کشیده می شود که لحظه لحظه زندگی او را ایمان به خدا و ایمان به پیامبر و ایمان به خدمت به مردم و محرومان تشکیل می دهد. از سکانس اجرای حدّ شراب خواری بر ولید در حضور خلیفه وقت بدون هیچ گونه ملاحظه کاری و فقط برای رضای خدا گرفته، تا نبرد فکری و سپس نظامی با ناکثین، قاسطین و مارقین؛ از صحنه غذابردن برای محرومان در دل شب های تار گرفته، تا شهادت مظلومانه اش، تا حدّ قابل قبولی زیبا به تصویر کشیده شده است. این نکته بیان گر آن است که جهان بینی کارگردان، در ساخت یک اثر دینی و ماورایی نقش بسزایی دارد، چنان که سریال های دیگر با نویسندگان و تهیه کنندگان و عوامل تولید مشابه چنان که بایسته و شایسته است، نتوانسته اند اثرگذار باشند.

داستان یک روح، شرح زندگی و مرگ قدیسه ای مسیحی است به نام ماری ترز مارتن که در سال ۱۸۷۳ در فرانسه به دنیا آمد و در ۱۸۸۸ وارد صومعه لیزیو شد که دو خواهرش قبلاً در آنجا راهبه بودند. نُه سال در صومعه بود و راه خود را به سوی خدا شناخت و در ۲۴ سالگی به علت بیماری سل درگذشت. هر چند عده ای ترز را فردی معمولی و بیشتر یک نویسنده

می داننـد که خـاطرات روزانه اش را می نوشت، ولی موضوع فیلم و آنچه سـبب تبـدیل آن به یکی از پرمخـاطب ترین فیلم ها شده است، به تصویر کشـیدن زندگی یک قدیسه مسـیحی است. کاوالیه، کارگردان فیلم که خود حدود ۱۵ سال از عمرش را در صـومعه، راهب بوده است، سـعی می کنـد روایـتی معمولی و به دور از غلو و تقـدس، از زنـدگی بچه گـانه ترز بیـان کنـد. معجزه اول فیلم، بیـان گر ایمـان آوردن کافری جنایت کار قبل از اعـدام خود است که به دعای شـبانه ترز مرتبط می شود. در صحنه ای از فیلم، راهبه ای پیر که یـک عمر عکس مردی را پنهـان داشـته است، راز دل خود را به ترز می گویـد. آن راز این است که وی ازدواج کرده بوده و بعـد از ده ها سال که شوهرش می میرد، راهی صومعه می شود. ترز در آخر، نگاهی از روی شفقت و احترام و حق شناسی به وی می اندازد. به تعبیری، فردی که چند دهه با عشق زمینی می زیسته و از دیدگاه کلیسا گناه کـار بوده، چیزهایی به ترز می آموزد که بسـیاری از مقدسـین و مؤمنان نیاموخته انـد. این نکته، نقض غرض و مخالف با روند کلی فیلم است. در صـحنه پایـانی فیلم هم می بینیم ترز که بیمـاری سـل دارد، خـون اسـتفراغ می کنـد و زوال خود را بـا زوال محبوبش خدا یکی می پندارد. او به پذیرش کامل رسیده است. پس مردن و نمردن برایش برابر است، بی توجه به اینکه چقدر برای مردن جوان است. این نمونه ای از ایمان به خداوند است.

از نقاط قوّت فیلم، آغاز مناسب آن است که تمام آنچه را در فیلم می آیـد، در ابتـدا مشـخص و معین می کند. شـکل، گوهر، ضرب آهنگ و لحن فیلم، تصاویر نمای نزدیک، کلوزاپ زیبا به همراه محو تصاویر در تاریکی

فیدآوت که اخیرا در سینما کمتر به کار گرفته می شود، صحنه هایی که به تئاتر، آن هم از نوع سبک برشت و سمبلیسم، نزدیک است، از دیگر مشخصات فیلم داستان یک روح است. فیلم به قدری انسجام دارد که می توان آن را به قطعه ای موسیقی تشبیه کرد که دارای خطوط حامل، نت، کلید، شماره، ضرب آهنگ و نشانه های سکوت است. کاوالیه، کارگردان فیلم، اثرش را فقط شرح رهایی یک روح می داند و می گوید: «من روحیه تبلیغات دینی ندارم. له و علیه ایمان مسیحیت نیستم. خیلی ساده خواستم فیلمی بسازم در شرح رابطه ام با ترز». بنابراین، در یک جمع بندی، آنچه سبب جذابیت فیلم و تبدیل شدن آن به یکی از رکورددارهای فروش فیلم در فرانسه لیبرال و سکولار شده، دست مایه قرار دادن سوژه ای مذهبی است. در پایان این بخش، نگارنده نمی تواند از موضوع ایمان بنویسد و از سکانس بسیار زیبای برخورد جانباز شیمیایی ایرانی با فردی مست در از کرخه تا راین یادی نکند. در این سکانس، یک فرد آلمانی سحرگاه از شدت مستی شروع به داد و فریاد در کنار رود راین می کند؛ دقیقا مانند شخصیت اول فیلم که جانبازی ایرانی است و برای درمان مصدومیت شیمیایی اش به آلمان رفته است و او نیز داد و فریاد می کند. یکی از شدت مستی و لایعقلی و دیگری در قالب شکایت به درگاه الهی از اینکه چرا توفیق شهادت در جبهه های جنگ کشورش نصیبش نگشته است و باید در خاکی غریب و مهد کفر بمیرد. سرانجام جانباز خود را به کلیسای شهر می رساند و در نبود مسجد و حسینیه، آنجا را بهترین مکان برای عبادت می یابد و روح مؤمن خود را به عبادت تسکین می بخشد. این صحنه نشانه روح

وحدت ایمانی در بین انسان هاست که کنشت و مسجد و دیر نمی شناسد.

۴. نبوت

اشاره

۴. نبوت

زیر فصل ها

الف) نجات بشر از سلطه طاغوت ها

ب) تعلیم کتاب و حکمت

ج) تزکیه اخلاق

د) بیرون راندن مردم از تاریکی ها به سوی روشنی

ه) قیام به عدالت

و) رفع اصر و اغلال و اختلاف و گمراهی

ز) ارزیابی شواهدی از پیامبران در فیلم (آنچه هست و آنچه باید باشد)

الف) نجات بشر از سلطه طاغوت ها

الف) نجات بشر از سلطه طاغوت ها

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَ لَقَدْ بَعَثْنا فی کُلِّ أُمَّهٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطّاغُوتَ. (نحل: ۳۶)

و همانا ما در هر امتی، پیامبری را برانگیختیم تا خداوند را عبادت کنید و از سرکشان دوری جویید.

ب) تعلیم کتاب و حکمت

ب) تعلیم کتاب و حکمت

خداوند در این باره در قرآن کریم می فرماید:

هُوَ الَّذی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ ... و یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ. (جمعه: ۲)

او کسی است که در میان مردم امّی، پیامبرانی را برانگیخت تا ... و به آنها کتاب و حکمت بیاموزند.

ج) تزکیه اخلاق

ج) تزکیه اخلاق

در آیه شریفه «... وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ»، تزکیه نفوس، یکی از اهداف کلیدی و مهم پیامبران بیان شده است. همچنین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بُعِثْتُ لأُتَمِّمَ مَکارِمَ الأَخْلاقِ» و در جایی دیگر صالح الاخلاق آورده شده است؛(۱) یعنی همانا دلیل مبعوث شدن من، کامل کردن سجایای اخلاقی است.

د) بیرون راندن مردم از تاریکی ها به سوی روشنی

د) بیرون راندن مردم از تاریکی ها به سوی روشنی

قرآن کریم می فرماید:

۱- متقی هندی، کنزالعمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ ه‍ . ق، ح ۳۱۹۶۹.

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا مُوسی بِآیاتِنا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَکَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ. (ابراهیم: ۵)

و همانا موسی را با نشانه های خویش فرستادیم تا قومت را از تاریکی ها بسوی روشنی بیرون بری.

ه) قیام به عدالت

ه) قیام به عدالت

خداونـد در این زمینه می فرمایـد: «لَقَدْ أَرْسَـلْنا رُسُـلَنا بِالْبَیِّناتِ... لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ؛ همانا ما پیامبران خویش را فرسـتادیم... تا مردم را به قیام به عدالت وا دارند». (حدید: ۲۶)

و) رفع اصر و اغلال و اختلاف و گمراهی

و) رفع اصر و اغلال و اختلاف و گمراهی

همچنیـن در آمـوزه هـای دینی، رفـع اصـر بـه معنی آزادی برای دین داری و گشـودن آنچه به دست و پـای بشـر بسـته شـده و همچنین رفع اختلاف ها و گمراهی ها، از دیگر اهداف نبوّت پیامبران برشمرده شده است.(۱)

ز) ارزیابی شواهدی از پیامبران در فیلم (آنچه هست و آنچه باید باشد)

ز) ارزیابی شواهدی از پیامبران در فیلم (آنچه هست و آنچه باید باشد)

بـا مبنـا قرار دادن موارد یادشـده می توانیم شاخص متقن اسـلامی را به دست آوریم، تا به نقـد آثار موجود بپردازیم و الگویی برای تولیدات آینده معرفی کنیم. متأسـفانه در مقایسه با آثار بی شـمار سینمایی و تلویزیونی در جهان، به مقوله پیامبران، بسیار محدود پرداخته شده است. باید گفت همین مقدار کم نیز با تحریف ها و خرافه های بسیاری آمیخته می شود.

دهه هفتاد میلادی، سال هایی است که سینمای امریکا به زندگی پیامبران

۱- «وَ یَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلالَ الَّتی کانَتْ عَلَیْهِمْ؛ و از آنان اصر و زنجیرهایی که بر آنان بود برداشت». اعراف: ۱۵۷

روی آورد و طرح ساخت پنج فیلم سینمایی بزرگ را بر اساس زندگانی پیامبران اولوالعزم در دستور کار خود قرار داد. فیلم های داستان آفرینش، نوح علیه السلام، ده فرمان، عیسی علیه السلام، محمد رسول اللّه صلی الله علیه و آله در این مجموعه قرار دارند که بی شک با اندیشه انحرافی شرکت یهودی ـ مسیحی هالیوود تولید شده اند. تنها در فیلم محمد رسول اللّه صلی الله علیه و آله به کارگردانی مصطفی عقاد که چهار بار فیلم برداری و ساخته شد، تا حدودی شاهد رعایت آموزه های اسلامی درباره پیامبر هستیم. البته این فیلم نیز پر از ایراد است؛ زیرا با دیدی سکولاریستی ساخته شده و به بحث تشکیل حکومت اسلامی به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بی توجه است. جنگ ها بسیار بزرگ نمایی شده است و تقریبا تمام فیلم در جنگ و درگیری می گذرد که این مسئله، با نظریه «اسلام با شمشیر پیشرفت کرد» هم خوانی دارد. امام علی علیه السلام نیز با سمبل شمشیر، در فیلم ظاهر می شود و بسیاری از جان فشانی ها و ایفای نقش های مؤثر ایشان نادیده گرفته شده است. البته صدها ایراد اساسی دیگر بر فیلم وارد است که بیشتر به مسائل محتوایی باز می گردد.

در این میان، از نقاط قوّت فیلم نباید چشم پوشید. از آن جمله می توان به موسیقی باشکوه و اثرگذار آن اشاره کرد که افزون بر دریافت جایزه اسکار بهترین موسیقی، به عنوان نمادی از تاریخ اسلام و معنویت، پیوسته از رادیو و تلویزیون های جهان اسلام پخش می شود. مراحل ساخت موسیقی فیلم، هشت ماه طول کشیده است. در چهار ماه آغازین، سازنده اش در کشورهای عربی و اسلامی به سر می برد تا از همه سمفونی های عربی ـ اسلامی در پدید آوردن این اثر استفاده کند. این فیلم ابتدا با نشان دادن شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین در دو گونه شیعی پسند و سنّی پسند تولید شد

که پس از اعتراض فقیهان شیعی و سنّی، دوباره همه فیلم بدون تصویر آنان فیلم برداری شد.

فیلم سینمایی داستان آفرینش، به زندگانی حضرت آدم علیه السلام، لوط علیه السلام و ابراهیم علیه السلام با قرائت یهودی آن می پردازد. اگر بخواهیم اثری منطبق بر شاخص های اسلامی تولید کنیم، باید خودمان دست به کار شویم و بر اساس معارف اسلامی در این زمینه ها آثاری تولید کنیم.

حرکت خوب و مبارکی که در دهه ۱۳۷۰ در کشورمان، به ویژه در سازمان صدا و سیما آغاز شد، حرکتی است که با استفاده از سرچشمه حقایق اصیل اسلامی، بسیاری از تشنه کامان معنویت در جهان را سیراب می کند. ساخته شدن آثاری درباره زندگی پیامبران (که نمونه هایی از انیمیشن های آن نظیر نوح علیه السلام، سموئیل علیه السلام، ابراهیم علیه السلام و صالح علیه السلام و... با کیفیتی قابل قبول و در مورد سموئیل نبی، انیمیشن سه بعدی عالی تولید شده) برای کودکان، حتی با چاشنی طنز، نه تنها از شأن و عظمت پیامبران نمی کاهد، بلکه سبب گسترش فرهنگ دینی در میان کودکان و جوانان می شود. البته طنزی که در ساخت فیلم زندگانی نوح علیه السلام، به کار رفته و وی را فردی ساده لوح نمایش می دهد (که بر اساس عقاید یهودی است)، بسیار موهن است، ولی قرار دادن رویدادها و امور طنز در زندگی پیامبران و ائمه علیهم السلام، به شأن آنان هیچ آسیبی نمی رساند. باید گفت ما نظام و الگویی در این باره نداریم، ولی برای مثال می توانیم به موارد زیر اشاره کنیم: در سریال امام علی علیه السلام به کارگردانی داوود میرباقری، یکی از لحظه های طنز تاریخ اسلام که هر شنونده ای را به خنده وا می دارد، به چشم می خورد؛ یعنی نشان دادن صحنه ای که گویای

عریان شدن عمرو عاص است آن گاه که در مقابل علی علیه السلام قرار می گیرد. این صحنه با اینکه بینندگان را به خنده وا داشت و دست مایه طنزهای عامیانه نیز شد، ولی هرگز سبب از بین رفتن صلابت و عظمت شخصیت امام علی علیه السلام نشد، بلکه بر آن افزود.

از دیگر فیلم هایی که به تاریخ پیامبران اختصاص یافته است، می توان به فیلم ده فرمان، به کارگردانی سیسیل بی دیمایل و بازی درخشان چارلز هستون اشاره کرد که تولید سال ۱۹۵۶ میلادی امریکاست. این فیلم به زندگانی و مبارزه حضرت موسی علیه السلام با فرعون زمان خویش می پردازد. با وجود تمام تلاش های فرعون برای نابود کردن موسی علیه السلام، او موفق به نجات بنی اسرائیل می شود و فرعون از میان می رود.

از دیگر فیلم های تاریخی پیامبران، فیلم سینمایی عیسی علیه السلام به کارگردانی جان کرش و پیترسی کیس، تولید سال ۱۹۷۹ امریکاست. گفتنی است ساخته شدن فیلم حضرت عیسی علیه السلام در یک کشور مسیحی نزدیک به سی سال پس از فیلم حضرت موسی علیه السلام، نفوذ صهیونیسم در ساختار نظام امریکا از جمله در هالیوود و سینمای آن کشور را نشان می دهد.

فیلم سینمایی بن هور که در هر صورت در ژانر فیلم های تاریخی ـ دینی به شمار می آید، به کارگردانی ویلیام وایلر و اندرو مارتن، تولید سال ۱۹۵۹ امریکاست. فیلم به سرگذشت بن هور می پردازد که یک یهودی پول دار و اهل اورشلیم است. در این فیلم، همکاری نکردن او با دوست رومی کافر خود که فرماندار جدید اورشلیم شده است، مقدمه کینه جویی و توطئه فرماندار جدید را علیه او و مادر و خواهرش فراهم می کند. بن هور به عنوان برده،

تبعید و مادر و خواهرش در دهکده جذامی ها جای داده می شوند. بن هور پس از نجات یک فرمانده رومی به وطن خود برمی گردد و از دوستش انتقام می گیرد. زمانی که حضرت عیسی مسیح علیه السلام را برای مصلوب کردن می برند، بن هور، مادر و خواهر جذامی خود را نزد ایشان می برد و آنان شفا می گیرند.

این فیلم ۱۳ جایزه اسکار را برد و جزو معدود فیلم های تاریخ سینماست که در هر پنج رشته اصلی جوایز اسکار برنده شده است. ورای فیلم نامه و بازی ها و تکنیک قوی به کار رفته در فیلم، ما شاهد استفاده ابزاری حرکت صهیونیستی ـ مسیحی از آن هستیم. در فیلم می بینیم با وجود گرایش قوی و ضد یهودی مسیحیان که می گویند عیسی علیه السلام به دست یهودیان کشته شد، می کوشند میان یهودیت و مسیحیت نزدیکی ایجاد کنند. بن هور یهودی که به طور طبیعی و بنا بر عقاید خود هرگز نباید عیسی علیه السلام را به عنوان پیامبر و مسیح قبول داشته باشد، برای شفا نزد او می رود و این امر، درست در زمانی اتفاق می افتد که یهودیان به توطئه مصلوب کردن عیسی علیه السلام متهم می شوند.

استفاده ابزاری از فیلم برای اهداف دینی کاملاً مشهود است. از تناقض های موجود نیز به ماهیت پوچ و بی اساس سکولاریسم در هنر و سینما می توان پی برد. حرکت صهیونیستی ـ امریکایی دقیقا دین را با هنر و سینما درهم آمیخته است. گفتنی است در کشور ما نیز جدایی دین از هنر و سینما و به تعبیری سکولاریته کردن هنر طرفدارانی دارد.

در زمینه ترسیم زندگانی معصومین علیهم السلام به ویژه در رسانه تلویزیون، بعد از دهه ۷۰ شاهد رشد چشم گیری بوده ایم. با این حال، این فعالیت ها باید گسترش یابد، ولی به سمت خودباوری و تقلید نکردن از آثار سینمای دینی

وتاریخ پیامبران غربی حرکت شود. نمونه یک آسیب شناسی، طرح نکردن کرامت ائمه در سریال های امام علی علیه السلام، تنهاترین سردار و ولایت عشق، توجیه ناپذیر است. توجیه دست اندرکاران این تولیدات، مبنی بر نپذیرفتن این امور از سوی مردم، منطقی نیست و ناشی از ضعف ایمان آنان و اعتقاد به مکتب های هنری غربی و نبودن خودباوری است. چگونه ما شاهد نمایش کارهای خارق العاده و شبه معجزه و کرامت از موجودات خیالی و وهمی مانند ترمیناتور، پلیس آهنی، غارتگر، مرد عنکبوتی، بت من، ای تی و... هستیم و بیشتر جوانان نیز آنها را باور می کنند، ولی نمی توانیم زنده شدن تصویر شیر روی پرده در مجلس امام رضا علیه السلام با مأمون را باور کنیم؟ چگونه در فیلم ده فرمان، ما هر گونه معجزه ای از موسی علیه السلام را شاهدیم، ولی در آثار اسلامی، در فیلم سکولار محمد رسول اللّه صلی الله علیه و آله، نمی توانیم شق القمر و ردّالشمس را نشان دهیم؟

شاهد دیگر ادعای یادشده آن است که هر چه ایمان و تقوای کارگردانان این سریال ها بیشتر است، ما شاهد به تصویر کشیدن کرامت های بیشتری در آن آثار هستیم. مثلاً در فیلم مریم مقدس، ساخته شهریار بحرانی، بیشتر از امام علی علیه السلام ساخته داوود میرباقری و در امام علی علیه السلام بیشتر از تنهاترین سردار ساخته مهدی فخیم زاده کرامت ها به تصویر کشیده شده اند. نزد اصحاب سینما، آقای بحرانی، کارگردان متعهد و آقای مهدی فخیم زاده، کارگردانی با افکار داداییسمی(۱) و آقای میرباقری دارای افکاری بینابینی شناخته شده است.

۱- جنبشی هنری و ادبی در اروپای غربی که با نسخ فرم های فرهنگی و زیبایی شناختی سنتی به شیوه ای مضحک و با تکیه بر عناصر غیرعقلانی و تصادفی، واقعیت اصیل را جست وجو می کند.

یکی دیگر از آسیب های فیلم های مربوط به پیامبران و ائمه در کشور ما، پرداختن بیش از حد به مقوله زن و ارتباط او با مردان است که با توجیه جذب مخاطب عامی و دراماتیزه کردن اثر، صورت می پذیرد. فمینیسم موجود در برخی آثار و حضور محوری و برجسته زن، دور از شأن این گونه فیلم هاست که بی شک این موضوع را به اثری نگاهی تبدیل می کند. طنزهای مردمی که به جای سریال امام علی علیه السلام، نام «سریال قطام» و به جای سریال امام حسن علیه السلام، نام «سریال جعده» به آنها داده اند، شاهدی برای این نظر است.

به تازگی از افراد مورد اعتمادی شنیده شده است هنگامی که سناریوی سریال امام حسین علیه السلام را به یکی از کارشناسان نشان داده اند، چنین گفته است: «خوب است، ولی باید یک داستان عشقی در آن وجود داشته باشد.» به نظر نگارنده، ما نباید ضعف های داستانی و تکنیکی و به عبارتی، بی هنری خودمان را دست کم در سریال های مربوط به وجود مقدس پیامبران و امامان، با جذابیّت زن پر کنیم. مگر فیلم پربیننده و اثرگذار فرانچسکو که اتفاقا به وسیله یک زن هم کارگردانی شده است، چقدر از حضور زن برای جذاب شدن داستان و حس دراماتیک استفاده کرده است؟

۵. ابلیس (شیطان)

اشاره

۵. ابلیس (شیطان)

در قرآن و روایات به آموزه هایی درباره ابلیس برمی خوریم که برخی از آنها عبارتند از:

الف) رانده شدن از درگاه الهی

الف) رانده شدن از درگاه الهی

امام علی علیه السلام می فرماید:

پس از آنچه خداوند با ابلیس انجام داد، پند گیرید. هنگامی که عمل فراوان و تلاش سختش را به سبب تکبر یک لحظه حبط کرد، در حالی که خداوند را شش هزار سال عبادت کرده بود که دانسته نشده از سال های دنیاست یا از سال های آخرت.(۱)

ب) رهبر متعصبان

ب) رهبر متعصبان

یکی از ویژگی های ابلیس، رهبری همه متعصبان دنیاست. تعصب عبارت از فخر فروشی و حمایت از فرد، گروه، قبیله، ملیّت، کشور و... برای رسیدن به امری پوچ و بی دلیل است. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

فَافْتَخَر عَلَی آدمَ بِخَلْقِه وَ تَعَصَّبَ عَلیهِ لِأَصْلِه فَعُدوُّ اللّه ِ إمامُ الْمُتَعصِّبین... .(۲)

پس ابلیس به سبب خلقتش بر آدم فخر فروخت و به دلیل اصل خلقتش (آتش) بر اوتعصّب ورزید. پس دشمن خدا (ابلیس)، رهبر متعصبان است... .

ج) دشمنی با انسان

ج) دشمنی با انسان

خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید: «إِنَّ الشَّیْطانَ لَکُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا؛ همانا شیطان برای شما دشمن است، پس شما نیز او را دشمن بگیرید». (فاطر: ۶)

همچنین امام علی علیه السلام می فرماید:

اِحْذَرُوا عَدُوّا نَفَذَ فِی الصُّدورِ خَفیّا وَ نَفَثَ فِی الاذان بَخیّا.(۳)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۳- شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۶۸.

از دشمنی حذر کنید که پنهانی در قلب ها نفوذ می کند و در گوش ها نجواگونه وسوسه می کند.

د) ضعف شیطان

د) ضعف شیطان

با همه این صفات، شیطان از نظر قدرت و عقل، موجود ضعیفی معرفی شده است. در قرآن کریم می خوانیم: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطانِ كانَ ضَعِيفًا ؛ همانا مکر شیطان ضعیف است». (نساء: ۷۶)

امام موسی کاظم علیه السلام نیز می فرماید:

فَإِنَّه اَضْعفُ مِنْکَ رُکنا فِی قُوَّتِهِ وَ اَقَلُّ مِنْکَ ضَرَرا فِی کَثَرهِ شَرِّه اِذا اعْتصَمْتِ بِاللّه ِ فَقَدْ هَدیْتَ اِلی صِراطِ الْمُستقیم.(۱)

پس او از نظر قدرت، ضعیف تر از توست و کمترین ضرر را با وجود شرّ فراوانش به تو می رساند، به شرطی که به خدا بیاویزی. پس به راه راست هدایت می یابی.

ه) تسلط شیطان و راه عصمت از او

ه) تسلط شیطان و راه عصمت از او

از منظر معارف اسلامی، تسلط شیطان بر کسانی است که ولایت او را پذیرفته اند. خداوند می فرماید:

إِنَّما سُلْطانُهُ عَلَى الَّذينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَ الَّذينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ. (نحل: ۱۰۰)

تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی گیرند و کسانی که به او [خدا] شرک می ورزند.

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام حدود تسلط او چنین بیان شده است:

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۱۵.

يُسَلِّطُ وَ اللّه ِمِنَ الْمُومِنِ عَلی بَدَنه وَ لا يُسلِّطُ عَلی دِينِه قَدْ سَلَّطَ عَلی ايّوبَ فَشَوَّهَ خَلْقَهُ وَ لَمْ يُسلِّطُ عَلی دينِه ... .(۱)

به خدا سوگند، ابلیس بر بدن مؤمن مسلط می شود، ولی بر دینش مسلط نمی شود. او بر ایوب مسلط شد، پس ظاهرش را زشت کرد، ولی بر دینش مسلط نگشت.

درباره راه های در امان ماندن از شیطان، به مواردی در متون دینی اشاره شده است که از آن میان می توان به این آیه ها اشاره کرد:

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطانٌ عَلَى الَّذينَ آمَنُوا وَ عَلی رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ. (نحل:۹۹)

همانا برای شیطان، بر کسانی که ایمان آوردند و بر پروردگارشان توکل کردند، سلطه ای نیست.

همچنین در پاره ای از روایت های اسلامی، از راه های دیگر نیز سخن به میان آمده است، مانند آویختن به ریسمان الهی، فراوانی ذکر و تسبیح، هر چه انسان برای خود می خواهد برای برادر مؤمنش بخواهد، رضایت به روزی خداوند، ناله نکردن هنگام بلا، خوف راستین از خدا و دعای فراوان.

و) دام های شیطان

و) دام های شیطان

در معارف دینی، درباره دام های شیطان و همچنین ابزار و سپاه او، به مواردی همچون شهوت ها، غضب، لذت ها، زن، شراب، قمار و بت پرستی برمی خوریم. برای مثال، از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «لَيسَ لِابليسِ جُندٌ اَشَدُّ مِن النِّساءِ وَ الْغَضَبِ؛ برای ابلیس، سپاهی قوی تر از زنان و خشم نیست».(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۲۶۴.

۲- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۴۶.

ز) ارزیابی تصویرگری درباره ابلیس (شیطان) (آنچه هست و آنچه باید باشد)

ز) ارزیابی تصویرگری درباره ابلیس (شیطان) (آنچه هست و آنچه باید باشد)

در ابتدا بیان این نکته ضروری است که شیطان در فرهنگ ها و ادیان گوناگون، معنا و تعریف گوناگونی دارد که گاه با یکدیگر متضاد است. برخی، شیطان را به عنوان خدا می پرستند و فرقه ای از زرتشتیان، اهریمن را یکی از دو منبع مؤثر در جهان، در کنار یزدان می دانند. در اعتقادات عامیانه مردمان اروپا، شیطان بیش از حد قدرت دارد، به گونه ای که می تواند انسان را تسخیر کند و اشیای سنگین را به حرکت درآورد. در برخی نحله های آیینی رزمی در شرق آسیا یا عرفان سرخ پوستی نیز آثار و صفات عجیبی برای شیطان تصور شده است. آنچه ملاک و معیار شناخت حقیقت شیطان است، همانا آموزه های دینی است که می کوشیم بر اساس آن آموزه ها، آثار مربوط به شیطان و دجّال (که نزد مسیحی ها فرزند شیطان به شمار می رود) را نقد و ارزیابی می کنیم.

از معدود آثار داخلی در این مقوله، به فیلم هبوط به کارگردانی محسن مخملباف می توان اشاره داشت. این فیلم، داستان تأثیر شیطان را بر عده ای بیان می کند که به یک جزیره پناه برده اند. آثاری از تفکر فولکوریک غربی و فیلم هایی با موضوع شیطان در این اثر به چشم می خورد. در این فیلم، با نفوذ و قدرت بیش از اندازه شیطان، همه افراد کشته می شوند و فقط یک نفر جان سالم به در می برد.

در انیمیشن های پیامبران نیز که مؤسسه صبا به سفارش صدا و سیما تولید کرده، به مقوله وسوسه های شیطان درترویج گوساله پرستی در بنی اسرائیل

و... پرداخته شده است.

در فیلم سینمایی داستان آفرینش که از تولیدات پنج گانه هالیوود برای پیامبران اولوالعزم است، می بینیم که شیطان برای فریب دادن آدم علیه السلام و خروجش از بهشت، به صورت ماری وارد می شود و او را به خوردن میوه درخت ممنوعه تحریک می کند. در فیلم سینمایی عیسی علیه السلام که آن هم در ردیف فیلم های یادشده است، شیطان در چند جا ظهور دارد. هنگام ریاضت ها و سختی های عیسی علیه السلام برای رسیدن به مقام نبوت، در بیابانی بر او ظاهر می شود و گنج های فراوانی از طلا را به وی می نمایاند که البته عیسی علیه السلام فریب شیطان را نمی خورد. سپس او را به بالای معبد هیکل می برد و به او می گوید اگر خداوند می تواند تو را نجات دهد، پس خود را به زیر بینداز.

البته روایت های اسلامی بر این جریان صحّه گذارده اند که روایات آن در پی می آید، ولی اینکه شیطان قدرتی داشته باشد که انسان را به بالای ساختمان بلندی منتقل کند (آن هم یک پیامبر اولوالعزم را) با معارف اسلامی هم خوانی ندارد و شاید نتیجه خلط آن با همان فرهنگ عامیانه اروپایی است. اینکه به جای دیوار، بلافاصله، داستان با معبد هیکل و قوم یهود گره می خورد، بیانگر سیاست های پشت پرده حرکت صهیونیستی _ مسیحی است.

این واقعه در روایات اسلامی بدین گونه نقل شده است: «ابلیس نزد عیسی علیه السلام آمد و گفت: آیا تو فکر می کنی که مردگان را زنده می سازی؟ عیسی علیه السلام گفت: بله. شیطان گفت: پس خودت را از بالای یک دیوار به زیر بینداز.

عیسی علیه السلام گفت: وای بر تو! بنده هیچ گاه خدای خود را آزمایش نمی کند».(۱)

در جایی دیگر از این فیلم، هنگامی که عیسی علیه السلام با حواریون خود، سوار بر قایق، به جزیره ای می رسند، مرد برهنه ای را می بینند که شیطان در او حلول کرده است. حواریون قصد آزار و راندن او را دارند که عیسی علیه السلام مانع می شود و با دم مسیحایی خویش، شیطان را از وجود او بیرون می راند.

درباره خروج شیطان از بدن افراد یا حیوانات و اماکن، بدون در نظر گرفتن سندیّت تاریخی آن، باید گفت که بسیاری ازخرافه ها و تحریف ها با فرهنگ عامّه درهم آمیخته است. این سوژه، دست مایه فیلم های فراوانی از جمله کلبه وحشت، روز شیطان، جن گیر ۱ و ۲، مرده شیطانی ۱ و ۲ و ۳، طالع نحس، جن زدگی و... قرار گرفته است.

اکنون به صورت فشرده، به نقد برخی فیلم ها و بیان خرافه ها و تحریف های صورت پذیرفته، می پردازیم. شاید بهتر بود باتوجه به یکی نبودن شیطان و جن، عنوان فیلم جن زدگی به «شیطان زدگی» تغییر می یافت (چنان که فیلم جن گیر نیز در حقیقت باید «شیطان گیر» باشد). فیلم جن زدگی به کارگردانی جان دوبونت، تولید سال ۱۹۹۹ امریکاست. وانس که شبانه روز در خدمت مادر تازه از دست رفته اش بود، با دیدن یک آگهی از دکتر دیوید، برای مطالعه درس به گروه او می پیوندد. این گروه باید به مدت یک هفته در خانه ای معروف به مکان ارواح به سر ببرند. در این مکان، نامه ای که با خون نوشته شده است، روی یک قاب عکس یافت می شود. وانس

۱- بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۲۵۲.

می پنـدارد خانه می خواهد با او ارتباط برقرار کند. به نظر او یک روح شـیطانی به همراه کودکانی که به قتل رسانده، در خانه سرگردان است، ولی دیگران حرف های او را باور نمی کنند. وانس، رفته رفته دچار از هم پاشـیدگی ذهنی می شود که نتیجه آزار ارواح شـیطانی است که گه گاه بر او ظاهر می شوند. دیگران نیز متوجه حضور این ارواح می شوند و می کوشند از خانه فرار کننـد، ولی درهـای آهنی بـا زنجیر بســته می شـود. وانس نیز ماننـد دیگران، عـاقبت کشــته می شـود و روحش بـه ارواح کودکان دیگری می پیوندد که اسیر روح شیطانی بوده اند.

فیلم نامه ضـعیف این فیلم، بسـیار آزاردهنده است. بازی وانس به گونه ای است که در برزخ «تسـخیر شدگی به دست شیطان» به سـر می برد، ولی دقیقـا وارد تیپ کلاسـیک این مقوله نمی شود؛ یعنی احساس می شود او برای جلب توجه مخاطبان به این موضوع نزدیک شده است، در حالی که این مطلب به گونه ای شایسته پردازش نشده است.

افزون بر اینهـا، قـدرت اغراق شـده شـیطان در تسـخیر انسـان ها یا انتقال اشـیا و بسـتن درها با زنجیر بر اساس ویژگی هایی که گفتیم، صـحیح نیست. شـیطان در این موارد بسـیار ضـعیف است و تنها بر کسانی که دل به او بسـپارند، آن هم در حدّ گمراه کردن، نفوذ دارد. راه های گمراهی او نیز مشـخص است: شـهوت پرستی، غضب، لذت پرستی، زن پرستی، شـراب، قمار و... . راه هایی نیز برای فرار از شـیطان معرفی شـده است که به دلیل کاهش مخاطبان ژانر وحشت، شایـد به مـذاق سازنـدگان چنین آثاری خوش نیاید، ولی عبارتند از: ایمان، توکل به خدا، ازدیاد ذکر و دعا، پناه بردن به خدا و خوف راستین از او.

به نظر نگارنـده، ایمان و اخلاص، شـرط اساسـی در ساخت آثار مربوط به شـیطان است؛ زیرا اگر این دو وجود نداشـته باشـد، حتی به فرمایش بزرگان، هنگام سـخن گفتن از شـیطان، او داخل می شود و با هزاران حیله می کوشـد انسان را منحرف کنـد. شاهد جالبی که در این زمینه به نظر می رسد، این است که با وجود اینکه مال پرستی از راه های شیطان برای گمراه کردن بشر است، ولی در ساخت این آثار، بیش از هر چیز به جذب مخاطب و پول پرستی و به اصطلاح سینمایی «گیشه» توجه می شود.

در فیلم مرده شیطانی ۲، به کارگردانی سام رایمی که تولید سال ۱۹۸۶ امریکاست، می بینیم اش یکّه و تنها در خانه ای درون جنگل که به وسیله شـیطان تسـخیر شـده است، باید با ارواح خبیثه و دوسـتان مرده اش مبارزه کند. پس از مدتی، همه اشـیای خانه حرکت می کننـد و ناگهان روح شـیطان به دسـتاش وارد می شود و او مجبور می شود آن را قطع کنـد. چنـد محقّق برای بررسـی خانه به آنجا می آیند و با او روبه رو می شوند. در طول فیلم، رفته رفته هر یک از افراد به تسـخیر شیطان درمی آیند و در پایان فیلم، اش باقی می ماند و به دنیای دیگری سفر می کند.

این فیلم نیزماننـد نمونه های مشابه، با خیال پردازی ها و اسـتفاده از خرافه های فرهنگ عامه، در پی ترساندن و هیجان آفرینی در مخاطبـان و درنتیجه، بیشتر سـرکیسه کردن آنـان است. این توهم هـا و داسـتان های خیال پردازانه، با آموزه های اسـلام هم خوانی ندارد، هر چند مانند دیگر مقوله های ماورایی، در معارف دینی ریشه داشـته و موضوع آن را از آموزه های دینی گرفته باشد. حال که جهان، دوباره به موجودات و مسائل

ماورای طبیعی توجه کرده است؛ وظیفه فیلم سازان متعهد و مسلمان در ترسیم الگوی ناب و سازنده اسلامی، دو چندان می شود.

یکی از خرافه هایی که در این ژانر به چشم می خورد، استفاده از صلیب و بردن نام مصلوب، یعنی مسیح علیه السلام برای خروج روح شیطان از فرد است که نمونه های آن را در جن گیر ۱ و ۲، کابوس ۳ و... می بینیم. بر اساس آیات قرآن کریم، عیسی مسیح هرگز به صلیب کشیده نشد و این امر بر آنان مشتبه گشت. پس چیزی که وجود خارجی نداشته و صرفا زاده اشتباه و تصور افراد است، هرگز نمی تواند اثرگذار باشد.

در تاریخ جهان، بسیاری از مفاهیم، به دلیل شباهت هایی با یکدیگر آمیخته اند که می توان به بیماری صرع یا تشنّج مادرزادی یا تسخیر شدن به دست جن یا شیطان و همچنین بیماری خبط و توهم اشاره کرد. در آثار سینمایی نیز در بسیاری از موارد، این مباحث درهم آمیخته است که البته از سینمای زاییده یهود که پول یاب است، نه «حقیقت یاب»، توقعی جز این نمی رود. فیلم سازان متعهد اگر بخواهند بر اساس آموزه های اسلام، تولیداتی در این زمینه داشته باشند، باید بدانند که این موارد می توانند شیطان را طرد کنند و او را به زانو در آورد: «روزه، رویش را سیاه می کند؛ صدقه و انفاق، پشتش را می شکند؛ دوستی وعشق در راه خدا و پناه آوردن به کار نیک، نسل او را برمی اندازد و استغفار، شاهرگ او را قطع می کند».(۱)

فیلم سینمایی ژاندارک نیز به نوعی به مقوله شیطان و وسوسه او

۱- بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۳۸۰.

می پردازد. این فیلم که در سال ۱۹۹۹ در فرانسه و به کارگردانی لوک بسون تولید شده، مربوط به قرن ۱۵ میلادی است. در آن زمان، انگلیسی ها، فرانسوی ها را در نبردهای گوناگون شکست می دادند. ژاندارک، دختر نوجوان فرانسوی ادعا می کند از سوی خداوند برگزیده شده است تا انگلیسی ها را شکست دهد و فرانسه را آزاد کند. ایمان ژاندارک چنان قوی است که سبب اثرپذیری مردم و سپس سران حکومت فرانسه می شود. مردم برای آخرین راه نجات و فرار از شکست در مقابل انگلیسی ها، به ایمان مذهبی او متوسل می شوند. ژاندارک به فرماندهی سپاه فرانسه منصوب وموفق می شود در چند جنگ، ارتش انگلیس را شکست دهد و به عنوان قدیس در میان مردم فرانسه معروف می شود. در پایان، وی به اسارت ارتش انگلیس درمی آید و به جرم ادعایی کفرآمیز از سوی کشیش ها به مرگ محکوم می شود و در آتش می سوزد. ترجیع بند فیلم، ما را دچار این شک می کند که مکاشفات ژاندارک از سوی خداوند و مسیح علیه السلام انجام شده یا به وسیله شیطان صورت پذیرفته است. در نهایت، فیلم به سبک فیلم های جدید سینمای اندیشه، پاسخ روشنی به این نکته نمی دهد و آن را به نظر بیننده محوّل می کند، هر چند گرایش به مکاشفات شیطانی در فیلم قوی تر احساس می شود.

نکته دیگر این است که اصولاً ـ چرا فیلم هایی با موضوع شیطان، معمولاً ـ در ژانر وحشت قرار می گیرند و برای ترساندن مخاطبان به کار می روند؟ پاسخ این پرسش، شاید افزون بر دلیل سنتی سینما؛ یعنی درآمد و گیشه، در این نکته نهفته باشد که بنا بر فرمایش قرآن کریم: «إِنَّما ذلِکُمُ الشَّیْطانُ یُخَوِّفُ أَوْلِیاءَهُ؛

همانا شیطان، پیروان خود را می ترساند». (آل عمران: ۱۷۵)

سیاست شرکت های فیلم سازی که بیشترشان زاده اندیشه زرسالاران یهودی هستند و ذات و رفتاری شیطانی دارند، نباید چیزی جز این باشد. امروزه برجسته ترین مصداق دجّال، صهیونیسم مسیحی است و مرکب یا خر دجّال، رسانه ها هستند. بنا بر نظر مسیحی ها، دجال فرزند شیطان است. اگر این نظریه درست نباشد، دست کم کارها و رفتار وی شیطانی است. با این توضیح درمی یابیم که حرکت صهیونیستی ـ مسیحی همچون شیطان، برای گسترش قدرت خود، به ترساندن بشر می پردازد. جالب اینکه این ترفند، تنها در دل پیروان شیطان و افراد سست ایمان اثر می کند و کسانی که بنا بر فرمایش قرآن کریم، به خداوند پناه ببرند، از شرّ و مکر شیطان در امانند.

در یک کلام درباره نقد تصویر شیطان و موجودات مشابه در فیلم، می توان ادعا کرد که این آثار تا کنون سرشار از تحریف ها و افراط و تفریط ها بوده و تا کنون هیچ فیلمی نتوانسته است حقیقت و باطن شیطان را درست و بر اساس آموزه های اسلام نشان بدهد. حتی می توان ادعا کرد که آثار تولیدشده، خود، حجاب و سدّ راه شیطان شناسی و ترسیم تصویر صحیحی از اوست که این هم از حیله ها و دسیسه های شیطانی سرچشمه می گیرد.

۶. دجّال

اشاره

۶. دجّال

در فرهنگ مسیحی و در پی آن، در بسیاری از فرهنگ ها و ادیان، دجال، زاده شیطان است و نیرویی است در مقابل مسیح که پسر و زاده خداوند است. بحث از دجال در معارف یهودی، مسیحی و اسلامی و جز اینها، در

اسطوره هایی که از فرجام جهان خبر می دهند، آمده است.

دجال، چهره ای است اهریمنی که با فتنه انگیزی های آخرالزمان ارتباط دارد. او دیرزمانی است که زنده است و تا روز موعود رخ نخواهد نمود. دجال در فرهنگ ها به معنی کذّاب و دروغ باف آمده است. برخی نیز آن را ضدّ خدا، مرکب از (دج یا دژ = ضد) و (آل = خدا)(۱) و ضد مسیح(۲) معنی کرده اند. دجال مدعی چرخاندن چرخ (منتهی در جهت معکوس حرکت طبیعی) است. در سنت مسیح، او ظهور ثانوی مسیح است و نقش او را به گونه ای مسخره آمیز تقلید خواهد کرد.(۳)

در فرهنگ اسلامی، دجال صائد بن صائد و باکنیه ابویوسف است که در آخرالزمان و پیش از ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف می آید و در دوره چهل روزه یا چهل ساله خود، دنیا را پر از کفر و ستم می کند که سرانجام، مهدی موعود او را از بین می برد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در پاسخ اصبغ بن نباته که درباره دجال از آن حضرت پرسید، چنین فرمود:

آگاه شوید که دجال، صائد بن صید است و شقی است کسی که او را تصدیق کند و سعید کسی است که او را تکذیب کند. در بلده ای که

۱- محمدرضا قاسمی، جهان در سیطره صاحب الزمان، مشهد مقدس، نشر الف، ۱۳۶۷، چ ۱، ص ۱۲۳.

۲- Antichrist.

۳- رنه گنون، سیطره کمیت و علایم آخرالزمان، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۳.

اصفهان نام دارد و از دهی که معروف به یهودیه است، خروج می کند. چشم راست او از اصل، خلقت ندارد، به گونه ای که گودی حدقه اش نیست و چشم دیگرش که در پیشانی اش هست، مانند ستاره صبح است و در چشمش مانند پاره ای گوشت، چیزی گویا با خون، ممزوج است. در میان دو چشمش لفظ کافر نوشته شده، به طوری که همه آن را می خوانند، خواه نویسنده باشد و خواه نه.

به درستی که بسیاری از پیروان او در آن روز، اولاد زنا و صاحبان طیالسه(۱) هستند.(۲)

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نیز روایتی نقل می کند که در روز اول خروج دجّال، هفتاد هزار از یهود واعراب و زنان و علاقه مندان به شرب خمر و اصحاب لهو و لعب به او می پیوندند. جادوگران انسی و جنّی دور او جمع می شوند و ابلیس و شیطان های سرکش، همراه او هستند.(۳)

از دجّال در مکاشفه یوحنّا، به صورت غولی یاد شده است که از چاه بی ته بیرون خواهد آمد و به مبلغان آیین خداوند اعلان جنگ خواهد داد.(۴) افزون بر این، روایت های عامّه از ظهور وی از نقطه ای به نام چاه دجال سخن گفته اند.

دجال را با هیبتی عجیب توصیف کرده اند: «صورتی دارد آبله رو که یک

۱- پارچه ای است که مانند ردا بر سر و دوش انداخته می شود.

۲- بحارالانوار، ج ۱۳، صص ۴۷۱ و ۴۷۲.

۳- سید محمدحسن موسوی کاشانی، جهان درآینده، مشهد مقدس، نشر الف، ۱۳۶۷، چ ۱، ص ۲۴۵.

۴- انجیل عیسی مسیح علیه السلام، مکاشفه یوحنا، ص ۳۴۵.

چشم او منع شده و چشم دیگرش در وسط پیشانی مانند ستاره صبح می درخشد و کله اش به اندازه کوه بزرگی است و قدش نزدیک به بیست ذراع و به روایت طبری، تمام آب دریاها تا زانوی او بیشتر نباشد».(۱)

همچنین روایت های اسلامی، نشان دهنده آن است که او برای مدتی بر سرتاسر زمین مسلط خواهد شد و به جز مکه، مدینه و بیت المقدس، تمام دنیا را زیر سلطه خود خواهد گرفت. برخی امور خارق العاده از او سر می زند که بی شک، معجزه نیست، ولی احتمال دارد نوع پیشرفته ای از سحر و جادو باشد یا دست آورد علوم دیرین است که در خدمت اهداف و مقاصد شیطانی درآمده است و عملی اعجازگونه و شگفت می نماید. دهخدا در لغت نامه خویش، خر دجال را این گونه معرفی می کند: «خر دجال، درازگوشی که دجال بر آن نشیند، چون بیرون آید.» وی بیتی به عنوان شاهد از سعدی نقل می کند:

چون سگ درنده، گوشت یافت

نپرسند کان شتر صالح است یا خر دجال

حذیفه به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مرکب دجال می گوید:

او سوار الاغ بی دمی می شود که فاصله بین دو گوش او چهل ذرع است،

۱- فرهنگ اساطیر، ص ۱۹۰.

به گونه ای که هفتاد هزار از یهود که لباس بلند دارند، می توانند زیر دو گوش او سایه بگیرند.(۱)

در روایت دیگری از پیامبر آمده است:

دجال شهرها را می گردد؛ در حالی که سوار بر چهارپایی است که مانند ماه است و شیاطین او را همراهی می کنند.(۲)

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

برای دجال، خری سرخ رنگ است که طول آن شصت قدم است، همه زمین را درمی نوردد مگر مکه و مدینه و بیت المقدس را.(۳) هر قدم الاغش یک میل است که وجب به وجب زمین را برای او راه می رود.(۴)

در خبری از کعب الاحبار است که: «دجال خروج می کند در حالی که بر خری نشسته است که چشمانش حدقه ندارد. مارها از او خارج می شود و پشت کمرش برجسته است.»(۵) می گویند از هر موی خر دجال، نغمه ای به گوش می رسد و آن نغمه ها سبب جذب مردم سست ایمان و ناپرهیزکار است.(۶) هر چند کعب الاحبار فرد مورد اطمینانی نیست، ولی به دلیل اینکه فقرات روایت از حیث متن، با احادیث دیگر تأیید شده است، این روایت نقل شد. در منابع مسیحی نیز به روایت های مربوط به دجال برمی خوریم.

۱- جهان درآینده، ص ۲۵۳.

۲- جهان درآینده، ص ۲۴۶.

۳- جهان درآینده، ص ۲۴۲.

۴- جهان درآینده، ص ۲۴۴.

۵- جهان درآینده، ص ۲۴۹.

۶- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۹۷۳.

برای نمونه، در رساله اول یوحنّا چنین آمده است: «و هر روحی که عیسی را انکار کند، از خدا نیست. این است روح دجّال که شنیده اید که او می آید و الان هم در جهان است.» در همین منبع داریم: «دروغ گو کیست جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند و آن دجّال است که پدر و پسر را انکار می کند».

با بررسی و تأمل در این گونه روایات مسیحی درمی یابیم که مشترکات فراوانی میان آنها و روایات اسلامی وجود دارد، مانند دروغ گو بودن دجال، ضدیت دجال با خدا و اولیای الهی، وعده حتمی به آمدن دجال در آخرالزمان، اعتقاد به دجال در تاریخ گذشته و... .

در تعبیر، تفسیر و انطباق دجال با پدیده های زمان حاضر، نظریه های فراوانی به چشم می خورد. با مراجعه به کتاب ها و منابع گوناگون، توانستیم مواردی را به دست آوریم. باید گفت نشانه هایی مورد بحث قرار گرفته اند که با وجود منابع گوناگونشان در ادیان و فرهنگ ها، به گونه ای با آموزه های دینی در این باره منطبقند.

۱. پیروان مسیح به هر موجود ضد مسیح، دجال می گویند. ظهور دجال پیش از آمدن پسر آدم(مسیح) پیش گویی شده بود و برای اولین بار در رساله سنت جان به کار رفته است. پادشاه جنگ جوی یأجوج و مأجوج (در کتاب حزقیل نبی)؛ نرون، امپراتور خون خوار رومی؛ شمعون سامری (ساحری که سبب تحریف دین یهود گشت) و گاهی شخصیت های بزرگ اسلام که با مسیحیت محرَّف درافتاده اند، در تاریخ یهود و مسیحیت به عنوان دجّال معرفی شده اند. افزون بر آن، کاتولیک ها، مارتین لوتر (رئیس فرقه پروتستان) و متقابلاً آنها پاپ (رئیس کلیسای کاتولیک) را دجال دانسته اند. زمانی نیز به

امپراتوران بیزانس (وابسته به روم شرقی) دجال گفته می شد.

۲. در فیلم پیش گویی های نوستر آداموس که در امریکا ساخته شده است، کوشیده اند به ترتیب: ناپلئون، هیتلر و مهدی موعود را دجال معرفی کنند.

۳. زنده یاد دکتر شریعتی، دجّال را یک شخص نمی داند و تصریح می کند که دجال باید یک حرکت و نهضت بزرگ اجتماعی باشد.

۴. در گفته های برخی بزرگان معاصر، مصداق دجال، همانا استکبار و استعمار جهانی است.

۵. در فرهنگ فولکلوریک، دست کم درباره مردم ایران، نظام فاسد حاکم بر جهان به نوعی به عنوان دجال پذیرفته شده است و نمودهای آن را خر دجّال می نامند. برای مثال، نگارنده، بارها در مناطق گوناگون کشورمان شنیده است که درباره تلویزیون می گویند: «آن خر دجال را خاموش کن».

۶. آقای محمدرضا قاسمی، نویسنده کتاب جهان در سیطره صاحب الزمان عج الله تعالی فرجه الشریف معتقد است که دجال، فرمانده سفینه های فضایی است. وی با کمک همراهان خود؛ یعنی گروهی از یأجوج و مأجوج و موجودات سبزپوش، سوار بر یوفوها(۱) برای فسادانگیزی و مقابله با منجی آخرالزمان از فضا به زمین می آیند.

۷. نگارنده معتقد است یکی از مصداق های دجال، حرکت صهیونیسم مسیحی است که گرچه ریشه های آن، هزاران سال در تاریخ امتداد دارد، ولی در دهه های اخیر، انسجام و ظهور اصلی خویش را نمایانده است. با این

۱- U.F.O مخفف اشیاء پرنده ناشناخته یا Unknown Flying Objects است.

فرض، مرکب یا خر دجال نیز رسانه های صهیونیستی با نماد بودن ماهواره های مخابراتی _ جاسوسی است.

پس از بیان چند نکته به بیان دلایل این نظریه می پردازیم.

۱. در سخنان پیامبر اسلام، تعبیر دجاله ها آورده شده که به وجود چند دجال اشاره می کند. بنابراین، این بحث انطباقی، مستلزم انکار دیگر مصداق های دجال نیست.

۲. باید توجه داشته باشیم که واژه های مسیح، ضد مسیح و ضد خدا، واژه هایی متغیر و دارای مصداق های چندگانه است. تلاش برای محدود کردن واژه های مسیح و دجال در یک فرد یا گروه واقع بینانه نیست. مسیح به عنوان مسح شده خداوند، برای تبرک و اصلاح انسان ها، فقط به حضرت عیسی علیه السلام گفته نمی شود، چنان که پیروان یهود نیز مصداق مسیح را فرد دیگری می دانند که در آخرالزمان متولد می شود. زمانی حضرت عیسی علیه السلام مصداق مسیح بوده است، ولی در زمان های دیگر، پیامبران و در آخرالزمان حضرت محمد و اوصیای وی و در زمان ما، وجود مقدس ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف، مسیح زمان هستند. بنابراین، ضد مسیح یا دجال، هر فرد، گروه یا نیروهای ضد امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف، ضد اسلام و ضد خداست.

۳. طرفداری از مسیح یا ضدیّت با آن، با ادّعا ثابت نمی شود. قوم یهود و مسیحی ها همواره خود را طرفداران و هواداران مسیح معرفی کرده اند؛ زیرا خود را فرزندان و دوستان خدا می پندارند. مسیحی ها به عنوان طرفداری از مسیح علیه السلام به مدت چند قرن جنگ های صلیبی را علیه مسلمانان به راه انداختند و قوم یهود، علاوه بر نافرمانی های خود در زمان موسی علیه السلام

می خواستند حضرت عیسی علیه السلام را به قتل برسانند و همواره با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اسلام درگیری داشته اند. بر اساس روایت ها، همین نیروها پس از پیمان صلحی که میان امام زمان و آنان، پس از پاک سازی کشورهای اسلامی برقرار می شود، پیمان آن حضرت را می شکنند و درگیر می شوند. همه می دانیم که عیسی علیه السلام به عنوان یکی از یاران ویژه در سپاه حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف حضور دارد. بنابراین، پس از ظهور امام نیز حقیقت ضدّ مسیح واقعی که همان پیروان ادعایی وی هستند، آشکار می شود.

اینک دلایل و شواهد عقلی و نقلی نظریه یادشده در پی می آید: اول اینکه برای دجال، معانی متفاوتی در کتاب های معتبر لغت آورده شده است که دقت در این معناها، راه گشاست: کذّاب، دروغ گویی که روی خود را پوشانیده؛ فردی یهودی که در آخر دوره امت اسلام ظهور می کند؛ باطلی که خود را حق جلوه می دهد؛ کسی که با زیادی خود، زمین را می پوشاند؛ کسی که با کفرش، مردمان را فرو می پوشاند؛ مدعی خدایی؛ چیزی که بیشتر نواحی روی زمین را دربرمی گیرد.(1) از نظر معنیِ آخر، دجال با دجله هم ریشه است. رود دجله را از آن جهت دجله گفته اند که گاهی طغیان می کند و نواحی اطراف خود را می پوشاند.

با تأمل در معانی واژه دجال درمی یابیم که این معانی به گونه حیرت انگیزی بر حرکت صهیونیسم مسیحی منطبق می شود. برای بررسی این حرکت اجتماعی و سیاسی که با نومحافظه کاران و مسیحیت از نو

۱- فرهنگ لسان العرب، واژه «دجل»؛ لغت نامه دهخدا، واژه «دجال».

تولـد یافته یا مسیحیت تقـدیرگرا ارتباط نزدیک دارد، بایـد به کتاب ها و مقاله های خاص مراجعه کرد. خوش بختانه در سال های گذشته، آثار روشن گر و درخور توجهی در این باره منتشر شده است.

درباره کـذاب بودن یا دروغ گویی که روی خود را پوشانده است، می توانیم به این معنا توجه کنیم که حرکت یادشده، مبنا و اصول کـار خود را بر دروغ و فریب بنـا نهـاده است و اصولاًـ سیاست را از دروغ گویی و نیرنگ جـدا نمی دانـد. همچنین در بیشتر ادعاهای خود مانند آزادی، حقوق بشر، عدالت، صلح و... چیزی جز دروغ گویی و نیرنگ در ورای این شعارهای زیبا و عوام فریب اراده نکرده است. جـالب آنکه بخش زیـادی از این پوشانیـدن چهره، از سوی مرکب یـا خر دجـال که همان رسانه هـای دنیـای امروز است، صورت می پـذیرد. اگر کسـی بخواهـد چهره این حرکت را در فیلم هـا و مطبوعـات و تلویزیون های غربی بنگرد، چیزی جز آزادی، رفاه، آسایش و زندگی شیرین نمی بیند، حال آنکه واقعیت های امروزی جهان، چیزی جز این است. همچنین دجـال در معرفی کردن مسـلمانان به عنـوان تروریست و رژیم نامشـروع اسـرائیل به عنوان مـدافع صـلح و منجی معرفی کردن امریکا در عراق و افغانستان، چیزی جز خط دروغ را پی نمی گیرد.

داعیه خدایی دجال، همان اومانیسم یا انسان محوری است که محتوای آن، چیزی جز ادعای خدایی کردن انسان و جای گزین شدن اراده انسان به جای اراده الهی نیست. معنای «پوشانیدن روی زمین با کثرت خود یا پوشـش بیشتر نواحی زمین» نیز چیزی جز نظم نوین جهانی و پدیده جهانی سازی نیست که به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در تمام جهان از جمله

خاورمیانه پی گیری می شود.

ظهور دجال از جایگاهی یهودی

ظهور دجال از جایگاهی یهودی

وی یک چشم است که کنایه از چشم دنیابین و مادی گرای اوست. از روایت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «برادرم موسی با چشم چپ نگاه می کرد و بدین سبب امت وی اهل دنیا شدند»، می توان این نکته را دریافت.

از ویژگی های یک چشم او که در پیشانی اش هست، تشبیه آن به ستاره صبح است که هم می تواند اشاره به ستاره داوود باشد که نماد صهیونیسم است و نیز می تواند به ماهواره های مخابراتی ـ جاسوسی وابسته به حرکت صهیونیسم مسیحی اشاره داشته باشد. ماهواره ای که هنگام صبح، حتی بعد از ناپدید شدن ستارگان، مانند ستاره ای درخشان در افق دیده می شود.

یکی از معانی واژه «عین» نیز جاسوس است. ناگفته پیداست که حضرت علی علیه السلام این حرکت را به یک انسان تشبیه می کند و نماد دوران فضا، یعنی ماهواره را به چشم آن انسان شبیه دانسته است. اگر فردی بخواهد جریان های پانزده قرن آینده را برای ما بیان کند، راهی جز تشبیه به محسوسات ما ندارد تا چه برسد به اعراب هم عصر امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف .

ممزوج بودن یک چشم دجال با خون، شاید به این نکته اشاره می کند که وی برای رسیدن به قدرت مادی خود و سیطره بر زمین، راهی جز ریختن خون انسان های بی گناه ندارد. بنابراین، خون ریزی جزو ذات این حرکت است.

نام دجال، صائد بن صید یا صائد بن صائد به معنی شکارکننده، فرزند شکارکننده است که تعبیری از ماهیت دام افکنی و شکارکننده ملت ها به ویژه امت اسلامی و عربی دارد. این کار بیشتر به دست رسانه های حرکت

صهیونیسم مسیحی انجام می پذیرد. پیداست که رسانه های موجود جهان، از رادیو و تلویزیون گرفته تا ماهواره ها، مطبوعات، سینما و اینترنت، مولود این حرکت است و صاحبان اصلی رسانه های یادشده یهودی ها هستند. همچنین کنیه او «ابویوسف» بیان شده که شاید نشانه به کارگیری زیبایی مادی و تکنیک های هنری و اصول زیبایی شناسی در رسانه های این جریان است.

مکتوب بودن لفظ کافر در میان دو چشم وی که باسواد و بی سواد آن را می خوانند، کنایه از ماهیت الحادی و اومانیسمی این جریان است که امروزه چهره آنان برای هر عامی و تحصیل کرده ای هویداست.

پیروان دجال در آن روز، اولاد زنا و صاحب رداهای سبز نامیده شده اند که اولی مبرهن است. دومی شاید اشاره به بزرگان یهودی و مسیحی؛ یعنی خاخام ها و پاپ ها باشد که معمولاً چنین رداهایی به تن دارند یا سران برخی از کشورهای عربی که در مراسم های ویژه از چنین لباس هایی استفاده می کنند.

در روایت امام صادق علیه السلام به نقل از مفضل آمده است که تابعان دجال از یهود، اعراب، زنان و علاقه مندان به شراب خواری و اصحاب لهو و لعب هستند و جادوگران انسی و جنی و ابلیس همراه اویند.

در مکاشفه یوحنا، دجال به صورت غولی یاد شده که از چاه بی ته بیرون می آید و به مبلغان آیین خداوند، اعلان جنگ خواهد داد. تشبیه او به غول، بیان گر ماهیت غیرانسانی و حتی ضد انسانی وی است. اعلان جنگ به مبلغان آیین خداوند را نیز می توان بر درگیر شدن آنها با ایران اسلامی پس از انقلاب به رهبری امام خمینی رحمه الله یا دیگر حرکت های آزادی بخش اسلامی و

درنهایت، درگیری با سپاه مهدی موعود عج الله تعالی فرجه الشریف تطبیق کرد.

بزرگی غیرطبیعی جثّه وی و سر و زانو و قد او، شاید کنایه از عظمت ظاهری و دنیوی وی باشد که امروزه، این جثه بزرگ تقریبا بر تمامی جهان مادی سایه انداخته است. از روایت های اسلامی، این نکته برمی آید که او برای مدتی بر سرتاسر زمین، به جز مکه و مدینه و بیت المقدس مسلط خواهد شد.

سرزدن امور خارق العاده از دجال که چیزی شبیه معجزه است، به دو امر تأویل شده است: یکی، نوع پیشرفته ای از سحر و جادوست که به نظر نگارنده، سحر و جادوی بنی اسرائیل که زمانی در گوساله سامری ظهور داشت، امروزه از قالب سینما به سرکردگی هالیوود و به طور کلی رسانه ها سربرآورده است. برای نمونه هم به مورد زیر می توان اشاره کرد: پس از حمله ۲۰ شهریور (۱۱ سپتامبر) تنها ۱۷ درصد مردم امریکا موافق حمله به طالبان و افغانستان بودند وتنها پس از سه ماه، با جنگ تبلیغاتی که با کمک فیلم ها و رسانه ها انجام شد، این آمار به ۷۳ درصد رسید. این موارد را اگر سحر همگانی مردم ندانیم، پس چه باید نامید.

دومین تأویل از این امور خارق العاده، به کارگیری علوم دیرین در خدمت اهداف شیطانی است که این نیز در علوم فنی و تکنولوژی کاملاً مشهود است.

از ویژگی های مرکب دجال که به الاغ تشبیه شده است، فاصله ۴۰ زرعی میان دو گوش، داشتن طولی معادل ۶۰ قدم، رنگ سرخ فام و بی دم بودنش است. جالب اینکه با این طول و عرض، هفتاد هزار نفر از یهود می توانند زیر

سایه آن پناه بگیرند. این موضوع ما را به این نکته رهنمون می کند که این مرکب باید در فضا باشد تا سایه آن چند برابر بزرگ تر شود تا هفتاد هزار نفر بتوانند در زیر سایه آن جمع شوند. بر اساس محاسبه های نگارنده، اگر این جسم در فاصله کمی از زمین قرار داشته باشد، کمتر از ده هزار نفر آن هم به صورت فشرده می توانند در سایه آن قرار گیرند، ولی فقط در ارتفاعی بالاـ می تواند سایه ای ایجاد کند که این تعداد در آن پناه بگیرند. احتمال این نیز می رود که مراد از زیر سایه خر دجّال قرار گرفتن، پناه گرفتن یهود و مخفی کردن ماهیتشان در حمایت ماهواره باشد. تشبیه خر دجال به ماه، در روایتی که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیان شد به دور زمین می چرخد و با توجه به اینکه در فارسی ما به این اشیا، ماهواره می گوییم، هر گونه تردیدی را در این زمینه از میان برمی دارد.

از ویژگی های خر دجال آن است که چشمانش حدقه ندارد. پشت کمرش برجسته است و مارها از او خارج می شوند. از هر موی او نغمه ای خارج می شود و آن نغمه ها سبب جذب مردم سست ایمان و ناپرهیزکار می شود. اگر امروزه کسی می خواست دیش یا پلات را که وسیله ارسال امواج مغناطیسی به وسیله ماهواره هاست، توصیف کند، شاید زیباتر از بیان ائمه در قرن ها پیش نمی توانست این کار را انجام دهد. تشبیه دیش به چشم، آن هم چشمی که توخالی است و حدقه ندارد و پشت کمرش برجسته است، بسیار رسا است.

به نظر نگارنده، آنچه به مار یا مو تشبیه شده است، شکل امواج ارسالی است. امروزه در علم الکترونیک برای نشان دادن موج، شکل سینوسی را که شبیه ماری در حال حرکت است، ترسیم می کنند. همچنین نشانی تمام

سایت های اینترنتی با سه دبلیوی انگلیسی شروع می شود (W.W.W) که اگر به هم وصل شوند، شکل یک مار یا موی مجعد را ایجاد می کنند.

هر گام خر دجال، معادل یک میل (مدّ بصر= ۴۰۰۰ متر) بیان شده است که این سرعت در وسایل امروزی، تنها در فضا و به وسیله ماهواره ها امکان پذیر است. همچنین رنگ آن را سرخ فام می دانند که هنگام بازتاب نور خورشید، به ویژه در افق آسمان و هنگام صبح یا عصر، ماهواره ها به صورت سرخ رنگ دیده می شوند.

بیان این نکته نیز خالی از فایده نیست که طرح شبکه ایریدیوم به وسیله امریکا به اجرا درآمده است. در این طرح، ۱۶ ماهواره در نقاط گوناگون فضا قرار می دهند که با ارتباط با یکدیگر می توانند تمام نقاط زمین را پوشش دهند. گفتنی است هنگام پخش یک برنامه از سوی این شبکه، تمام شبکه های رادیو و تلویزیون و ماهواره های کشورهای گوناگون از کار می افتد و تنها برنامه های این شبکه به وسیله مردم جهان دریافت می شود. با وجود اینکه این طرح سال هاست آماده بهره برداری است، ولی کارشناسان علت استفاده نکردن از آن را نمی دانند. به نظر نگارنده، این نیز نقشه دجال یا به تعبیر امام راحل رحمه الله، شیطان بزرگ است که برای مقابله با ندای جبرئیل که مردم را به سوی امام زمان فرامی خواند و از نشانه های حتمی ظهور در ماه رجب به شمار می رود، در نظر گرفته شده است.

در روایتی، دجال در حالی روی زمین حرکت می کند که با سحر و جادو، کوهی از غذا را پشت سر خود نمایش می دهد و مردم سست ایمان، به طمع

آن جـذب او می شونـد.(۱) گفتنی است امروزه جریـان صـهیونیسم مسـیحی که بـا ورود کـارتر به کـاخ سـفید در سـال ۱۹۷۷ میلادی قدرت را در دست گرفت و ظهور جدّی یافت، پس از حمله به افغانستان و عراق، بی درنگ و حتی هم زمان با آن، به توزیع گندم و برنج ونان رایگان اقدام کرد. البته بسیاری از این نعمت نمایی ها و در باغ سبز نشان دادن ها از سوی رسانه های استکباری که محل تجلی سحر و جادوی بنی اسرائیل است، به مردم نمایانده شده است.

از فیلم هـایی که به موضوع دجال پرداخته انـد، می توان طالع نحس ۱ و ۲ و ۳ و همچنین پیش گویی هـای نوستر آداموس را نام برد. همچنین در این زمینه بایـد به آثار تولیـد شده در کشور شـیطان بزرگ و جریان صـهیونیسم مسـیحی مراجعه کرد. این نکته، آدمی را به این امر رهنمون می سازد که دجـال بسـیار می کوشـد خود را شبیه مسـیح حقیقی جلوه دهـد و این کار را با وسایل سحر و جادویی که در اختیار دارد، انجام می دهد.

در این بخش، در مورد آثار مربوط به دجال که بنا بر اعتقاد مسیحی، فرزند شیطان و نیروی مقابل عیسی فرزند خداست، بحث می کنیم. باید گفت انبتاگونیست یا ضد قهرمان یا Badman که یکی از ارکان تمام داستان ها و فیلم نامه هاست، برگرفته و هم ریشه با آنتی کریست یا ضد مسیح یا دجال است. این امر با گرایش جدید به مسائل دینی در سینما عمق اعتقاد به دجال را بهتر می نمایاند.

فیلم طالع نحس ۱، دجال (زاده شیطان) را کودکی معرفی می کند که دارای

۱- علی کورانی عاملی، عصر ظهور، تهران، مرکز نشر اعلام اسلامی، ۱۴۰۸ ه. ق، ص ۳۰۹.

علامت ۶۶۶ بر پوست سرش است. کودک با بزرگ تر شدن، کم کم به کارهایی شیطانی مانند قتل مادر خود و ارتباط با سگ سیاه بزرگی دست می زند. تنها کسی که از وجود او باخبر است و به پدرش هشدار می دهد، یک کشیش است که در ابتدا با انکار و ناباوری پدر روبه رو می شود. نیروهای شیطانی، کشیش را به طرز فجیعی به قتل می رسانند و پدر کودک که هشداردهنده دجال (شماره ۶۶۶) را زیر موهای سر کودکش می یابد، تصمیم به کشتن او می گیرد، ولی به دلیل دیر عمل کردن ومسائل دیگر، خودش کشته می شود.

فیلم در قسمت اول خود می کوشد دجال را به حرکتی یهودی مرتبط سازد. همین امر سبب مطرود شدن کارگردان آن در هالیوود و ساخته شدن قسمت های ۲ و ۳ فیلم شد که این بار، دجال را فردی مسیحی معرفی می کرد. از شواهدی که قسمت اول ارائه می دهد، این نکته است که عدد ۶۶۶ بر جنگ ۶ روزه اسرائیل با اعراب که در روز ۶ ماه ۶ میلادی (ژوئن) شروع شد، منطبق است. همچنین نشانه ستاره ای که در فیلم می بینیم، همان ستاره داوود است که آن را نماد صهیونیسم می دانند. همین طور برای کشف راز دجال، جریان فیلم به دهکده المجدون (آرماگدون در زبان لاتین) در فلسطین اشغالی و نزدیکی بیت المقدس کشیده می شود. در طالع نحس ۳، با وجود نسخه اول فیلم که دجال را حرکتی صهیونیستی معرفی می کند، به صورت کاملاً ـ محسوس می کوشند دجال از ملل مسیحی، یعنی سفیر امریکا در انگلیس معرفی شود. دلیل انتصاب سفیر در انگلستان که با نفوذ وی در کاخ سفید و

تسلط بر شخص رئیس جمهور امریکا همراه است، از میان بردن مسیح در ابتدای هزاره سوم است که در انگلیس ظهور می کند. با وجود همه تلاش دجّال، در پایان، مسیح علیه السلام با فرو بردن خنجر ویژه به وسیله یک زن به قتل می رسد.

در فیلم پیش گویی های نوستر آداموس، شرکت های یهودی، پا را از این فراتر نهاده اند و دجال اصلی را فردی مسلمان و عرب معرفی می کنند که نیویورک را با موشک های خود که از عربستان شلیک شده است، هدف قرار می دهد. این فیلم بر اساس پیش گویی های مبهم فردی ایتالیایی که در چند قرن پیش می زیسته، ساخته شده است. این فیلم می کوشد سه شخصیت برجسته را دجال یا ضد مسیح معرفی کند که به ترتیب ناپلئون، هیتلر و فردی است که بسیار قابل انطباق با امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف است. در پایان فیلم، امریکا با شوروی سابق متحد می شود و وی را شکست می دهند. فیلم (البته با اندکی تحلیل و آگاهی دادن به کشورهای اسلامی و مردم جهان)، رسواتر از آن است که بتواند موج تبلیغاتی ایجاد کند. این فیلم با وجود سرمایه گذاری فراوان و صحنه های پرخرج و تروکاژهای زیبا هیچ گونه ارزشی ندارد.

اینک به برخی شواهد این رسوایی اشاره می کنیم: فیلم بر اساس کتابی موسوم به پیش گویی های نوستر آداموس ساخته شده است. این فرد که گفته می شود ابتدا کشیش بوده است، اشعاری دارد که در آنها به اصطلاح آینده جهان را پیش گویی کرده است. نویسنده این فیلم می کوشد برای اعتبارتراشی، پیش گویی پاپ شدن یکی از کشیش ها را از کرامات وی بیان کند. این اشعار آن قدر مبهم و قابل تعبیرهای متفاوت است که کارشناسان این

فنّ نیز تنها وقتی حادثه ای تاریخی رخ داد، می توانند با تفسیرهایی، آن را به شکل نسبی با برخی پیش گویی ها تطبیق دهند. بنابراین، اشعار یادشده به عنوان پیش گویی اعتباری ندارند و سوءاستفاده سینمای یهودی ـ مسیحی از این جریان کاملاً مشهود است.

پیشوایان دین اسلام که از نظر اعتبار گفتار، با هیچ بشر عادی قابل مقایسه نیستند، درباره بسیاری از احادیث مربوط به نشانه های آخرالزمان فرموده اند که امکان تغییر سرنوشت وجود دارد. برای مثال، در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که همه نشانه های آخرالزمان و ظهور منجی موعود قابل تغییر هستند، به جز چند نشانه که عبارتند از: خروج سفیانی، ندایی از آسمان و یمانی. حال چگونه است که پیش گویی های مبهم و خطاپذیر یک فرد معمولی، قابل اعتماد است و با تکیه بر آن، جریان سازی تبلیغاتی صورت می گیرد.

در فیلم، ضد مسیح یا دجال آشکارا در مقابل امریکا قرار می گیرد. حال اینکه ما رابطه میان امریکای شیطان صفت و وجود مقدس حضرت مسیح علیه السلام را درنمی یابیم. در یک تفسیر درست درمی یابیم که صهیونیسم مسیحی می کوشد امریکا را مسیح و منجی انسان ها و مدافع بشر معرفی کند. این تم، آشکارا و پنهان در آثار فراوان دیگری مانند فیلم های آرماگدون، پیش تازان فضا، جنگ ستارگان و ماتریکس نیز به چشم می خورد.

ماتریکس را که عده ای، خیال پردازی های برادران واچوفسکی می خوانند، در حقیقت، فیلمی آخرالزمانی است و در آن، نئو که فردی برگزیده و منجی انسان هاست، می کوشد جهان را از سیطره مردان ماتریکس

برهانـد. نئو که یک تکنیسـین علوم رایانه ای و اهل امریکاست، پس از تربیت و ریاضت های پیامبرگونه بر آن است تا با بیدار کردن مردم، آنها را از توهمی که نسبت به زنـدگی در سال ۱۹۹۹ دارنـد، برهانـد. مردان ماتریکس نیز در نقش دجال دوران کنونی ظاهر می شوند که این بار، یهودی و مسیحی یا مسلمان نیستند، بلکه از ماشین هایی درمی آیند که به دست خود انسان ها خلق شده اند.

شیطـان پرسـتی نیز موضوعی است که دست مـایه فیلم بچه رزمـاری قرار گرفته است. این فیلم، به موضوعی شبیه به دجـال می پردازد. این فیلم به کـارگردانی پولانسـکی و برگرفته از رمان آیرالوین، تولیـد سال ۱۹۶۸ امریکا و به نوعی اقتباس از فاوسـت گوته است. گـای وودهـاوس (بـا بـازی جـان کاساوتیس) به همراه همسـرش رزماری وودهاوس (با بازی میافارو) به یک خانه قصرمانند وارد می شوند. آنان سرگرم وارسی خانه هستند که به گنجه ای مشکوک در پشت کمد برمی خورند. رفیق خانواده به آنها درباره زندگی در آنجا هشدار می دهد و تا پایان این داسـتان پرتعلیق، رفته رفته درمی یابیم که آن خانه، محل زندگی شیطان پرسـتان است. رزماری نیز برای باردار شـدن و به دنیا آوردن بچه شـیطان یا نوعی دجال در آن خانه حضور یافته است. قرارداد این امر در مجلس مهمانی پیرمرد و پیرزن همسایه، رومن کاسـتاوت و همسرش (با بازی روت گوردن که جایزه اسکار بهترین نقش دوم زن را گرفت) با گای و در مقابل بهبود یافتن زنـدگی هنری آنان بسـته می شود. پیرمرد به گای پیشـنهاد می کند روحش را به شـیطان بفروشد و همسرش را محمل بچه شیطان (با قرار دادن طلسمات شیطانی بر رزماری) کند. در عوض، در شغلش که بازیگری تئاتر

است، دگرگونی و پیشرفت زیادی حاصل شود. پس از پذیرفتن گای، زندگی رزماری در سراشیبی می افتد، به گونه ای که پس از خوردن یک شیرینی مخدّر و دیدن چند کابوس با دکتری (به نام ساپرستین) دیدار می کند و در پایان، بچه شیطان را به دنیا می آورد و با ورود به جمع شیطان پرستان، موفق به دیدن فرزندش می شود.

برخی منتقدان، این فیلم را پاک نویس فیلم قبلی این فیلم ساز یهودی؛ یعنی رقص خون آشام ها می دانند. در آن فیلم، دانشمند پیری به همراه دستیار جوانش موفق می شوند دختر زیبایی را که معشوقه جوان شده است، از دست خون آشامان برهانند و به جهان انسان های سالم منتقل کنند، ولی مشکل اینجاست که آن دختر زیبا، خود، خون آشام است و آن دو، خون آشامی را وارد جهان انسان ها کرده اند.

برخی منتقدان نیز به دلیل برخی شواهد و همچنین این نکته که یکی از شیطان پرستان از نژاد زرد است، نتیجه گرفته اند که پولانسکی، توفیق کالاهای ژاپنی و هجوم اقتصاد این کشور به بازارهای جهانی را استعاره ای برای یک حرکت شیطانی قرار داده است. باید گفت این انتقاد بسیار ضعیفی است و نمی توان آن را پذیرفت.

نکته مهمی که در فیلم به کار رفته و با بحث این کتاب نیز مرتبط است، چگونگی ارتباط زندگی فیزیکی و طبیعی رزماری با جهان متافیزیکی و ماورایی است که در آن، با شیطان دیدار می کند. تکنیک به کار گرفته شده از

سوی کـارگردان، به گونه ای است که مخاطب تـا پایـان فیلم درنمی یابـد این ارتبـاط هـا معلول خیال پردازی های یک ذهن آشـفته است یـا یک کابوس یا مشاهـده های رزماری از جهان دیگر. با این حال، قضاوت بر عهـده بیننـده است و محتوای این ارتبـاط دقیقـا به وی منتقل می شود. در ارتباط اول، کارگردان با ظرافت و حرکت ساده دوربین از دست مرد به طرف صورت زن و یک حرکت عمودی از آن به سوی دیوار مشـکوک بالای سرش به همراه یک دیزالو ساده بر روی جسد خونین زنی که چنـد لحظـه پیش، تماشـاگر وی را در خیابـان مرده دیـده است، مخـاطب را از یـک مـوقعیت سـاده به درون دنیـای غیرطـبیعی رزماری می کشاند.

در ارتبـاط دوم، رزمـاری پس از خـوردن شـیرینی از دسـت زن همسـایه، در راهروی تنـگ به زمین می خـورد و وارد دنیـایی غیرطبیعی می شود که همه آدم های دور و برش در آن حضور دارند. در این صـحنه، شیطان (با بازی زندرلوی) نیز با قیافه ای بدشکل و بدقیافه حضور دارد.

نکته جالب درباره ایفاگر نقش شـیطان، یعنی آنتون زنـدرلوی(۱) آن است کهوی به عمـد برای ایفـای این نقش انتخاب شـده است؛ زیرا وی پایه گذار کلیسای شیطان(۲) یا کلیسای رقیب در سال ۱۹۶۶ میلادی در امریکاست. ویدر این باره آثاری دارد که از آن جمله می توان به انجیـل شـیطانی نوشـته ۱۹۶۹ میلادی، با شـمارگانی بیش از یک میلیون نسـخه؛ جادوی شـیطانی و مناسک

۱- ۲.Lavey Szander Anton.

۲- ۳.The satanof church.

شیطـانی اشاره کرد. افزون بر اینها، وی در فیلم بچه رزماری نقش بازی کرده و هنرپیشه و مشاور بسـیاری از فیلم های هالیوود، مانند سامی دیویس، کیم نواک و... است. لوی، سال ها پیش از برپایی کلیسای شیطانی، علاقه ویژه ای به تجربه گرایی داشت و در دهه ۱۹۵۰ میلادی در سان فرانسیسـکو گروهی به نام حلقه جادویی تشـکیل داد. در سال ۱۹۶۶ میلادی، با پایه گذاری کلیسای شـیطانی، خود را اسـقف اعظم کلیسای شـیطان و پاپ سـیاه خواند و اعلام کرد که دوره ای جدید سـر برآورده است. لوی به نقد بسـیاری از ادیان، به ویژه مسیحیت و سنت های عرفانی شرق پرداخت و اعلام کرد که این ادیان و سنت ها، احکام نامتعارف و نامناسبی را به بشـر می آموزنـد و سـبب گناه غیرضـروری می شوند. ازاین رو، وی بر ضـرورت نیاز به دینی تأکید کرد که فرد را به عنوان حیوانی دارای آرزوهایی گوناگون مورد پرستش قرار دهد. لوی در سال ۱۹۶۷ میلادی، نخستین جشن شیطان را بر پا کرد و سـپس برای مردگان عضو کلیسا، مراسم تشییع جنازه شیطانی و برای دختر سه ساله اش، زینا، غسل تعمید انجـام داد. وی در برخی مراسم ها از عناصـر نمادین ماننـد موسـیقی (شـیپور، سـنج و آوازخوانی)، شـمع، پنتاگرام (سـتاره پنج گوش) و تصویر برهنه زن و همچنین پوشـش خاصی که عبارت بودند از ماسک و خرقه های باشلق دار، بهره جسته است. نوع پوشـش این فرقه شـیطانی و همچنین ارتباط آنان با کلیسای مسـیحی و کمپانی های یهودی، ما را به یاد ویژگی های دجّال می اندازد که به نظر نگارنده، با حرکت صهیونیسم مسیحی

و با مرکبّیت رسانه به ویژه سینما هم خوانی دارد. معروف ترین نماد این گروه، سگیل بافومت(۱) مثلث سر و ته در یک دایره با کله بزی در وسط آن است که ازقدیم در سنت های شیطان پرستی به کار برده اند.

بـا مرگ لوی در سال ۱۹۹۷ میلادی و نبودن جانشینی برای وی، این جریان به خاموشی گرایید، ولی هنوز پیروانی دارد که زمانی ادعا می شد در حدود ده هزار نفر هستند.

پیش گویی _ نهان بینی

پیش گویی _ نهان بینی

فیلم سینمایی «Shining» که به غلط، درخشش ترجمه شده است و به عبارت صحیح تر، باید آن را روشن بینی یا آینده نگری نامید، به کارگردانی استنلی کوبریک در سال ۱۹۸۰ میلادی بر اساس رمانی از استفان کینگ تولید شده است. جک تورنس نویسنده، خانواده اش را برای گذراندن تعطیلات زمستانی به یک هتل با چشم اندازی زیبا می آورد. دنی، پسر جک در هتل با ساکنان روح مانندی روبه رو می شود که به او می گویند او قدرت آینده نگری دارد؛ یعنی می تواند آینده را ببیند؛ آینده ای که شامل باریکه های خون و اجساد مردگان است.

در این حال، سرایدار سابق هتل که دیوانه ای آدم کش است، جک را تهدید می کند. پدر که خود دارای حالت های روانی است، تصمیم به قتل دنی می گیرد، ولی وی با همان حس آینده بینی خویش، این مطلب را می فهمد و پس از تعقیب و گریز طولانی در برف به همراه مادر خود از دست پدر می گریزند.

صحنه های اولیه فیلم که به معرفی محیط کوهستانی و هتل می پردازد و

۱- sigil of Baphomat.۴.

با پرواز هوایی تصویربرداری شده است، همراه با موسیقی زیبا و اثرگذار فیلم، با القای حس زیبایی، بیننده را رفته به فضایی دیگرگونه وارد می سازد. برای نماهای خارجی فیلم، از بالاترین نقطه کوهستان استفاده شده است. مدیر هتل، هنگام تولید فیلم از کارگردان خواهش کرد که از اتاق شماره ۲۱۷ که در کتاب استفان کینگ اشاره شده و اتاق شیطان نام دارد، استفاده نکند.

کوبریک، اتاق شماره ۲۳۷ را به شکل اتاق ۲۱۷ درآورد و از آن در کار فیلم برداری استفاده کرد. جالب اینکه کوبریک، کارگردان کمال گرای فیلم، از یکی از هنرپیشگان شلی دوال(۱) ۱۲۷ مرتبه خواهش کرد تا توانست درصحنه ای او را به اتاق ببرد.

فیلم پیش گویی های ماثمن(۲) به کارگردانی مارک پلیتگتن و تولید سال ۲۰۰۲امریکاست. در این فیلم سینمایی، شاهدیم که جان کلاین، گزارشگر معتبر نشریه واشنگتن پست پس از سال ها موفق می شود همراه همسرش، مری خانه مورد علاقه شان را بخرند. هنگامی که با اتومبیل خود راهی خانه جدید هستند و مری در حال رانندگی است، ناگهان به دلیل دیدن موجودی عجیب، کنترل را از دست می دهد و تصادف می کند. جان، او را به بیمارستان می رساند، ولی مری مدتی بعد می میرد. از مری نقاشی هایی به جا می ماند که همگی چهره آن موجود عجیب را دارد.

۱- ۱.Shelly Duvall.

۲- ۲.Mothman Prophecies.

دو سال بعد، جان سوار بر اتومبیلش، ناگهان خود را در ایالت و شـهر دیگری می بیند. وقتی سـر گردان به خانه شخصـی به نام گوردون می رود، به قتل تهدید می شود؛ زیرا گوردون می پندارد کسی شبیه جان چند شب است که مزاحم او و خانواده اش شـده است، ولی با آمدن افسـر پلیس مسـئله حل می شود. پلیس برای جان از ماجراهای باورنکردنی که در شـهر رخ می دهد، حرف می زنـد. او می گویـد مردم شـهر موجود عجیب و غریـبی را دیـده انـد و ماجراهـایی ماننـد پرتوافکنی نورهـای قرمز در آسمان یا خون ریزی گوش ها و چشم ها اتفاق افتاده است.

از مردمی که او را دیـده انـد، تصویرهایی به جا مانـده که بسـیار شبیه به نقاشـی های همسـر مرده جان هسـتند. گوردون از آن موجود برای جان حرف می زنـد؛ همچنین به او می گویـد: آن موجود به موقع به سـراغ او خواهد آمد و گوردون خواهد مرد. الکساندر که درباره موضوع های ماورای طبیعی تحقیق می کند، به جان می گوید که از آن موجود در اساطیر، با نام ماثمن یا مرد بیـدی یاد شـده است که مسائل آینـده را پیش گویی می کنـد. به ویژه از مرگ افراد خبر می دهـد، ولی از ماهیت او هیچ اطلاعـی در دست نیست. ماثمن با جان، تلفنی حرف می زنـد و شـماره ۳۷ را برای دیـدار یا مرگش به وی می دهـد. روز بعد گوردون می میرد و افسر پلیس به جان خبر می دهد که زنی شبیه همسرش به کلانتری مراجعه کرده بود. ساعت موعود فرا می رسـد و در حـالی که روی پل بزرگ شـهر، راه بنـدان عجیبی به وجود آمـده است، پل در هم می شـکند و جان تنها می تواند افسـر پلیس را نجات دهـد. جان باخبر می شود که ۳۶ نفر در این حـادثه جـان باخته انـد و به خاطر می آورد که شـماره او ۳۷ بوده است.

این فیلم، یک فیلم ماورای طبیعی ترسناک است که کارگردانش، هوشمندانه درباره مسائل ماورای طبیعی توضیحی نمی دهد. از زبـان پیرمرد محقق فیلم می شـنویم که سـال هـا حول و حوش این وقـایع که به مرگ غیرطبیعی آدم ها می انجامیـد، تحقیق کرده ام، ولی هیـچ پاسـخ قـانع کننـده ای نیـافتم. این برخلاـف فیلم هـای هراس آور این روزهاست که برای همه پدیـده های غیرطبیعی، دلیل و برهان ساختگی می آورند و زمینه و پس زمینه ترسیم می کنند.

پلینگتن، فیلم را بـا ساختـاری محکم و منـاسب کـارگردانی کرده است. نماهای درشت، به گونه ای که گاهی تصاویر را مبهم نشان می دهد، به همراه استفاده از سولاریزه کردن آنها و صداهای نامفهوم، همگی به کارگردان برای قطعیّت ندادن به فضای اثر کمک می کند.

آنچه بیش از هر چیز، حتی فراتر از مسائـل ژانر وحشت در فیلم پیش گـویی هـای مـاثمن وجود دارد، توجه به مسـئله مرگ و ناتوانی بشـر برای جلوگیری از آن است که به نوعی به برداشت های مـذهبی نیز اشاره دارد. ماثمن به گوردون می گویـد: «از من نترس» و او را به لحظه موعود وعده می دهد، چنان که به بیشتر افراد خبر می دهد مانند ملك الموت به موقع سـراغشان می آیـد. مـاثمن نیز هنگـامی که جـان از نبود همسـرش دل تنگ است و قصـد جلوگیری از این نوع مرگ ها را دارد، می گویـد: «آدم های بسـیاری اطراف ما می میرنـد و ما توانایی جلوگیری از مرگ هیچ یک را نداریم.» ماثمن به او می گوید به فکر روز قیـامت و تنهـایی خـود در آن روز بـاش. همه اینهـا نگرش دینی کـارگردان به مسـئله مرگ را نشـان می دهـد. جـان را دسـت سرنوشت به ویرجینیا و روی آن پل درهم ریخته می کشاند و بر روی آن پل در انتظار

مرگی نزدیک، نگه می دارد. البته همه این فضاها با حضور دراکولا گونه «مرد بیـدی» که چون خفاش در شب می پرد و روی شهر پرواز می کنـد، سـنخیت چندانی ندارد و فیلم را دو وجهی می کند. وجه حضور پرنده وار «مرد بیدی»، بیشتر ناظر به وجه تجـاری فیلم و برای سرکشـی تماشاگر عادی سـینما و جوینـدگان آثار دراکولایی است. بـدا حاصل شـدن در مرگ جان را با توجه به این مطلب که یهود به محال بودن نسخ و بدا قائل هسـتند،(۱) نمی توان به دیدگاه مذهبی سازندگان فیلم نسبت داد و تنها می تواند به برداشتی اومانیستی و ناشی از سبقت گرفتن اراده انسان بر اراده الهی تأویل شود.

از دید اسلامی، علم غیب ویژه عالم الوهی و کسانی است که از بارگاه الوهی آن را به دست آورده باشند. علامه طباطبایی در معنای غیب می نویسد:

غیب در مقابل شـهادت است و آن چیزی است که حسّ بر آن واقع نمی شود. تنها راه رسیدن به غیب، عقل سلیم و تفکر ناب است.(۲)

بنـابراین، غیب که بر اسـاس تعریف، معـادل مـاوراءالطبیعه است، کاملاًـ در عـالم تجرد واقع می شود و اگر انسـان هایی به آن دست یابنـد، به دلیل تجرد نفس خودشان است و اگر گروهی از جن (پیش از بعثت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله) توانسـته بودند مقداری از آن را بدزدند، به دلیل سـرقت آن در مسیر نزول به زمین بوده است. پیش گویی نیز تا حد زیادی شبیه به علم غیب است؛ یعنی کسانی که قدرت پیش گویی دارند، از چند دسته خارج نیستند: پیامبران و

۱- تفسیر المیزان، سوره مائده از آیه ۱۵ تا ۱۹.

۲- تفسیر المیزان، سوره بقره، آیه ۳.

اوصیا که علم لـدنی به آنها داده می شود؛ عـده ای از مردم که فرشـتگان الهی هاروت و ماروت به آنان علم آموختند، یا عده ای از جنیان یا شـیاطینی که زمانی استراق سـمع کرده اند و برخی انسان ها که با تجرد نفس و قرار گرفتن مافوق زمان و مکان توانسـته اند برخی حوادث آینده را ببینند. این دسـته، خود به دو گروه تقسـیم می شوند: کسانی که با ریاضت های غیرشـرعی مانند جوکی ها و مرتاضان هندی یا شـیطان پرسـتان و جن پرسـتان به قدرت هایی دست یافته اند و کسانی که با ریاضت های شرعی و سـیر و سلوک الهی به این امر رسیده اند. تفاوت گروه دوم با گروه اول در دو چیز است: اول اینکه به دلیل اطاعت از فرمان های پروردگار، پاداش اخروی دارند و دوم اینکه به قدرت های بسیار وسیع تر و برتر از گروه اول دست می یابند.

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

پیشنهادهای رسانه ای

پرسش های مردمی

پرسش های کارشناسی

پیشنهادهای رسانه ای

پیشنهادهای رسانه ای

هرچند نگارنده پیشنهادهای رسانه ای خود را به تناسب مقام، در هر فصلی آورده است، ولی موارد زیر را نیز برای جمع بندی بدان ها می افزاید.

با وجود ادعاهای فلسفی و اجتماعی در زمینه هنر، دالّ بر سکولاریزه کردن هنر و سینما، دینی ترین و ماورایی ترین سینمای جهان، در امریکاست. البته با این دو ملاحظه که سینمای ضد دینی و ضد ماورایی نیز به هر صورت، جزو سینمای دینی و ماورایی به شمار می آید (گر چه از دید حرکتی صهیونیستی ــ مسیحی که رسانه های امریکا و از جمله سینما را می گردانند، این حرکت دقیقا دینی است). دوم اینکه سراب نمایی و سودآوری، همواره در دستور کار سینمای امریکا بوده و هست. حال چه سکس و خشونت، منافع اقتصادی بالاتری را در پی داشته باشد یا مانند دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد و گسترش پست مدرنیسم در سینما، گرایش مخاطب به موضوع های دینی و ماورای طبیعی بیشتر باشد، هر کدام به تناسب، در اولویت ساخت قرار می گیرند.

سراب نمایی نسبت به مقوله های ماورای طبیعی در سینمای غرب، ریشه ها و اهداف آشکار و پنهان خود را دارد که می توان به موارد شاخصی اشاره کرد. آب را گل آلود کردن و رهزنی حقایق با اوهام و تخیلات،

همچنین مقابله با اسلام که تنها پاسخ گوی نیازهای حقیقی مخاطبان نسبت به مقولات ماورایی است، خط مقدم تهاجم فرهنگی حرکت صهیونیستی ـ مسیحی است.

حرکت صهیونیستی ـ مسیحی که به نظر نگارنده، مصداق برجسته دجّال و به تعبیری، دجال اعظم است، امروزه آشکارا رسانه های صوتی و تصویری را که همان مرکب یا خر دجال است، زبان پیام رسانی و گسترش فرهنگ خود می داند.

این مسئله، وظیفه هنرمندان و فیلم سازان و تهیه کنندگان متعهد کشورمان را دوچندان می کند که با تولید برنامه های ناب، در کنار مقابله با خرافه ها و تخیلات شیطانی، به ترسیم الگوی شاخص اسلامی در مقولات ماورایی و دینی بپردازند.

این گونه برنامه ها در رسانه می تواند در دو بعد داخلی و خارجی طراحی و تولید شود. برای پخش داخل کشور با تکیه بر فرهنگ ملی و دینی می توان برنامه های جذابی تولید کرد. در برنامه های برون مرزی نیز تولید برنامه هایی درهمه قالب های داستانی، مستند، ترکیبی، مستند گزارشی، انیمیشن و...، ضروری به نظر می رسد. این برنامه ها در صورت جذابیت، می تواند روشنگر و سیراب کننده جویندگان حقیقت باشد.

باید گفت برنامه های برون مرزی می تواند ماهیتی فلسفی داشته باشد و شبهه های جدّی تر و عمیق تری را دست مایه خود قرار دهد. ای بسا شبهه ای در داخل کشورمان هنوز مطرح نشده است و اصولاً زمینه مطرح شدن ندارد، ولی می توان آن را در خارج از کشور به راحتی مطرح کرد و به آن پاسخ داد.

ساخت برنامه درباره تجربه کسانی که ظاهرا مرده اند و بعد زنده می شوند و به اصطلاح، تجربه نزدیک مرگ را داشته اند، از این نمونه هاست. مستند گزارشی سنگین از مجموعه افق که از شبکه B.B.C پخش شده، نمونه جالبی

در ایـن زمینـه اسـت. ایـن برنـامه که بسـیار سـاده نیز تولیـد شـده است، بـا چنـد گزارش از همین گـونه انسـان هـا و بازسـازی سورئـالیستی یا اکسپرسـیونیستی خاطرات آنها، یکی از پربیننـده ترین و اثرگـذارترین برنامه های شـبکهB.B.C در تاریـخ خود قلمـداد شده است. برنامه ای با این ویژگی ها که با روایت های دینی و بحث های اعتقادی نیز همراه باشد، می تواند به مراتب عمیق تر و اثرگذارتر باشد و در دستور کار تولیدکنندگان رسانه قرار گیرد.

از این برنـامه بسـیار پرمخـاطب که بگـذریم، اصولاً برنامه هایی با تم مـذهبی، همواره بیشترین مخاطبان را دارنـد. گویی مردم جهان در جهان مادی و ماشـینی امروز در پی گم شده ای هسـتند. البته باید دانست که بسـیاری از مخاطبان، گم شده ومطلوب خود را در دیـدن این برنامه ها نمی یابند و به اصـطلاح راضـی نمی شوند. برای نمونه، برنامه های سـخنرانی مذهبی (که ساده ترین قالب در برنامه سازی دینی است) جری فالول که کشـیش کلیسای تقـدیرگرا و از رهبران نومحافظه کارانیماننـد بوش و رامسفلد و رایس، حدود هفتاد میلیون بیننده تلویزیونی دارد و در رأس برنامه های پرمخاطب شبکه های امریکاست. حال آنکه وی کشیشـی افراطی و جزو مسـیحیت صـهیونیستی است و بی شک، افکار منحرف و افراطی وی نمی توانـد و نباید دین داران صلح طلب مسیحی را قانع کند.

اسـتفاده گسترده از امکانات فنی و ضـبط صدا و تصویر (نظیر اسـتفاده از دوربین های فراوان و میکروفن های حساس و فراگیر که امکـان حرکت فراوان را روی سـکوی سـخنرانی به سـخنران می دهـد)، نورپردازی های عالی، دکورهای پرخرج، صـندلی های راحت و فراوان برای شنوندگان و اجرای

سرودهای مذهبی گاهی همراه با رقص و موسیقی و play backهای نمایشی، جذابیت های زیباشناسانه و ظاهری این برنامه ها را افزایش داده است.

پخش تبلیغات مسیحی به زبان های زنده دنیا و از شبکه های گوناگون و استفاده از کسانی که دست های شفابخش و انرژی درمانی دارند، برای ترویج و تبلیغ مسیحیت، از دیگر شگردهای برنامه های مذهبی شبکه های غربی است. اگر مدیران محترم شبکه ها که برای جذب مخاطبان رقابتی تنگاتنگ دارند، به این نکته توجه کنند که پرمخاطب ترین برنامه ها تولیدات دینی و مذهبی هستند، با تولید برنامه های آموزنده و اسلامی در جذب مخاطب نیز موفق خواهند بود.

در جهانی که شبکه های تلویزیونی و سینمای غربی، به ویژه امریکا، هر روز به سوی برنامه های دینی و مقوله های ماورایی گرایش بیشتری می یابند، بسیار تأسف آور است که رسانه ملی ما به سوی رسانه مخاطب محور و سودآور و سرگرم کننده صرف حرکت کند.

حرکت صهیونیسم ـ مسیحی که ماهیتی یهودی و اسلام ستیزانه دارد، هدف اصلی خود را از اتحاد با مسیحی ها، ریشه کنی اسلام، قرآن و مسلمانان قرار داده است. هر چند به زودی با ظهور امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف و بازگشت عیسی علیه السلام برای یاری ایشان، این امر، کاملاً برعکس می شود و مسیحی های حقیقی با مسلمانان متحد می شوند، ولی این مسئله نباید ما را از وظایفمان که بخش عمده ای از آن در رسانه ها به ویژه رسانه ملی برنامه ریزی می شود، غافل کند. باید گفت امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف از همین رسانه که مرکب دجال و دجالیان برای فساد و ظلم در دنیا قرار گرفته است، برای اصلاح و گسترش عدالت در جهان استفاده می کند؛ یعنی اصلاح با همان وسیله ای که سبب

فساد شده است.

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. آیا شما به عالم غیب اعتقاد دارید؟ عالم غیب چیست و کجاست؟

۲. شماری از اسماء الله یا صفات خدا را نام ببرید. معنی آنها چیست؟

۳. آیا فرشتگان مذکرند؟ آیا آنها بال دارند؟

۴. کار شیطان چیست؟

۵. چند تن از پیامبرانی را که نامشان در قرآن آمده است، نام ببرید.

۶. تفاوت پیامبران اولوالعزم با دیگر پیامبران چیست؟

۷. آیا تا به حال جن دیده اید؟ جن چه شکلی است؟

۸. آیا روح را می توان دید؟ اگر شما روح ببینید، می ترسید؟

۹. آیا کارهایی که مرتاضان یا برخی درویشان می کنند، نظیر چهل روز در قبر سرپوشیده خوابیدن و زنده بیرون آمدن، دلیل بر حقانیت آنهاست؟

۱۰. آیا درباره دجال و خر او چیزی شنیده اید؟

۱۱. به نظر شما دجال چیست یا کیست؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. نظر شما درباره معارضه «عالم غیب» با هنرهای فیگوراتیو چیست؟

۲. تعریف اسلامی از فرشته را که واسطه فیض دانسته اند، توضیح دهید.

۳. عقیده مسیحیان درباره اینکه دجال، پسر شیطان است، تا چه اندازه با آموزه های اسلامی سازگار است؟

۴. حکم فقهی نشان دادن چهره پیامبران یا معصومین چیست و چه علتی دارد؟

۵. این نظریه که جنیان، ساکنان کرات فضایی یا سرنشینان یوفوها هستند، تا چه اندازه درست است؟

۶. عالم مثال یا برزخ را از دیدگاه فلسفه و عرفانی تشریح کنید.

۷. تعاریف و تفاوت های معجزه و کرامت از دید علوم قرآنی را بیان کنید.

۸. نظر شما درباره مصداق های دجال چیست؟ او یک فرد است یا یک جریان اجتماعی؟

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم.

* انجیل یوحنا.

* تورات.

۱. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالحکم، شرح و ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.

۲. آوینی، سید مرتضی، آینه جادو ۱، نشر ساقی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۳. ________________________، آیینه جادو ۲، نقدهای سینمایی، نشر ساقی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، کتاب خانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ هـ . ق.

۵. ابن خلدون، مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

۶. ارنسون، الیوت، روان شناسی اجتماعی، ترجمه: دکترحسین شکرکن، تهران، نشر رشد، ۱۳۸۲.

۷. اعوانی، غلام رضا، حکمت و هنر معنوی، تهران، نشر گروس، ۱۳۷۵.

۸. انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب محرمه، قم، نشر منشورات دارالذخائر، چاپخانه خیام، ۱۴۱۱ ه . ق.

۹ . بوکهارت، تیتوس، هنر مقدس، ترجمه: جلال ستاری پور، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹.

۱۰. بی ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

۱۱. تایلین، ارباب حلقه ها، ترجمه: رضا علی زاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۸۱.

۱۲. تیلور، ریچارد، مابعدالطبیعه، ترجمه: محمدجواد رضایی، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.

۱۳. جزایری، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه نشر اسلامی جماعه المدرسین، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۱۴. حسینی، سیدحسن، پلورالیزم دینی یا پلورالیزم در دین، تهران، نشر سروش، ۱۳۸۲.

۱۵. حسینی، سیدمحمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران، نشر سروش، ۱۳۸۲.

۱۶. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، نشر اسلامی جامعه مدرسین ۱۴۰۷ ه . ق.

۱۷. دائره المعارف بریتانیکا.

۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۹. دهقانی، محسن، فروغ حکمت (شرح نهایه الحکمه)، قم، نشر پارسایان، ۱۳۷۷.

۲۰. راهنمای موضوعی تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۷۳.

۲۱. رحیمی نیا، مصطفی، فرهنگ اصطلاحات علوم اسلامی، تهران، نشر فؤاد، ۱۳۷۷.

۲۲. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۲۳. زیبایی نژاد، محمدرضا، مسیحیت شناسی مقایسه ای، تهران، نشر سروش، ۱۳۸۲.

۲۴. شنکایی، مرضیه، بررسی تطبیقی اسمای الهی، تهران، نشر سروش، ۱۳۸۱.

۲۵. شیخ عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، انتشارات علمی، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳ ه . ق.

۲۶. صحیفه نور، مجموعه بیانات و مکتوبات بنیان گذار جمهوری اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۵.

۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۴۱۷ ه . ق.

۲۸. طبرسی نوری، میرزا حسین، النجم الثاقب فی احوال الامام الحجه الغائب عج الله تعالی فرجه الشریف، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۵ هـ . ق.

۲۹. غزالی، امام محمد، کیمیای سعادت، تهران، کتاب خانه مرکزی، ۱۳۵۵.

۳۰. فون دنیکن، اریک، بازگشت به ستارگان، ترجمه: مسعود نوده فراهانی، تهران، برهمند، ۱۳۷۳.

۳۱. قاسمی، حمید محمد، اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان های انبیاء در تفاسیر قرآن، تهران، نشر سروش، ۱۳۸۰.

۳۲. قاسمی، محمدرضا، جهان در سیطره صاحب الزمان، مشهد مقدس، نشر الف، ۱۳۷۷.

۳۳. کورانی، علی، عصر ظهور، عاملی، تهران، مرکز نشر اعلام اسلامی، ۱۴۰۸ ه . ق.

۳۴. گرجی، علی، اصطلاحات فلسفی و تفاوت آنها با یکدیگر، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.

۳۵. لالاند، آندره، فرهنگ فلسفه انتقادی، ترجمه: غلام رضا وثیق، فرشیوه، ۱۳۷۷.

۳۶. متقی هندی، کنزالعمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ه . ق.

۳۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه وفا، ۱۴۰۳ ه . ق.

۳۸. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸هـ . ق.

۳۹. محمودی، شیخ محمدباقر، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، نجف اشرف، انتشارات نعمان، ۱۳۸۵ هـ . ق.

۴۰. مددپور، محمد، تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۴۱. معادیخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، تهران، نشر ذره، ۱۳۷۲.

۴۲. موسوی کاشانی، سید محمدحسن، جهان درآینده، مشهد مقدس، نشر الف، ۱۳۷۰.

۴۳. نرم افزار دایره المعارف اینکارتاIncarta، تولید شرکت مایکرو سافت.

۴۴. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، تفسیر راهنما، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.

۴۵. همایی، جلال الدین، معانی و بیان، تهران، مؤسسه نشر هما، ۱۳۷۴.

۴۶. یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی،تهران، سروش، ۱۳۶۹.

۴۷. یاوری، حسین، جزوه سمینار حکمت و هنر اسلامی، کتاب خانه مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹